

مقدمه

رشد و تعالی آدمی و رساندن او به مقام قرب الهی، مهم‌ترین رسالت انبیاء بوده است. یکی از اساسی‌ترین روش‌ها برای حصول این مقصود، ایجاد جامعه سالم و محیط زندگی با روابط اجتماعی فضیلت‌مندانه است که پیامبران به آن توجه داشته‌اند. رسولان الهی علاوه بر سلامت روحی، به سلامت جسمانی محیط زندگی هم توجه داشته‌اند. در ادیان الهی - بویژه در اسلام - بر محیط زیست سالم تأکید شده است.

بشر از آغاز خلقت نوعی همزیستی و تعامل با این کرهٔ خاکی داشته و به تدریج به اهمیت محیط زندگی پی برده است، اما در قرن اخیر یکی از مشکلاتی که گریبانگیر جامعه انسانی شده است، بحران زیست محیطی و تخریب کرهٔ زمین و مظاهر طبیعی حیات‌بخش آن است. ریشه‌های این بحران را باید از قرن پانزدهم میلادی جستجو نمود که فرانسویس بیکن^۱، علم را برای قدرت بیشتر در تسلط و تسخیر بشر بر طبیعت تعریف و معرفی کرد. در قرون بعدی سلطهٔ انسان‌ها بر مظاهر عالم خلقت گسترش یافت و در قرن بیستم تخریب محیط زیست انسانی، جانوری و گیاهی به اوج خود رسید. این مسئله سبب پیدایش گروه‌های دفاع از محیط زیست و مطرح شدن اخلاق زیست محیطی در غرب شد.

با تخریب محیط زیست و احساس خطر انسان برای حیات، نحله‌های دفاع از گسترش فضای سبز و مقابله با تخریب منابع گیاهی و جانوری به وجود آمد. کتاب‌ها و مقالات زیادی در دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم در مورد آلاینده‌ها و تخریب لایهٔ

اُزن نوشته شد. لین‌وایت^۱ و آرنولد‌توین‌بی^۲ در آثارشان ادیان الهی را به دلیل ترویج اعتقاد به اصالت و شرافت انسان بر سایر موجودات و نظریه تسخیر و تسلط آدمی بر طبیعت، در تخریب محیط زیست مقصر دانستند.

در مقابل، طرفداران توجه به اخلاق زیست محیطی در ادیان الهی به دفاع از نظریه دینی پرداختند و کتاب‌ها و مقالات زیادی در تبیین دیدگاه پیامبران و کتب مقدس نوشته شد. رودلف‌باهر و^۳ نظریه‌پرداز با نفوذ نهضت سبز همه موجودات را بارقه‌ای از رحمت الهی خداوند می‌دانست و معتقد است بشر نیازمند معنویت و روحانیت و تولد عصر طلایی جدیدی است.

دین اسلام که آخرین وحی الهی، و قرآن که کامل‌ترین صحیفه ربّانی است، در اندیشه هدایت انسان‌ها به قرب الهی و زندگی خدامدارانه و حیات طیبه برای همه زمان‌ها است. نیاز به همه قلمروهای اخلاق با مسائل مستحدثه برای هر جامعه پیشرفته یا در حال پیشرفت ضروری است و دیدگاه پویایی دین خاتم و سازگارکردن خویش با شرایط زمان و مکان باید در همه ابعاد اخلاق، از جمله اخلاق زیست محیطی که در عصر جدید لازمه زندگی سالم است، تبیین و تشریح شود. علاوه بر اخلاق الهی و نوع رابطه انسان با خداوند، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی و نحوه رابطه با هموعان، توجه به اخلاق حرفه‌ای و اخلاق زیست محیطی برای ایجاد جامعه سالم با افراد سالم و با فضیلت و آگاهی بخشی از متون دینی در بهداشت فردی افراد و بهداشت محیطی و حفظ مراتع و منابع آب و جنگل‌ها و نسل حیوانات، ضروری به نظر می‌رسد.

1. Lynn white

2. Arnould tuwin B

3. Rodulof Bahroo

گرچه در اواخر قرن بیستم، اعلامیه‌های جهانی در مجامع بین‌المللی که از دههٔ شصت شروع شده بود، مثل «اعلامیهٔ زمین» در سال ۱۹۹۲ و عقد معاهدهٔ «کاهش گازهای گلخانه‌ای»، فراوان دیده می‌شود، اما با این حال این معاهدات حقوقی توفیق چندانی در حل بحران محیط زیست نداشته‌اند و این نشان می‌دهد که باید به اخلاق زیست محیطی توجه بیشتری بشود و البته صرف بیان اخلاقی کافی نیست و ارائه آن توسط نهادهای آموزشی جهانی ضروری به نظر می‌رسد.

دیدگاه انسان محورانه در ادیان الهی، از جمله در اسلام که مبتنی بر شرافت انسان بر سایر موجودات و مقام جانشینی خداوند در زمین است، نه تنها عامل مخرب محیط زیست نیست، بلکه کرامت و شرافت انسان بر سایر موجودات، در سایهٔ خدا محوری و اصل توحید و احکام دینی و باید و نبایدهای متون دینی و دستورات پیشوایان دین در اخلاق زیست محیطی، نقش مؤثری در سلامت و حفاظت از محیط زیست ایفا می‌کند. از دیدگاه دینی کمال عملی انسان ناشی از کمال اخلاقی اوست، زیرا رفتار، واکنش اخلاق و حالات روحانی آدمی است؛ چرا که اعمال فرد از ریشه‌های اخلاقی او تغذیه می‌گردد. فهم همهٔ مسائل اخلاقی، از جمله اخلاق زیست محیطی مستقل از التزامات و تعهدات انسانی نیست، اما مرهون ارزش‌ها و احکام دینی است که بدون آن قادر به حفظ تعادل و توازن محیط زیست موجودات نخواهد بود.

عشق آدمی به محیط زیست نشان از عشق او به خالق موجودات است. هر موجودی در این جهان نه فقط از این جهت که آفریدهٔ خداوند است بلکه به خاطر نقشی که در کارگاه آفرینش دارد قابل احترام است و نباید به چشم بی‌اعتنایی به او نگاه کرد، چون آفریدگان خدا دارای حرمت هستند و باید هر موجودی را در حد اقتضاء

خودش محترم بداریم. خداوند علاوه بر وظائفی که در ارتباط با خودش و انسان‌ها برای بندگان معین کرده است، در قبال موجودات طبیعی عالم هم ما را مسئول نموده و در قیامت باید جوابگو باشیم.

در کتب آسمانی و از جمله قرآن کریم آیات زیادی به ارتباط صحیح آدمی با محیط زیست اشاره دارد. اسلام تنها راهنمای امور معنوی نیست و تمایزی بین دنیا و آخرت قائل نیست و این جهان مُحاط در عالم روحانی است. دین خاتم جوابگویی مشکلات بشری در هر عصر و زمان است و راهنمایی پیشوایان دین می‌تواند بحران زیست محیطی فعلی را حل کند. دینی که پیامبرش رسول رحمت برای همه موجودات عالم است با دستوراتش می‌تواند روش صحیح را فراروی دنیای مدرن قرار دهد.

اگر به تعالیم ادیان الهی، خصوصاً اسلام، توجه شود مشکلات زیست محیطی به حداقل خواهد رسید؛ زیرا الزام‌های اخلاقی ادیان شامل موجودات جهان هم می‌شود. اصالت و شرافت انسان در اسلام به معنای اومانیزم^۱ غربی و زاییده سکولاریزم^۲ نیست. نوع استفاده انسان از مواهب خدادای در کتاب‌های مقدس و خصوصاً در قرآن مشروط به زمان محدود^۳ و عدم اختلال در توازن زیست محیطی^۴ است. در دیدگاه اسلامی بهره‌وری آدمی از طبیعت، به شایسته و ناشایسته تقسیم شده است و جهان بینی ماتریالیستی از توسعه، قابل قبول نیست. در احکام دینی انسان پیوندی زنده با هستی دارد و از آن بهره می‌برد، اما خود را محور عالم نمی‌داند. تصرف آدمی در طبیعت، دخالت موجود نامحدود، در جهان فرودست نیست و با مقررات، محدود شده است.

1. Humanism
2. Secularism

۳. بقره/۳۷.

۴. الرحمن/۸ (أَنْ لَا تَطْفُوْا فِی الْمِیْزَانِ).

بحران زیست محیطی فعلی نتیجه تفکر انسان پیرو پوزیتیویسم^۱ و پراگماتیسم^۲ است که همه چیز را با عینک علوم تجربی می‌بیند، وجدان را بر اساس تجربه، روح را زیر کارد جراحی و شعاع‌های وحی را با تلسکوپ می‌کاود و سرانجام، همه ارزش‌های انسانی و اخلاقی را کنار می‌گذارد.^۳

در این پژوهش دیدگاه ادیان الهی، خصوصاً نظر اسلام در نحوه حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته و با روش مراجعه به منابع مربوطه و تحلیل محتوای متون، فرضیه تأثیر مثبت دیدگاه دینی در عدم تخریب گونه‌های حیاتی اثبات شده است. در مفهوم شناسی، تعریف مفاهیم اصلی و مرتبط با موضوع بیان شد. در کلیات، ضرورت طرح اخلاق زیست محیطی، رابطه محیط زیست با حقوق بشر و بحران‌ها و مسائل زیست محیطی بررسی گردید.

در تاریخچه بحث، به سیر تحولات روابط انسان با طبیعت و نحوه تعامل آدمی با محیط از دیدگاه ادیان کهن، از جمله اقوام بدوی جزیره‌العرب، مصریان قدیم، بین‌النهرین، غرب قدیم، پیروان آیین هندو و زرتشت در ایران باستان پرداخته شد. هم‌چنین دیدگاه مسیحیت، یهود و اسلام با هم مقایسه و به سیر تاریخی وضع قوانین زیست محیطی در ایران و غرب اشاره شده و این نتیجه حاصل شده که اهتمام به اخلاق زیست محیطی دغدغه همه ادیان بوده است.

در فصل چهارم، با تکیه بر تفاسیر، دیدگاه قرآن در اخلاق زیست محیطی شامل، اهداف قرآن از طرح پدیده‌های طبیعی، حفاظت و حراست از مواهب طبیعی، استفاده

1. Positivism
2. Pragmatism

۳. شاه ولی، منصور، مجموعه مقالات اسلام و محیط زیست، ص ۱۱۲.

بهینه از آن‌ها و حق بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی، ممنوعیت ظلم و اتلاف منابع، عدالت زیست‌محیطی و اصل امر به معروف و نهی از منکر در اخلاق زیست محیطی منعکس شده است.

در محیط زیست انسانی، گیاهی و جانوری در هر یک از فصول مربوطه، دیدگاه اسلامی با تکیه بر آیات و احادیث بیان شده است. در این فصول اوامر و نواهی دینی در محیط زندگی فردی، اجتماعی و شهری، عدم اسراف و تبذیر در مورد آب، تأکید بر درختکاری و نهی از قطع درختان و اصول اخلاقی در مورد رفتار صحیح با حیوانات مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل آخر اخلاق زیست محیطی در دولت مهدوی مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس آن موجودات به نهایت تحقق استعدادهای بالقوه خویش خواهند رسید و تخریب محیط نتیجه قیام امام مهدی (عج) نیست، بلکه در اثر منازعات انسانی گریبانگر بشر خواهد شد.

از معاونت محترم و شورای پژوهشی دانشگاه سمنان و دانشکده علوم انسانی، به ویژه آقای دکتر خیاطیان که با راهنمایی‌هایشان ایفای نقش نمودند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

فصل اول

مفهوم شناسی

(تعاریف)

۱- اخلاق

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق می‌باشد. خُلُق، سرشتی است که با امور باطنی و هیأت نفسانی انسان مرتبط است و با اندکی بصیرت فهمیده می‌شود. واژه خُلُق در قرآن برای پیامبر(ص) بکار رفته است.^۱ در مقابل، خُلُق به کیفیاتی اطلاق می‌شود که به وسیله چشم دیده می‌شود و مربوط به امور ظاهری و شکل و هیأت محسوس است.^۲

واژه اخلاق همانند واژه «Moral» و «Ethics» دو کاربرد متمایز دارد؛ گاهی اخلاق به معنای خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می‌رود؛ همان‌طور که دو واژه انگلیسی فوق به معنای عادت و سنجیه^۳ به کار می‌رود. معنای دوم این واژه دانشی است که از حُسن و قبح و خوبی و بدی رفتار بحث می‌کند.^۴ این معنا به «علم اخلاق» اشاره دارد که نراقی در تعریف آن می‌گوید:

«دانش صفات مُهلکه و مُنجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلّق گردیدن به صفات نجات‌بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده می‌باشد».^۵

۲- علم اخلاق

علم اخلاق از صفات فاضله و رذیله که از طریق کارهای اختیاری و ارادی در انسان قابل کسب هستند، بحث می‌کند و چنین صفاتی موضوع علم اخلاق می‌باشند.^۶ این

۱. اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم / ۴).

۲. سید محمدرضا مدرسی، فلسفه اخلاق، ص ۲۹.

3. Custom

۴. زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۳۳۷.

۵. نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۴.

۶. مصباح مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۱۶؛ مجتبی مصباح، بنیاد اخلاق، ص ۱۸.

علم درباره رفتارهای نیک و بد و صفات شایسته و ناشایست و کارهایی که انجام و ترک آنها لازم است سخن می‌گوید.

به طور خلاصه، می‌توان گفت علم اخلاق همان دانشی است که از ارزش صفات و رفتارهای اختیاری انسان و لازم بودن آنها برای انسان سخن می‌گوید.

۳- فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق دانشی است که از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می‌کند. یعنی هم تصورات و مفاهیمی را که در علم اخلاق و قضایای آن به کار می‌روند را تبیین می‌کند و هم مسائلی را که پرداختن به تصدیقات و جملات اخلاقی متوقف به بررسی و حل آنها می‌باشد، مورد بحث قرار می‌دهد.^۱ فلسفه اخلاق به عنوان مجموع مطالعاتی درباره اصول و مبانی رفتار انسان است که عمده‌ترین مباحث فلسفه غرب و اسلامی را شکل می‌دهد. پرسش اخلاقی و این‌که رفتار انسان باید بر چه اساسی متکی باشد، در آراء همه فلاسفه، یکی از موضوع‌های اصلی تحقیق فلسفی بوده است.

غایت مطالعات اخلاقی، ارائه تعریفی تا حد امکان دقیق و درست از اصول و قواعد اخلاقی است؛ به این صورت که رفتار انسان چگونه باید باشد تا هر فردی به عنوان عضوی از جامعه بشری بهتر بتواند به حقوق حقه خود دست یابد. علمای اخلاق دستیابی به این حقوق را سعادت می‌نامند که عبارت است از برخورداری از یک زندگی پر آرامش.

۱. مصباح مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۱۸.

اما دستیابی به این حقوق مستلزم آراستگی به فضایل اخلاقی است. تا فضیلت درست شناسایی نشود، نمی توان سعادت را بر اساس آن تعریف کرد. اما تعریف فضیلت در طول تاریخ فلسفه اخلاق مناسب با درک علمای اخلاق از انسان و ارتباط او با جهان هستی بوده است.

شاید بتوان گفت که فلسفه اخلاق رشته‌ای علمی، فلسفی و نوپاست که در آثار گوناگون اهل فن، تعاریف متفاوتی برای آن عرضه گردیده است. در بین آثاری که نام فلسفه اخلاق، بر آن نهاده شده است، می توان سه نوع مساله متفاوت را یافت:^۱

الف- گاهی این آثار بیانگر دیدگاهی خاص در زمینه مسائل اخلاقی است؛ مثلاً مسائل اخلاقی را از دیدگاه اسلام و یا مسیحیت بررسی می کند. در این حال، گزاره‌هایی چون «عدالت خواهی خوب است»، «دروغگویی بد است»، «کمک به مستمندان وظیفه ماست» و «سقط جنین ناصواب است» بیانگر این توصیف است. در عین حال، ممکن است از سوی بعضی از دیدگاه‌های فرهنگ غرب، نظری متناقض با این گزاره‌ها ابراز گردد. هر گزاره اخلاقی را، که درصدد توصیف اخلاقی یک فعل انسانی، از نظر یک شخص خاص، یک قوم خاص و یا به طور کلی، از یک دیدگاه خاص است، اخلاق توصیفی می نامند که برای اثبات گزاره‌های این قسم از روش نقلی استفاده می شود.

ب- اخلاق دستوری یا اخلاق هنجاری، نیز از مباحثی است که در فلسفه اخلاق مورد بحث قرار می گیرد. در این بخش، به نفس مسائل اخلاقی، قطع نظر از آراء و

۱. مارکوس، جی سینگر، نگرشی کلی به فلسفه اخلاق؛ مسائل، دیدگاه‌ها و رشته‌ها، مترجم: حمید شهریاری، مجله معرفت، شماره ۱۵، ص ۱.

انظار یک قوم یا یک مذهب یا یک رأی خاص، توجه می‌شود. اخلاق دستوری در اثبات گزاره‌های خود روشی استدلالی و عقلی در مقابل نقلی دارد.

ج- فرا اخلاق، نیز سومین نوع است که گاهی به آن اخلاق نظری، اخلاق فلسفی، یا منطق اخلاق و گاهی نیز فلسفه اخلاق اطلاق می‌شود. در این بخش، از معنی و مفاد گزاره‌های اخلاقی و اجزای آن بحث می‌شود؛ مثلاً خوب، بد، صواب، خطا، وظیفه، باید و نباید. گاهی نیز عدل و ظلم را از واژه‌های اخلاقی محسوب می‌دارند. بررسی مفاد حقیقی این الفاظ بر عهده فرا اخلاق است؛ اما باید توجه داشت که همه نویسندگان از این تقسیم پیروی نکرده و حتی گاهی نیز آن را غلط دانسته‌اند.^۱

اکنون زمینه‌های جدیدی در اخلاق، هم چون اخلاق زیستی، اخلاق مهندسی، اخلاق محیطی، که به موضوعاتی که قبلاً مورد تأمل واقع نشده‌اند و مشکلاتی که مورد علاقه همگان است، به سرعت بسط می‌یابد.

سقط جنین و قتل نجات‌بخش، مثال‌های متداولی از مشکلات اخلاقی در علم پزشکی است که در جوامع توسعه یافته، به مشکلی اخلاقی تبدیل شده‌اند. بخش دیگری از مباحث جدال‌انگیز به منافع آزمایش‌ها بر روی انسان و نیز حیوان و حد مجاز آن مربوط است. مباحثات جاری، نمونه‌ای از تأثیر متقابل بین نظریه و عمل در این مورد، در فلسفه اخلاق است که همواره برای هر دو بسیار ثمربخش بوده است.

۱. مارکوس جی سینگر، پیشین.

۴- اخلاق کاربردی

مضامین اخلاقی در دو اخلاق کاربردی و اخلاق نظری می‌آیند. اخلاق کاربردی یکی از زیر شاخه‌ها یا پیوست‌های رشته فلسفه اخلاق است که به مباحثی می‌پردازد که به ارزش‌های عملی رفتار انسان‌ها در حوزه‌هایی خاص مربوط می‌شود. موضوعاتی که امروزه در ذیل اخلاق کاربردی بحث می‌شود عبارتند از: اخلاق پزشکی، اخلاق زیست محیطی، اخلاق روزنامه نگاری، اخلاق تجارت، البته گاهی در اخلاق کاربردی از ارزش‌گذاری نوع خاصی از افعال انسانی مانند سقط جنین و آسان مرگی نیز بحث می‌شود.

۵- محیط زیست

بعضی از نویسندگان، از این‌که بتوان تعریفی جامع و حقوقی از «محیط زیست»^۱ ارائه داد، اظهار تردید کرده‌اند.^۲ زیرا حقوق داخلی ایران و بسیاری از کشورها در خصوص تعریف محیط زیست ساکت است و بیشتر محیط زیست را در رابطه با عناصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر به کار برده‌اند. به همین جهت، مفهوم محیط زیست از نظر کشورها با توجه به اهمیتی که هر کشور به یکی از عناصر زیست محیطی می‌دهد؛ ممکن است متفاوت باشد. برای این‌که بتوانیم تعریف جامعی از محیط زیست ارائه دهیم، به ناچار باید برخی از مفاهیمی را که شناخت محیط زیست، متوقف بر آشنایی با آن‌هاست، تعریف کنیم و در انتها تعریف مورد نظر از محیط زیست را ارائه نماییم.

1. Environment

۲. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، حقوق کیفری محیط زیست، ص ۱۴.

الف) طبیعت

اگر بخواهیم از واژه‌هایی با مفهوم مبهم نام ببریم، یکی از این واژه‌ها کلمه‌ی «طبیعت» خواهد بود؛ زیرا به تمام موجوداتی که پروردگار در این جهان بی‌انتهای آفریده است، طبیعت گفته می‌شود. به عبارت دیگر، هر چیزی که دست بشر در ایجاد آن دخالت نداشته باشد، طبیعت نام دارد. البته در این تحقیق مقصود از طبیعت، همه‌ی موجودات محسوس عالم مادی است.

ب) اکولوژی

«اکولوژی»^۱ یا بوم‌شناسی، دانشی است که به مطالعه‌ی روابط جانداران با محیطی که در آن زندگی می‌کنند، می‌پردازد. با توجه به محتوای نه چندان روشن محیط زیست، افکار عمومی، بین اکولوژی و محیط زیست تفاوت چندانی قائل نیست.^۲

ج) اکوسیستم

«اکوسیستم»^۳ عبارت است از هر ناحیه‌ای از طبیعت که در آن، بین موجودات زنده و اجسام غیر زنده واکنش‌های متقابل انجام می‌گیرد، تا تبادل مواد بین آن‌ها به عمل آید؛ مثلاً یک دریاچه یا یک جنگل، یک اکوسیستم است و شامل چهار عامل تشکیل‌دهنده، یعنی اجسام غیرزنده، تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و تجزیه‌کنندگان می‌باشد.

از این رو محیط زیست را می‌توان یک اکوسیستم دانست که از تعداد بی‌شماری اکوسیستم‌های کوچک‌تر تشکیل شده و بشر برای زندگی و ادامه‌ی آن به تمام

1. Ecology

۲. همان نویسنده، حقوق محیط زیست در ایران، ص ۱۰.

3. Ecosystem

اکوسیستم‌ها وابسته است.^۱ اکوسیستم انواعی دارد؛ مانند اکوسیستم خشکی و اکوسیستم دریایی. اینها نیز خود انواعی دارند^۲ که جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود.

(د) کره‌ی زمین

کره‌ی زمین را بر مبنای معیارهای زیست محیطی به بخش‌های زیر تقسیم می‌کنند:

۱. لیتوسفر؛^۳ کره‌ی سنگی، که شامل صخره‌های جامد و قسمت مذاب داخلی است.^۴

۲. پدوسفر؛^۵ کره‌ی خاکی، که در اثر فرسایش لیتوسفر و بقایای جانداران و پس مانده‌های مواد آلی تشکیل شده و لایه نازک فوقانی آن برای کشاورزی به کار گرفته می‌شود.^۶

۳. هیدروسفر؛^۷ کره‌ی آبی مشتمل بر سه چهارم آب شور و شیرین است که سطح کره‌ی زمین را فرا گرفته است.^۸

۱. جنیدی، محمدجواد، صنایع معدنی و آلودگی محیط، ص ۱۴۴.

۲. درباره‌ی انواع اکوسیستم نگاه کنید: کمیسیون ملی یونسکو، آموزش بین‌المللی محیط زیست، ترجمه فیروزه، برومند ص ۲۴.

3. Lithosphere

۴. نوری، جعفر، فرهنگ جامع محیط زیست، ص ۱۵۳.

5. Pedosphere

۶. همان.

7. Hydrosphere

۸. همان و شایان، سیاوش، فرهنگ اصطلاحات جغرافیای طبیعی، ص ۱۸۰.

۴. اتمسفر؛^۱ کره‌ی هوا،^۲ که منطقه‌ی گازی جوّ زمین را تشکیل می‌دهد.^۳ خود اتمسفر یا جوّ زمین هم از چند لایه تشکیل شده است. با توجه به آنچه ذکر شد، اکنون به تعریف محیط زیست می‌پردازیم. یکی از نویسندگان می‌گوید:

«محیط زیست عبارت است از: هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده (شامل کوچه، خیابان، ساختمان و کارخانه) و غیره».^۴

«قسمتی از جوّ یا پوسته‌ی زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد، محیط زیست نامیده می‌شود. بنابراین محیط زیست، قسمت کوچکی از جوّ (اتم‌سفر)، هیدروسفر و لیتوسفر را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر، محیط زیست قشر نازکی از هوا، زمین و آب است که همه زندگی را در بر دارد».^۵

الکساندر کیس^۶ معتقد است: اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه‌ی محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده، اطلاق کرد. اصطلاح بیوسفر یا لایه‌ی حیاتی که یونسکو آن را به کار می‌برد، با یکی از وسیع‌ترین تعریف‌هایی مطابقت دارد که عبارت است از: محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان

1. Atmosphere

۲. هوا (Air) مخلوطی از گازها (عمدتاً اکسیژن و نیتروژن) است که قابل رؤیت نیستند، ولی اطراف ما را احاطه کرده‌اند و با آن تنفس می‌کنیم. نوری، جعفر، فرهنگ جامع محیط زیست ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۵۳ و شایان، سیاوش، پیشین، ص ۲۲.

۴. بنان، غلامعلی، محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن، ص ۵.

۵. جنیدی، محمدجواد، صنایع معدنی و آلودگی محیط، ص ۱۴۳.

6. Alsander kiss

که بنا به دانشی کنونی بشر، همهی حیات در آن جریان دارد، یعنی زمین و هزاران متر بالا و عمق زمین و اقیانوس‌ها.^۱

اگر بخواهیم یک جمع‌بندی از تعریف‌های فوق داشته باشیم. باید بگوییم: «محیط زیست، به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد».^۲

بنابر تعاریف فرهنگ‌های فارسی و عربی، محیط زیست از دو کلمه ترکیب شده است: یکی «محیط» که واژه‌ای عربی است و دیگری «زیست» که واژه‌ای فارسی است. «محیط» به معنای مکان و اوضاع و احوال آمده است و آنچه شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول می‌باشد. در واقع «محیط» فراگیرنده و جای زندگی آدمی است.^۳ واژه «زیست» به معنای حیات، زندگی و زیستن آمده است.^۴

«محیط زیست» به معنای جدید یک اصطلاح نو و تازه‌ای است که سابقه کاربرد آن در فرانسه به قرن دوازدهم میلادی برمی‌گردد که از سال ۱۹۶۰ کاربرد بیشتری پیدا کرده و در زبان‌های مختلف کلمات جدیدی برای آن بکار گرفته شده است؛ مثل «Umwelt» در زبان آلمانی و «بیئه» در زبان عربی. واژه «بیئه» اسم و مشتق از فعلی ثلاثی «باء» می‌باشد. فعل «باء» معانی زیادی دارد که مشهورترین آن‌ها عبارتست از:

۱. کیس، الکساندر، «مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل محیط زیست»، ترجمه‌ی حبیبی، محمدحسن، ج ۱. ص ۵.

۲. قوام، میرعظیم، حمایت کیفری از محیط زیست، ص ۳.

۳. معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۷۱۷.

۴. همان، ص ۱۱۳.

«نزول و اقامت گزیدن در مکان یا منزلی و بیته به معنای عام، جایگاهی است که بشر برای سکونت و زندگی بر می‌گزیند»^۱.

۶- انواع محیط زیست

با توجه به سیمای متنوع سطح کره خاکی و نیز طیف وسیع مسائل زیست محیطی، باید سعی شود، تا تعاریفی کاربردی برای محیط زیست ارائه شوند. بدین منظور، آن چه را که ما را احاطه کرده، بر ما تأثیر می‌گذارد و از ما تأثیر می‌پذیرد، می‌توان بر سه بخش کلی تقسیم نمود:

الف) محیط طبیعی؛ ب) محیط اجتماعی؛ ج) محیط مصنوعی

الف- محیط طبیعی

محیط طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌شود که، ساخته دست انسان نباشد. این بخش از محیط زیست، هر چند به صور گوناگون مورد دستکاری انسان قرار گرفته، ولی ماهیت اصلی خود را هم چنان حفظ نموده است؛ کوه‌ها، دریاها، دشت‌ها، جنگل‌ها و مراتع طبیعی جملگی در زمره محیط طبیعی به حساب می‌آیند.

در جهان امروز، طبیعت بکر و دست‌نخورده به ندرت یافت می‌شود؛ به خصوص در کشور ما، که کشوری در حال صنعتی شدن است، هر روز فضاهاى طبیعى وسیعى زیر پوشش فضاهاى مسكونى، تجارى، صنعتى، خدماتى مدفون مى‌شود. بخشى دیگر

۱. لفظ البيئة اسم مشتق من الفعل الثلاثى «باء» و قد استخدم هذا الفعل فى اكثر من معنى أشهرها، النزول و الاقامة مكان او منزل أى يقال بوأى الرجل منزلاً أى مكنت له أو تبوأ فلان بيتاً أى اتخذ منزلاً، «وَبَوَّأَكُمْ فى الارض» (اعراف / ۷۴)، فالبيئة بمعناها الواسع تعنى الموضوع الذى يرجع اليه الانسان فيتخذ منه منزله و عيشه أو المكان الذى تتوافر فيه العوامل المناسبة لمعيشة كائن حى أو مجموعة كائنات حية خاصة.
(البيئة و جذور الترتيب البيئية، عزه عمر الرباط، ص ۱۴ - ۱۳).

از محیط طبیعی نیز در نتیجه استفاده‌های بی‌رویه و غیر اصولی از جنگل‌ها، مراتع، اراضی زراعی و بهره‌برداری از معادن تخریب شده، ارزش حیاتی خود را از دست می‌دهد.

ب- محیط اجتماعی

کلیه کسانی که با آنان به نحوی در تماس هستیم، از خانواده گرفته تا همسایگان، فروشنده سرگذر، همکاران اداری، راننده تاکسی و خلاصه کسانی که بر ما تأثیر می‌گذارند و ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تشکیل‌دهنده محیط اجتماعی ما می‌باشند. در این رابطه نه تنها افراد، بلکه کلیه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی نیز، بخشی از محیط اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند. گفته می‌شود که در کشورهای جهان سوم - از جمله ایران - مسائل زیست محیطی بیش از آن که جنبه فنی داشته باشند، از محتوایی اجتماعی - فرهنگی برخوردارند. قبول بی‌چون و چرای روش‌های معماری - شهرسازی، رشد صنعتی، تجارت و بالاخره الگوهای مصرفی کشورهای از نظر تکنولوژیک پیشرفته، تشکیل‌دهنده بنیادی‌ترین مسائل زیست محیطی ما می‌باشند و این همه تا بدان حد در فرهنگ ما رسوخ کرده که به تدریج، این اعمال را محصول تفکرات خود می‌پنداریم.^۱

بنابراین، هدف نهایی حفاظت محیط زیست در رابطه با محیط اجتماعی، توسعه و افزایش آگاهی‌های زیست محیطی در سطح جامعه و نیز تقویت دانش زیست محیطی در سطوح مختلف اجرایی می‌باشد. هرگاه جامعه به قدرت، استعدادها و توانایی‌های

۱. فرمانرواییان، فاطمه، توسعه اقتصادی و مسائل زیست محیطی، ترجمه احمد کریمی، صص ۲۴-۱۱ و صص

واقعی خود پی برد و این توانایی‌ها را با آگاهی زیست محیطی در جهت استفاده از منابع انسانی و طبیعی خود به کار گیرد، می‌توان انتظار جامعه و سرزمینی مستقل، متکی به خود و سرافرازی را داشت.

ج- محیط مصنوعی

محیط مصنوعی عبارت است از آنچه که به دست بشر ساخته و پرداخته شده است. این بخش از محیط زیست را می‌توان محیط زائیده تفکر و تمدن نیز نامید. زیرا هر نوع دستکاری بشر در طبیعت چه به صورت تخریب و یا سازندگی، و چه به صورت اراضی زراعی و یا مجتمع‌های صنعتی، زاده تفکر انسان است. تفکری که خود در یک نظام فرهنگی خاص شکل گرفته و ریشه در فرهنگ، فلسفه و تمدن چند هزار ساله یک جامعه یا محیط اجتماعی یک سرزمین دارد. پس آن چه که بشر می‌سازد، تجلی عینی - مادی تفکرات اوست. بر مبنای تعریف فوق شهرها، روستاها، بنادر، فرودگاه‌ها، جاده‌ها و غیره، جملگی در زمره محیط مصنوعی یا انسان ساخت به شمار می‌آیند.

بر پایه همین روش، به عنوان مثال می‌توان از طریق آراستگی و یا پاکیزگی محیط مصنوعی به فرهنگ زیست محیطی شهرنشینان پی برد. پس بنا بر آن چه گفته شد، موضوع‌های مورد توجه اخلاق محیط زیست عبارتند از: جهان طبیعت، آن چه در طبیعت در خور ارزش است، این که پذیرفتن ارزش برای طبیعت بایستی رفتار انسان را تنظیم کند.

بنابراین وظیفه اخلاق محیط زیست، تا آنجا که به این ترتیب معلوم شد، ارائه اصولی است که بر باید روابط انسان با طبیعت حاکم باشد؛ یعنی مسئولیت‌های انسان برای ممانعت از آسیب و حفاظت در مقابل آسیب.^۱

۷- بخش‌های محیط زیست

حال می‌توان فهرستی از مسائل زیست‌محیطی مربوط به بخش‌های مذکور را ارائه کرد:

- الف- بخش انسانی: که شامل آیندگان، کودکان، کهن سالان، دیوانگان، معلولین - که فقط زندگی نباتی دارند - جنین انسان و غیر آن می‌باشد.
- ب- بخش جانوری: که شامل جانوران باشعور و جانداران فاقد شعور می‌باشد.
- ج- بخش غیرجانوری: که شامل گیاهان از همه نوع، کاردستی‌ها از جمله آثار هنری، اشیاء غیر زنده که دارای ساختار هستند، مثل رودخانه، سنگ می‌شود.
- د- هر گروهی که آمیخته از همه نوع هستند؛ مثل خانواده، اکوسیستم‌ها، چشم‌اندازها، دهکده، محل پرورش حیوانات، شهرها.
- ه- موضوعات متفرقه شامل خود، خدا و جهان هم می‌شود.^۲

۸- تبیین اخلاق زیست محیطی

اخلاق زیست محیطی، بخش جدیدی در مباحث اخلاق فلسفی است، و از موضوعات اخلاق کاربردی محسوب می‌شود که درباره اصول اخلاقی مسئولیت‌های

1. M. Midgley, (1983), Duties concerning Island, in R.M. ELLiot (ed.) , Environmental Ethics, oxford University press, (1995), pp:90-120.

2. Ibid

زیست محیطی مطالعه می‌کند. هدف اخلاق زیست محیطی این نیست که ما را متقاعد کند که باید نگران محیط زیست باشیم، بلکه محیط زیست بر بنیان اخلاقی مسئولیت نسبت به محیط زیست تأکید می‌کند و این که محدوده این مسئولیت‌ها تا کجا گسترش می‌یابد.

اخلاق به طور سنتی، بر انسان به عنوان تأثیرگذار و تأثیرپذیر هر عمل متمرکز بوده است. بسیاری از گزارش‌ها نمایانگر تحولات اخیر در این زمینه بوده و حاکی است از بسط و گسترش این توجه در طی مراحل؛ ابتدا به حیوانات غیر انسان، سپس به موجودات زنده در کل و بعد به مجموعه‌هایی نظیر جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم‌ها، دریاچه‌ها، جویبارها و کوه‌ها؛ بنابراین اخلاق زیست محیطی از آن‌جا شروع می‌شود که اخلاق مرتبط با حیوانات پایان می‌گیرد؛ اما این خود تا حدودی اختیاری است.

مگر حیوانات بخشی از محیط زیست انسان نیستند؟ آیا درست‌تر آن نیست که بگوییم اخلاق زیست محیطی، شامل اخلاق توجه به حیوانات نیز می‌شود؟ با پذیرش این موضوع به این نکته برمی‌خوریم که سایر انسان‌ها نیز بخشی از محیط زیست فرد محسوب می‌شوند. آیا این بدان معنی است که اخلاق زیست محیطی، اخلاق توجه به انسان را نیز شامل می‌شود؟ اگر چنین باشد، اخلاق محیط زیست را می‌توان از اخلاق به مفهوم متداولش تمیز داد. اما به لحاظ عملی شناسایی شاخه‌هایی از اخلاق که، به درستی و نادرستی برخورد ما با عالم غیر انسان پردازد، مناسب‌تر است.¹

1. Environmental Ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, Version 1,0

اخلاق زیست محیطی در روابط اخلاقی، موجودات انسانی را با موجودات زیستی غیر انسانی از لحاظ شئون ارزشی و اخلاقی، پیوند داده است. این نظریه‌های اخلاقی در جواب به مسائلی هم‌چون این مسئله که، «چگونه باید زندگی کنیم؟» مطرح شده‌اند. اخلاق زیست محیطی به طبیعت پیرامون اشاره می‌کند و به آن مسائل جواب می‌دهد؛ مثل از بین بردن حیوانات وحشی و مواردی از این قبیل که برای محافظت از اکوسیستم‌های کامل، ضروری‌اند. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا افعال الزام اخلاقی دارند؟ آیا اخلاقاً قابل قبول می‌باشد که کشاورزان کشورهای غیر صنعتی با روش‌های سوزاندن و بریدن، نواحی زراعی را برای کشاورزی آماده کنند؟ یا هم‌چنین قابل توجیه است که شرکت‌های استخراج معدن در حین کار، بعضی از انواع طبیعی را تباہ کنند، آیا این شرکت‌ها برای بازسازی زمین الزام اخلاقی دارند یا نه؟ اصلاً بر اساس تمایل اخلاقی، نادرست است که موجودات انسانی اجزاء محیط زیست طبیعی را تباہ و آلوده کنند.

سؤالی که در این جا مطرح است این است که اساساً چرا محیط زیست باید متحمل این چنین مشکلاتی شود؟ و آیا این مشکلات فقط به خاطر وجود موجوداتی چون انسان است؟ و یا به خاطر این است که محیط زیست طبیعی دارای ارزش ذاتی است؟ در اخلاق زیست محیطی گاهی مسائل جزئی بررسی می‌شوند و گاهی مسائلی وسیع، در حدی که کاربرد جهانی دارند. باید خاطر نشان کرد که مورد مهم دیگر این است که اجزاء زیست محیطی و غیر انسانی دارای ارزشند.^۱

در ادبیات زیست محیطی، اهمیت قابل توجهی به تمایز بین ارزش مجازی و ارزش ذاتی داده شده است. قبلاً ارزش اشیاء به این بود که وسیله‌ای برای رسیدن اشیاء دیگر به اهدافشان باشند. در حالی که بعداً صرف نظر از این دیدگاه، ارزش اشیاء به این است که خودشان هدف باشند، نه این که ابزاری برای رسیدن دیگران به اهدافشان باشند.

از باب مثال، افراد میوه‌هایی را که ارزش خوردن دارند، نگه می‌دارند؛ یعنی این میوه‌ها در خود ارزشی ذاتی دارند. یا هنگامی که گفته می‌شود که یک شخص به عنوان یک فرد خودش حائز ارزش است، یعنی این ارزش در خود شخص است، مستقل از انتظار خدمت کردن برای اهداف دیگران.

مثال دیگر، ممکن است یک گیاه وحشی ارزش ذاتی داشته باشد؛ چون که در ساخت بعضی از داروها موثر است یا موضوعی زیبا برای هر فرد مشاهده‌گر می‌باشد. لیکن این گیاه ارزشی در خود، مستقل از استفاده‌های بعدی برای اهداف دیگران مثل سلامتی شخص یا ارزش زیباشناختی در لذت‌بخشی دارد؛ پس نتیجه می‌شود که این گیاه ذاتاً ارزشمند است؛ چون که هدفی در خود دارد. پس در این‌جا همان‌طور که اشاره شد، اصول اخلاقی در منع یا حفظ آن‌ها ارزشی مستقیم دارند. به هر حال، باید خاطر نشان کرد که بسیاری از موارد سنتی اخلاقی غربی، انسان محور است که هر یک از آن‌ها ارزش ذاتی را برای موجودات انسان صرف، طرح می‌کنند. (انسان‌گرایی مطلق).^۱

فصل دوم

کلیات

۱- رابطه محیط زیست و حقوق بشر

طبیعت رو به پیشرفت مسائل بین‌المللی، اقتضا می‌کند که حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل‌های آینده، مورد توجه جدی همگان قرار گیرد؛ اما این که این امر چگونه تحقق می‌یابد، سوالی است که باید به آن پاسخ داده شود.

برای یافتن پاسخ این سوال اقدامات متعددی صورت گرفته و نظریات گوناگونی نیز بیان شده است، تا بشر همچنان بتواند از محیط زیست سالم خود بهره‌مند باشد. یکی از اموری که پیشنهاد شده و می‌تواند در حفظ محیط زیست مؤثر باشد، ایجاد رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر است؛ زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می‌تواند وسیله‌ای جهت رسیدن به حفاظت از محیط زیست باشد. حقوقی مثل حق حیات، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، برابری و ... شامل ابزارهای قانونی بین‌المللی هستند که حفاظت بیشتر از محیط زیست را می‌طلبد.

به همین جهت، برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست گریبان‌گیر بشر می‌شود، حق جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر «حق بر محیط زیست»^۱ یا «حق برخورداری از محیط زیست شایسته، سالم و امن»^۲ شناسایی شود.^۳

این حق، ضمن این که، داشتن محیط زیستی امن و سالم را برای همگان تضمین می‌کند، وظیفه خودداری از فعالیت‌هایی را که به محیط زیست صدمه می‌زند، بر افراد، سازمان‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها الزام می‌نماید.

1. Right to Environment

2. Right to Decent, Healthful and safe Environment

۳. ر.ک.: پارسا، علیرضا، محیط زیست و حقوق بشر، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۶-۱۳۵، ص ۱۳۰.

حق برخورداری از محیط زیست سالم، در دورن خود متضمن چند حق دیگر است که عبارتند از: حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، حق آموزش مسائل زیست محیطی، حق تصمیم‌گیری در مورد مسائل زیست محیطی و حق دادرسی و جبران خسارت زیست محیطی.

حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، از یک طرف به حق افراد در کسب اطلاعات زیست محیطی بدون هیچ محدودیتی اشاره دارد و از طرف دیگر اشاره به تکالیف دولت‌ها در واگذاری این اطلاعات به افراد جامعه دارد. نکته مهم آن است که دسترسی به اطلاعات زیست محیطی شرط لازم برای تحقق حق افراد، برای مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی است؛ زیرا آگاهی یافتن از آثار و پیامدهای عواملی که بر محیط زیست تأثیر گذارند، وابسته به دسترسی افراد به اطلاعات زیست محیطی است. پس از این مرحله است که افراد با آگاهی کامل می‌توانند در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشند.

حق دیگری که در چارچوب حق برخورداری از محیط زیست سالم باید از آن سخن گفت، حق آموزش مسائل زیست محیطی است. این وظیفه دولت‌ها است که نسبت به آموزش مسائل محیط زیست به افراد جامعه اقدام کنند. این عمل می‌تواند از طریق مدارس، کتاب‌های آموزشی و رسانه‌های عمومی انجام پذیرد.

حق دسترسی به جبران خسارت، یکی دیگر از اقسام حق برخورداری از محیط زیست سالم است. بر این اساس هر شهروندی باید، حق دسترسی به مراجع قضایی و جبران خسارات زیست محیطی را داشته باشد.^۱

امروزه حق برخورداری از محیط زیست سالم به وسیله بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و در تعدادی از اسناد بین‌المللی^۲ و قوانین اساسی کشورها^۳ مورد شناسایی قرار گرفته است.

البته درباره این حق، تعریف دقیقی ارائه نشده است؛ اما شاید بتوان منظور از محیط زیست سالم را، محیطی دانست که دارای حداقل‌های یک زندگی سالم باشد.

۲- ضرورت اخلاق زیست محیطی

نتایج پژوهش‌های دانشگاهی درباره محیط زیست نیز نشان داده است که هر چه تاکنون با نام پایداری محیط زیست انجام گرفته با مد نظر قرار دادن عمل‌گرایی که صرفاً بر حفظ منابع از طریق برگزاری نشست‌ها، صدور اعلامیه‌ها، انجام فعالیت‌ها،

۱. ر.ک: گودرز افتخار جهرمی، حق محیط زیست، باتأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، ۱۳۸۲، صص ۴-۱.

۲. به عنوان نمونه می‌توان از: اعلامیه استکهلم، پیش از طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، منشور آفریقایی حقوق بشر و پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نام برد.

۳. قوانین اساسی بیش از ۶۰ کشور جهان، که اخیراً تصویب یا اصلاح شده، این حق را به رسمیت شناخته‌اند. برای نمونه، اصل ۵۰ قانون اساسی اوکراین مصوب ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶ بیان می‌کند که: «هر فرد حق دارد که از محیط زیستی امن و سالم و جبران خسارات ناشی از نقص این حق برخوردار باشد». به نقل از: دیناه شلتون، تشریفات و آیین دادرسی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۹.

تدوین قوانین، اعمال سیاست‌ها و توصیه‌های فنی تأکید دارد، تا به حال نتوانسته است تضمینی بر حفظ منابع ارائه دهد.^۱

واقعیت این است که ریشه اصلی بحران‌های زیست محیطی در زمان معاصر را باید در نگاه و تفسیر بشر از محیط زیست طبیعی، جستجو کرد. به بیان دیگر، مشکل اصلی در معرفت‌شناسی و جهان بینی آدمی است.^۲ از این رو، دیدگاه جدید در پایداری باید علاوه بر عوامل فنی، متوجه انسان باشد که خواه ناخواه، وجهی فلسفی و دینی را نیز دربرمی‌گیرد.^۳ در واقع برای رفع بحران‌های زیست، از دیدگاه‌های فلسفی، دینی و به‌ویژه اخلاقی، کمتر سخنی به میان می‌آید. در حالی که بدون آموزش صحیح مباحث معنوی و اعتقادی، در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آن‌ها، هر چه از تباه شدن محیط زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، راه به جایی نخواهیم برد.^۴

به همین دلیل، ارائه آموزش‌های اخلاق زیست محیطی، توسط نهادهای آموزشی ضروری است. این واقعیت موجب می‌شود تا این نهادها به منظور اثر بخش کردن آموزش‌های زیست محیطی، نیازمند شناخت عواملی باشند که بر تغییر داوطلبانه رفتار، تأثیر گذارند. اهمیت این موضوع تا حدی است که یکی از زمینه‌های اساسی پژوهش‌ها، پژوهش پیرامون تعیین‌کننده‌های رفتار در زمینه‌های مختلف، از جمله رفتارهای سازگار با محیط زیست طبیعی است. به همین دلیل، اساساً برنامه‌های تغییر رفتار سعی دارند تا آنچه را که برای ما ارزشمند و یا بی‌ارزش است، دچار تغییر

۱. شاه ولی، منصور، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، ص ۶۸.

۲. محقق داماد، الهیات محیط زیست، ص ۳۰-۷.

۳. شاه ولی، پیشین، ص ۶۵.

۴. جان بنسون، اخلاق محیط زیست، ترجمه وهاب زاده، ص ۱۵۵.

سازند.^۱ برای مثال، در نظریه تنظیم رفتار فیشین^۲، نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی، از عوامل تعیین کننده رفتار انسان هستند و به همین دلیل و با توجه به هدف اصلی نهادهای آموزشی در ایجاد تغییر داوطلبانه در رفتار، تغییر عواطف، نگرش‌ها و ارزش‌های فرد را در راستای رفتار مطلوب، مد نظر دارد.^۳

با توجه به این موضوع، اهمیت طرح مباحث اخلاق زیست محیطی در آموزش‌ها را بهتر می‌توان درک کرد؛ زیرا، مفاهیم اخلاق زیست محیطی نیز، بر مبانی ارزشی استوارند. در اخلاق زیست محیطی، نوع ارزش‌گذاری انسان به طبیعت و اجزای آن و هم‌چنین، معیارهای ارزشی، در تعیین درست و نادرست بودن رفتار نسبت به طبیعت، در تعیین نوع تعامل انسان با طبیعت، مهم هستند و این موضوعات به روشنی به مباحث نگرشی و هنجاری مرتبط می‌شوند. اگر نگرش، نوعی سوگیری مثبت یا منفی در برابر یک شیء، یک شخص و یا رفتارهای خاص تلقی گردد، آنگاه اهمیت تأثیر ارزش‌های فرد و از جمله، ارزش‌های اخلاقی در این سوگیری بیشتر روشن می‌شود. به این ترتیب، ارزش‌های اخلاقی می‌توانند با شکل‌دهی نگرش، تأثیر خود را بر رفتارهای حفاظتی و زیست محیطی فرد، بر جای گذارند.^۴

نادیده گرفتن اخلاق زیست محیطی می‌تواند تلاش‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی برای حفاظت از محیط زیست را نیز ناکارآمد نماید. در همین راستا، شاه ولی و کاظمی^۵ در پاسخ به این پرسش که شناخت شناسی و مقیاس زمانی پژوهش‌های

۱. عابدی سروستانی، احمد، تبیین نظریه اخلاق زیست محیطی استادان و دانشجویان دانشگاه شیراز، ص ۸۵

2. Fishen

۳. یوسف کریمی، نگرش و تغییر نگرش، ص ۱۶۶.

۴. عابدی سروستانی، پیشین.

۵. شاه ولی و کاظمی، سیر نظریه‌های حفاظت خاک و رویکرد آنها در قرن بیستم، ص ۸۵-۶۵.

زیست محیطی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی چگونه باید باشد تا پژوهش‌های آن‌ها مثمر ثمر واقع گردند، به بررسی سیر تحول این نوع پژوهش‌ها که توسط دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی طی قرن بیستم انجام گرفته‌اند، پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کنند که رویکرد غالب در این نوع پژوهش‌ها یک رویکرد کالبد شکافانه دو زمانه از گذشته تا حال بوده است تا عوامل مؤثر بر بحرآن‌های زیست محیطی را مشخص کنند.^۱

بررسی رویکرد کالبد شکافانه، نشان می‌دهد که بر فلسفه اثبات‌گرایی مبتنی است که شناخت‌شناسی آن یک ماهیت دوئیت‌گرایی و عین‌گرایی را داراست. به عبارت دیگر، شناخت‌شناسی این رویکرد به عنوان نشان‌دهنده رابطه بین شناسنده (پژوهشگر) و آنچه شناخته شده (بحران‌های زیست محیطی) گویای جدایی ماهوی بین پژوهشگر و بحرآن‌های زیست محیطی است که الزاماً به حل معضلات و بهبود محیط منتهی نخواهد شد.^۲

نارسایی‌های فوق‌گویی آن هستند که ضروری است تا پژوهش‌های زیست محیطی از رویکرد کالبد شکافانه دور شوند. این ضرورت از ماهیت امر «حفاظت» نیز ناشی می‌شود که یک فعالیت پیچیده انسانی است که مستلزم فهمیدن اخلاق، دین، فرهنگ، باورها، نیازها و موقعیت‌های مختلف انسان‌هایی است که برای هدفی مشترک نظیر حفاظت از محیط زیست تلاش می‌کنند.^۳

به طور خلاصه، تلاش‌های انجام شده برای رفع بحرآن‌های زیست محیطی به دو دلیل ناکارآمد هستند:

۱. شاه ولی و همکاران، پارادایم اخلاقی - فلسفی متعالی در پژوهش‌های بحرآن‌های زیست محیطی، ص ۳۲.

۲. شاه ولی و کاظمی، پیشین.

۳. شاه ولی و همکاران، پیشین، ص ۳۳.

اول، درحالی که این بحران‌ها یک نوع بحران اخلاقی تلقی می‌شوند، تلاش‌ها بیشتر به شکلی انجام می‌گیرند که از لحاظ معرفت‌شناسی و جهان‌بینی، مادی‌گرا یا عمل‌گرا محسوب می‌گردند.^۱ به عبارت دیگر، اخلاق زیست محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت را نیز شامل شود. عده‌ای براین باورند که بررسی روابط انسان با محیط زیست در قالب مسایل اخلاقی، به عصر حاضر مربوط می‌شود^۲ و شروع حمایت از اخلاق زیست محیطی را می‌توان از دهه ۱۹۶۰ میلادی دانست که با رشد پذیرش جنبش زیست محیطی، همراه بوده است.

اگر چه اخلاق به طور سنتی، به تعریف روابط بین افراد و روابط بین افراد و جامعه می‌پردازد، اما بنا بر نظر برخی صاحب نظران، اخلاقی که رابطه دو جانبه بین انسان و زمین، حیوانات و گیاهان را تنظیم کند، وجود نداشته است. امروزه در تبیین مفاهیم اخلاقی، به ویژه آن‌هایی که دامنه شان به حوزه اجتماع کشیده می‌شود، کمبود وجود دارد و نیاز به تشریح، بازشناسی و بازسازی مفاهیم اخلاقی متناسب با تحولات اجتماعی، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. لذا از نظر چنین صاحب نظرانی، گسترش اخلاق به این جزء سوم، یعنی محیط زیست و انسان، یک فرصت انقلابی و ضروری زیست محیطی است.

دلیل دیگر ضرورت اخلاق زیست محیطی، پویا بودن اخلاق است که سعی در سازگار کردن خویش با شرایط زمان و مکان دارد؛ زیرا، نیازها و اولویت‌هایی که از ارزش‌های جامعه سرچشمه می‌گیرند، در طی زمان تغییر می‌کنند و این‌ها خود باعث

۱. شاه ولی و کاوی زاده، گفتمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین (اسلام)، مجموعه مقالات، ص ۱۲۴-۱۰۱.

۲. رابینسون، دیو، اخلاق قدم اول، ص ۱۷۵.

ایجاد احساس جدیدی در انسان نسبت به طبیعت می‌شوند. از این رو، اخلاق می‌باید نوع رفتار انسان با طبیعت را در هر زمان، مشخص نماید. پویایی اخلاق را نیز باید در این واقعیت جستجو کرد که حوزه اخلاق، دارای هم اصول ثابت و هم متغیر است. اصول ثابت اخلاق، در همه زمان‌ها و برای تمام افراد یکسان است اما، مصادیق و روش‌های عمل به این اصول، در حال تغییر است.

به عبارت دیگر، اصول متغیر اخلاق به تغییر موضوعات و روش‌هایی برمی‌گردد که در هر زمان می‌باید برای اجرای اصول ثابت به کار برده شوند.^۱ همین موضوع را می‌توان درباره رابطه انسان و محیط زیست طبیعی، مشاهده کرد؛ زیرا، در زمینه اخلاق زیست محیطی، در ارتباط با نمونه‌ای از آن که بتواند حوادث و فجایع زیست محیطی را تشریح کند، کمبود وجود دارد. این اخلاق جدید باید درک و احساس جدیدی را از جایگاه مخلوقات در جهان ارائه دهد که با کمک آن بتوان به یک الگوی زیست محیطی قابل اعتماد دست یافت.

دوم، رویکرد پژوهشی بکار رفته برای رفع بحران‌های زیست محیطی عمدتاً مبتنی بر پارادایم‌های علمی نظیر اثبات‌گرا هستند که با ضرورت ملحوظ داشتن دین، فرهنگ و باورها برای حفاظت محیط زیست، هم راستا نیستند. این در حالی است که تلاش‌های زیست محیطی می‌باید زیست‌بوم‌گرا باشند و بر دین، باورها، ارزش‌ها و اعتقادات منطقه استوار باشند. لذا، هرگونه تلاش برای رفع بحران‌های زیست محیطی می‌باید از اصلاح پارادایم‌های پژوهشی آغاز شود.

۱. جعفری محمدتقی، فلسفه اخلاق، درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران، ص ۷۰-۲۶.

فصل سوم

تاریخچه اخلاق زیست محیطی

سیر تحولات روابط انسان و طبیعت

هرچند بحث محیط زیست - دست کم به معنای امروزی آن - یک بحث نو و تازه است، اگر بخواهیم به صورت دقیق تاریخچه‌ای از آن بیان کنیم، باید به گذشته‌های بسیار دور بر گردیم و شاید بتوان گفت که باید تاریخ محیط زیست را با تاریخ زندگی انسان بر روی کره زمین مطالعه کنیم.

این مطالعه سه مرحله را شامل می‌شود:

۱- دوران تسلط طبیعت بر انسان (انسان پیش از عصر نوسنگی).

۲- دوران تسلط انسان بر طبیعت.

۳- دوران همگرایی و تعامل انسان و طبیعت.

الف- انسان، مقهور طبیعت

انسان اولیه با فقدان ابزار شکار در مقابل حیوانات عظیم‌الجثه کاملاً ناتوان بود؛ از این رو غذای خود را نه از طریق شکار، بلکه از طریق جمع‌آوری میوه و صید جانوران کوچک تأمین می‌نمود. در این زمان انسان هنوز در بطن طبیعت می‌زیست و نحوه زندگی و تأثیرگذاری او بر محیط با سایر جانوران چندان تفاوتی نداشت. به دیگر بیان دخالت‌های انسان در طبیعت از محدوده تأثیر قدرت ترمیم‌پذیری طبیعت فراتر نمی‌رفت و لذا هر خلأیی که در نتیجه برداشت‌های او از طبیعت پدید می‌آمد، به زودی در نتیجه عملکرد نیروهای طبیعی رفع می‌شد.

این دوره در برگیرنده عصری است که در آن بشر کاملاً مقهور طبیعت بوده و قادر

نبوده است دخل و تصرفی در طبیعت انجام دهد.

این دوره که با پیدایش و آفرینش انسان شروع می‌شود، خود به چند مرحله تقسیم می‌شود: مرحله غارنشینی، مرحله روستانشینی، مرحله ایجاد شهرهای کوچک و بزرگ و مرحله به وجود آمدن تمدن‌های نخستین. گرچه مرحله اخیر با ایجاد کارابزارهای پیشرفته‌تر نسبت به قبل هم زمان بوده و در نتیجه با تصرفات بیشتری در طبیعت همراه بوده است، اما این تصرفات به تخریب محیط زیست منجر نشد.^۱

به بیان دیگر، می‌توان گفت، اگر در این دوره بشر تصرفی جزئی هم در محیط زیست داشته است، این تصرف برای محیط زیست ضرری نداشته و طبیعت به راحتی این تصرفات را تحمل، جبران و بازسازی کرده است؛ به طوری که می‌توان گفت، در این دوره محیط زیست به صورت بکر و دست نخورده باقی مانده است.

ب- تسلط انسان بر طبیعت

در مقایسه با دوره اول، این دوره از زندگی انسان را شاید بتوان دوران غلبه یا تسلط انسان بر محیط زیست دانست. از حدود یک قرن پیش انسان به اسرار طبیعت دست یافت، و هر روز با اختراع و اکتشافی جدید راه‌های مهار طبیعت و غلبه بر آن را آموخت.^۲

این دوره عصر ایجاد تمدن‌های صنعتی است، با دست‌یابی بشر به صنعت ماشینی و به وجود آوردن کارخانه‌های کوچک و بزرگ، رابطه خود را با طبیعت متحول کرد؛ به این صورت که برای افزایش تولید، منابع بیشتری را مورد بهره‌برداری قرار داد و در

۱. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست در ایران، ص ۳.

۲. مظفری، محمد حسن، مسئولیت بین‌المللی آلوده کنندگان آب‌ها، ص ۱.

نتیجه صدمات بیشتری به طبیعت وارد کرد و در اثر این امر، طبیعت رو به تخریب و نابودی گذاشت.

در این دوره، بشرِ مقهور طبیعت این امکان را یافت که با تصرفات بی‌رویه «تعامل اکولوژیک»^۱ طبیعت را برهم زده و علاوه بر تخریب محیط زیست، آلودگی آن را موجب شود.^۲ رفتار او در این دوره به گونه‌ای بود که انسان فکر می‌کرد که مالک زمین است، نه ساکن آن؛ لذا پیشرفت خود را، پیروزی بر جهان به حساب آورد؛ به طوری که این پیروزی تخریب بخش‌هایی از محیط زیست و طبیعت را در پی داشته است.^۳

شدت این تخریب و آلودگی زیست محیطی برای طبیعت، غیرقابل تحمل، غیر قابل جبران و غیر قابل بازسازی بود؛ انواع آلودگی‌های آب، خاک، هوا، صوت، شیمیایی، هسته‌ای و دریایی، آثار زیانباری را بر انسان و محیط زیست داشته است؛ به صورتی که در طی سال‌های اخیر به صورت بحرانی بزرگ درآمد و زنگ خطر را به صدا در آورد.^۴ مروری بر حوادث یک قرن اخیر، عمق این فاجعه را بیشتر نمایان می‌کند. اگر چه دسترسی انسان‌ها به تکنولوژی‌های پیشرفته، زندگی را برای انسان‌ها راحت‌تر کرده است، اما استفاده نابجا و بی‌رویه از آن، عوارض مرگباری را نیز در پی داشته است. کشف بسیاری از عناصر جدید برای مبارزه با بیماری‌ها و آفات، باعث ورود آن‌ها به چرخه غذایی انسان نیز شده و خود باعث به وجود آمدن بیماری‌ها و عوارض ناشناخته شده است؛ برای مثال اثر بعضی از آفت‌کش‌ها^۵ هم‌چون «د.د.ت»^۶ و «آلدین» تا ۱۵

1. Ecology Balance

۲. تقی زاده انصاری، پیشین، ص ۳.

3. Barbara Ward and Rene Dubos, only one Earth, (England, penguin Books, 1974), p.24.

۴. کمیسیون ملی یونسکو، آموزش بین‌المللی محیط زیست، ترجمه فیروزه برومند، ص ۱۰.

5. Pesticide

6. Dichlore, Diphenyl Trichloroethane (D.D.T)

سال در محیط پایداری می‌کند.^۱ همین امر باعث می‌شود به تدریج این عناصر وارد چرخه غذایی انسان شوند.

در این دوره، کشف و استخراج بی‌رویه منابع طبیعی، هم چون انرژی‌های فسیلی، علاوه بر این که حقوق نسل‌های آینده را به مخاطره انداخت، باعث آلودگی فراوان آب، خاک، هوا و دریا شد؛ ورود گاز کربنیک یا دی‌اکسید کربنیک، منو اکسیدکربن، در اثر سوخت‌های فسیلی به محیط زیست، ریزش بیش از پیش فضولات کارخانه‌ها و سموم مختلف در رودخانه‌ها، غرق نفت‌کش‌های غول پیکر و وارد شدن مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر به دریا، سوانح و رخداد‌های هسته‌ای^۲، جنگ‌های اتمی^۳، «سوانح شیمیایی» استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها، استفاده از محیط زیست به عنوان ابزار جنگی، گرم شدن کره زمین، تخریب لایه ازن، تغییرات آب و هوایی^۴، باران‌های اسیدی^۵، انفجار جمعیت^۶، نابودی جنگل‌ها و گونه‌های نادر گیاهی و جانوری. همه و همه به یک فاجعه زیست محیطی^۷ بدل شد که آینده تنها کره مسکون را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

۱. محمود سلطانی، «آفت‌کش‌ها، محیط زیست و توسعه پایدار»، فصلنامه محیط زیست، شماره ۲۹ (۱۳۷۸)، ص ۲۶.

۲. ژاک ورنیه، محیط زیست، ترجمه پریسا صمدی، ص ۴۵.

۳. آنتونیو کاسسه، نقش زور در وابط بین الملل ترجمه مرتضی کلانتریان، صص ۶۰-۲۱.

۴. limate Changes ناصر محرم نژاد، «تغییرات جهانی آب و هوا» فصلنامه محیط زیست، شماره ۷، (۱۳۷۴)، ص ۸.

5. Acid Rain

6. Population Explosion

7. Environmental Disaster

ج- دوره آگاهی، تعامل و همزیستی

این دوره، عصر همزیستی انسان با طبیعت است. گسترش آلودگی‌های زیست محیطی موجب شد که در برخی از کشورهای پیشرفته و صنعتی و سپس در سطح جهانی اقداماتی برای جلوگیری از تخریب محیط زیست صورت گیرد^۱ که بر این اساس، دهه ۱۹۶۰ را باید دوره بیداری و آگاهی در زمینه محیط زیست دانست. در این دوره بشر به علایم تهدید کننده‌ای که حیات را در این سیاره به خطر انداخته بود، پی برد و دریافت که برای نابودی حیات و زندگی در کره زمین، دیگر احتیاجی به برخوردهای نظامی و به کارگیری سلاح‌های مخرب غیرمتعارف که آثار تخریبی گسترده دارند، نیست. بلکه اگر شیوه زندگی و روش‌های تولید و مصرف را تغییر ندهند، به همان اندازه یا بیشتر، نابودی را به دنبال خواهد داشت.^۲

با توجه به موارد فوق، علاوه بر اتفاقاتی که دولت‌ها به تنهایی در جلوگیری از گسترش بحران انجام دادند، به همکاری‌های گسترده بین‌المللی نیز روی آوردند. همین‌طور جنبش‌های مردمی و «سازمان‌های غیردولتی»^۳ نیز در کشورهای غربی فعال شدند و زنگ خطر از بین رفتن محیط زیست را در دنیا به صدا در آوردند. اقبال مردم به این گروه‌ها و سازمان‌ها باعث شد که آن‌ها جایگاه ویژه‌ای را در جوامع خود به دست آورند؛ به نحوی که بعضی از این گروه‌ها و احزاب تحت عنوان «صلح سبز»^۴ امروزه از قدرتمندترین گروه‌های اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند.

۱. تقی زاده انصاری، پیشین، ص ۴.

۲. مظفری، پیشین، ص ۳.

3. Non-Governmental Organizations (NGOS)

4. Green Peace

توجه به محیط زیست در این دوران به حدی رسید که فقط در سال ۱۹۷۲ حدود سیصد کتاب در مورد محیط زیست در آمریکا نوشته شد.^۱

بدین ترتیب، از چند سال پیش فکر ایجاد رابطه جدیدی با طبیعت در افکار نضج گرفت. پایه این فکر، این است که مواهب طبیعی مورد استفاده بشر پایان ناپذیر نیست و علاوه بر این، ضایعاتی که بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت به آن وارد می‌کند، می‌تواند حیات نسل حاضر و نسل‌های بعدی را در معرض خطر قرار دهد. بنابراین، اگر از طبیعت بهره‌برداری می‌کنیم، بهره‌برداری از آن باید به گونه‌ای باشد که باعث از میان رفتن این مواهب نشده، و ضامن حفظ نسل‌های آینده شود.^۲

بدین ترتیب امروزه می‌توان موضوع محیط زیست را به عنوان یکی از با اهمیت‌ترین مباحث دانست که عدم توجه به آن آینده‌ای اسفبار را برای منابع طبیعی رقم خواهد زد.

طبیعت در اقوام و ادیان

خداوند متعال سرنوشت انسان را چنان رقم زد که در دامن طبیعت رشد کند و از مواهب الهی آن بهره‌مند گردد و به تماشای طبیعت پیرامون پردازد. آدمی عناصر طبیعی از قبیل ماه و خورشید و طلوع و غروب آن‌ها و ایجاد شب و روز و صدای مهیب رعد و درخشش خیره‌کننده آذرخش و دیگر مظاهر طبیعی را زیر نظر می‌گرفت و سعی می‌کرد درباره آن‌ها اظهار نظر کند اما نمی‌توانست تحلیل و تفسیر درستی ارائه بدهد.

۱. لولان، ایو، جهان سوم و بحران محیط زیست، ترجمه منوچهر فیروز عسگری، ص ۵.

۲. لورنتس، کنراد، هشت گناه بزرگ انسان متمدن، صص ۳۹-۴۰.

انسان بدوی در پی غریدن ابرها یا طلوع و غروب اجرام آسمانی، آنها را قدرت‌های زنده و قوی فرض می‌کرد که می‌توانند منشأ خیر یا سبب شر باشند و از این رو با خضوع و خشوع در برابر آنها کرنش می‌کرد و به عبادت ماه و خورشید و ستاره می‌پرداخت.

بررسی زندگی و مبارزات پیامبران الهی نشان می‌دهد که آنها در مقابله با این افکار به مقابله‌ای سخت و طولانی دست زده‌اند و هنگامی که آخرین پیامبر الهی حضرت محمد ﷺ مبعوث شده و آخرین کتاب آسمانی نازل شد افکار خرافی بسیاری درباره مخلوقات و ارتباط آنها با خالق وجود داشت.

جان ناس^۱ می‌گوید: در اقوام بدوی پرستش آب، خاک، باد و آتش رواج داشته و ستارگان آسمان، چشمه‌سارها، رودها و برخی جانوران و نباتات مورد عبادت قرار می‌گرفتند.^۲

در جزیره‌العرب که خاستگاه نزول قرآن بود، انبوه اعتقادات جاهلی وجود داشت که برخی از آنها از شرق به آنجا رسیده و برخی دیگر از مسیحیان و یهودیان به صورت غیر واقعی به آنها رسیده بود و در دین حنیف ابراهیم (ع) تحریفات زیادی وارد شده بود و قرآن به این باورهای غلط اشاره نموده است: «می‌پندارند ملائکه دختران خداوند هستند با این که خودشان از داشتن دختر ابا دارند».^۳ اعتقادات بشری در مورد طبیعت در اقوام و پیروان ادیان را می‌توان در موارد ذیل دسته بندی نمود:

1. Noss, John Boyer

۲. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت ص ۲۰.

۳. زخرف / ۱۸ - ۱۷.

۱- مصریان قدیم

مصریان سابقه تمدنی علمی و دینی کهنی دارند و در پایبندی به دین و مذهب مشهور بوده‌اند. آن‌ها بیش از سه هزار سال به اعتقادات و اعمال مذهبی پایبند بودند. خدایانی را پرستش می‌کردند که تصاویر حیوانات و مظاهر طبیعی بود و «آمون» به صورت انسان مجسم می‌شد. حیوانات مورد پرستش در محوطه معبد جای داشتند و پس مرگ با تشریفات خاصی دفن می‌شدند.^۱

مصریان، آفتاب و برخی نباتات را هم مقدس می‌پنداشتند و رود نیل را مورد پرستش قرار می‌دادند. جهان‌شناسی و الهیات مصری به ظاهر تغییرات محلی بسیاری دارد و نوعی عدم انسجام را در آن می‌یابیم ولی به رغم این تعبیرات ظاهری اصول عمیق تری در خصوص نظم طبیعت بر کل این سنت حاکم است که الوهیت باعث ایجاد و بقاء عالم است.

۲- بین النهرین

مردم کلد و آشور و سلاطین نینوا و بابل خدایانی را می‌پرستیدند که آن‌ها را به پیکر انسان تراشیده و گاه ترکیبی از انسان و حیوان بود، هر شهر خدایی داشت اما پس از تشکیل دولت حمورابی خدای پایتخت رب‌الارباب قلمداد شد. مظاهر طبیعی عالم سمبل خدایان بودند. آب، خدای طغیان و انلیل خدای هوا و باد بود که رعد ندای او و

۱. مبلغی آبادانی، عبد الله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۱، ص ۹۷.

برق سلاح او بود. مردم بین‌النهرین به دلیل پرستش نیروهای طبیعت و باور به اینکه واسطه‌های نعمت‌های خدایان هستند آن‌ها را محترم می‌شمرند.^۱

۳- غرب قدیم

مقصود از غرب قدیم باورهای مردم در یونان و روم باستان و بومیان آمریکا است. مثل اقوام شرقی، در اقوام غربی بدوی هم پرستش خورشید و اقیانوس و دیگر مظاهر عالم طبیعت مرسوم بوده است و آن‌ها را منشأ خیر و شر می‌دانستند. زئوس از خدایان آن‌ها بود که برق را نازل می‌کند و خدایی است که در فراز آسمان‌ها می‌گرد و از صدای او زمین می‌لرزد. «پوزئیدن» خدای دریا بود که مسکن او قصری در زیر دریا فرض می‌شد. خدای «دمتر» بیش از همه مورد احترام بود؛ چرا که خدای زمین و روزی رسان بود. بر اساس اعتقادات یونانیان باستان کلیه‌ی موجودات طبیعت، مکان سکونت خدایان بودند و تعداد آن‌ها به دوازده می‌رسید.^۲

دکتر نصر در مورد نظم طبیعت در ادیان یونانی می‌گوید:

اصطلاح یونانی وضع شده برای عالم طبیعت در وسیع‌ترین معنای آن یعنی «کاسموس» در تصویر یونانی از عالم بسیار گویا است. این اصطلاح در نظر یونانیان والاترین نقش دینی را داشت، نه فقط به معنای نظم، بلکه به معنای زیبایی، هماهنگی و عقلانیت نیز بود. این نظم طبیعت باید مورد تقلید انسان‌ها قرار می‌گرفت و همیشه از نظم اخلاقی لا ینفک می‌بود. برخی اندیشه‌های یونانی اولیه مانند ماهیت اخلاقی قوانین

۱. اباذری و همکاران، ادیان جهان باستان، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲. مبلغی آبادانی، پیشین، ص ۱۳۳.

۲. نصر، سید حسین، دین و نظم طبیعت، انشاء الله رحمتی، ص ۷۹.

طبیعت، به عنوان یک اصل پذیرفته شده در مغرب زمین تا دوران جدید، همچنان پابرجا بود.

بومیان آمریکا بر اساس اعتقاد به روح اعظم در بطن صورت‌های طبیعت و درعین حال در ورای همه‌ی صورت‌ها، دیدگاهی قدسی درباره‌ی طبیعت را پاس داشته‌اند که بر حسب آن، نظم طبیعت، نظم انسان‌ها و و امر قدسی در وحدتی نظام یافته به هم پیوند یافته‌اند. طبیعت بکر، مسجد و معبد و کلیسای بومیان آمریکا بود. فهم بومیان آمریکا از معنای نظم طبیعت عاملی بسیار مهم در واکنش دینی جهانی به بحران وخیم میان انسان و محیط زیست طبیعی است. این دیدگاه قاره آمریکا را تا پیش از تصرف و تخریب اروپائیان مهاجر به آنجا حفظ و صیانت کرد. امروزه با آگاهی بیشتر از بحران زیست محیطی دیدگاه سفید پوستان درباره‌ی فهم بومیان آمریکایی از طبیعت تغییر کرده است و آن‌ها از اعتقادات قدیمی ساکنان اصیل تحسین و تمجید می‌کنند.^۱

۴- آیین هندو

آیین هندو با تحولاتش در طی هزاره‌ها که شامل برهمنیزم، جینیزم، سیکیزم، می‌شود راه‌های بسیاری برای فهم نظم طبیعت عرضه می‌دارد. وداها (کتاب‌های مقدس هندوان) نه فقط منبع شناخت عالم بلکه به اعتقاد آنان مبدأ خود عالم نیز هستند؛ زیرا ودا به عنوان کلمه‌ی سرمدی است. گرچه در عقیده عامیانه آیین هندو همه خدایی ممکن بنظر می‌رسد، اما آموزه‌های ما بعد الطبیعی آن‌ها همه خدااورانه نیست. بخش اعظم آیین هندو عالم را همان «پیکر الوهیت» می‌داند و نظم طبیعت را تجلی مستقیم نظم الهی

تلقی می‌کند و برخی اصطلاحات در این آیین هم مستلزم قانون کیهانی و هم مستلزم قانون اخلاقی است و در آن واحد هم ساحت دینی دارند و هم ساحت طبیعی.

۵- آیین زرتشتی

آیین زرتشتی علاوه بر تأثیری که بر فلسفه‌ی یونانی و ادیان ابراهیمی، داشته در مغرب زمین نام زرتشت با علوم جهانشناختی پیوند یافته است. این آیین رابطه‌ای مستقیم با عالم طبیعت و عناصر کیهانی از طریق رسوم مذهبی و مناسک و آموزه‌هایش برقرار ساخته است. آیین بیست و هشتم دی ماه به افتخار زمین به عنوان یک فرشته برپا می‌شود و از این منظر خود زمین بخشی از سلسله‌ی فرشتگان تلقی می‌شود. تکوین کیهان و نظم حاکم بر آن و قوانین آن، در آن واحد هم اخلاقی و هم وجودی است. عالم دارای مبدأ و منتهایی است که تحت یک قانون یا آشه است. آشه^۱ هم مبدأ نظم در حیات بشری و هم نظم در عالم طبیعت است.^۲

بر اساس این قانون کسانی که از روی پاکی و راستی رفتار می‌کنند «اشون» یا «از آن آشه»، یعنی پیرو راستی و پاکی نامیده می‌شوند و کسانی که به جای آبادانی جهان در پی تباهی آن هستند پیرو دروغ و دیو و دروغکار نامیده می‌شوند. بنا بر این در اوستا به رعایت جوانب قانون آشه توصیه شده است و رعایت کنندگان آن را مژده‌ی زندگی آسایش بخش می‌دهد و به آنان که به محیط زیست لطمه می‌زنند عواقب ناخوشایندی را گوشزد می‌نماید.

1. Asha

۲. نصر، پیشین، ص ۷۶.

در آیین زرتشت چهار عنصر آب، هوا، زمین و آتش گرامی داشته شده است. آسمان (هوا) و آنچه در آن است از خورشید و ماه و ستارگان و زمین و آنچه در آن است از آب و گیاهان و چهارپایان و آتش مورد احترام است، شکرانه‌ی هر کدام از آن‌ها دارای نیایش مخصوص انسان در درگاه الهی است. هر کدام از عناصر را باید پاک نگه داشت و آلوده نکرد. در بین عناصر در مورد آب توصیه‌های فراوان دیده می‌شود. آب در اوستا «اپ» و در پهلوی «آو» بعد از آتش گرمی‌ترین عنصر و یکی از ایزدان مقدس شمرده می‌شود. نقش آب از روزگاران کهن برای ایرانیان باستان شناخته بود و در اوستا، به این نقش و اهمیت اشاره شده است.

ایرانیان باستان آب جاری را مقدس می‌شمردند و به هیچ وجه آن را آلوده نمی‌کردند و در تمیز نگه‌داشتن آن دقت خاصی به کار می‌بردند. هم‌چنین با انجام مراسم ویژه‌ای به مناسبت‌های خاص، برای آب قربانی می‌کردند. کنار آب گودالی حفر می‌کردند تا خون قربانی آب را آلوده نکند. پیشینیان ما در رفتار با آب و مهندسی آب آن چنان شهره جهانی داشتند که هرودوت مورخ بزرگ یونانی در سفرنامه‌اش می‌نویسد: ایرانیان در آب جاری دست نمی‌شویند و آب دهان در آن نمی‌اندازند و برای آب احترام زیادی قائل هستند.^۱

۶- دین یهود

در بین ادیان توحیدی و ابراهیمی قدیمی‌ترین آن‌ها است. تفاسیر متفاوتی از تورات ارائه شده است که تفسیری از سفر تکوین و هم‌چنین متن تلمود به مسائل حقوقی و

۱. قارداشی، علی اصغر، اهمیت آب و سیر تحول آن در اساطیر و تاریخ ایران، مجموعه مقالات همایش نگاه قدسی به آب، ص ۳۹۵.

اخلاقی در مورد نظام طبیعت و خلقت عالم پرداخته اند. بنا بر برداشت دانشمندان یهودی از این متون، عالم خلقت تجلی ذات واحد و جایگاه حضور الهی است و التزام ما به خداوند باید مستلزم التزام ما به حفظ تنوع و وسیع و شگفت آور انواع موجودات زنده باشد. برخلاف آیین چین که در آن به حفاظت طبیعت بدون هیچ گونه مداخله‌ای در آن توصیه شده است، در دین یهود عالم طبیعت متعلق به انسان است و در سفر تکوین آمده است که زمین را مقهور خویش سازید.^۱

البته تسلط بر طبیعت به معنای سرپرستی آن است و در واقع حق مالکیت از آن خداوند است و ما اجازه دارانی موقتی هستیم که باید از مواهب آن بهره برداری نماییم اما هیچ چیزی را تخریب نماییم. در تعالیم یهودی بر فناء تأکید می‌شود؛ چرا که ماده‌گرایی و مصرف‌زدگی قرن اخیر علت تخریب محیط زیست است.

۷- مسیحیت

گرچه خاستگاه مسیحیت، شرقی است، اما در عصر جدید دین اصلی مردم در مغرب زمین است. این دین در طی قرون با بیشتر مکاتب فکری در خصوص طبیعت پیوندی ناگسستنی داشته است و در باورهای آن بر عقیده به خداوند به عنوان علت محدثه و علت مَبْقِیَه نظام عالم طبیعت تأکید می‌شود و اصولی مثل لوگوس یا مسیح، و روح القدس باعث نظم و هماهنگی در عالم هستند. از نظر قدیس آگوستین همه عالم مخلوق خداوند است، خداوند خیر محض است اما طبیعت هم از خیر بهره دارد و خیر

۱. نصر، پیشین، ص ۲۷۵ (به نقل از سفر تکوین باب اول ص ۲۸).

بودن برخی موجودات نسبت به برخی دیگر بیشتر است. بر اساس نظریه خلقت از عدم، نظم موجود در طبیعت از ماورای طبیعت صادر می‌شود.^۱

سیر تاریخی مقابله دانشمندان با بحران زیست محیطی را می‌توان در واکنش‌هایی بررسی نمود که در قبال اتهام‌های طرح شده از سوی آرنولد توین‌بی و لین وایت، مبنی بر اینکه برخی تعالیم ادیان ابراهیمی سبب تخریب محیط زیست شده‌اند، ابراز شده است. در بین دانشمندان مسیحی در دهه ۱۹۵۰ ریچارد نیبور^۲ الهی‌دان پروتستان از وفاداری به جماعت جانداران سخن به میان آورد و در دهه ۱۹۶۰ جوزف سیتلر^۳ لوتری مذهب نوعی «الهیات برای زمین»، نجات کیهانی و مشارکت طبیعت در نجات همراه با نفی «همه خدا باوری»^۴ را ارائه داد. هم‌چنین ریچارد بئر^۵ با تدوین الهیات محیط زیست، بر تعلق عالم به خداوند و عشق پروردگار به عالمی که آفریده است، تأکید ورزید.

در دهه ۱۹۷۰ پس از انتشار اتهام لین وایت علیه تعالیم دینی، الهی‌دانان کاتولیک و پروتستان در دفاعیه‌های بیشماری عنوان کردند که طبیعت موهبتی الهی است که صورت‌های آن ارزش ذاتی دارند و نباید از منظر سودگرایانه به آن‌ها نظر شود. قدیس فرانسیس^۶ و سانتمایر^۷ با تألیف آثار مثلی «برادر زمین، طبیعت» و «رنج طبیعت» سنت غنی تعالیم مسیحی درباره محیط زیست را تشریح کردند.

1. Environment and Values: p.151

2. Richard Niebuhr

3. Josef Sittler

4. Pantheism

5. Richard Bear

6. Saint Francis

7. Santmeier

در دهه ۱۹۸۰ جان بی کاب^۱ در کتاب «آیا خیلی دیر است؟» از نوعی مسیحیت نوین سخن می گوید که حقوق را به طبیعت هم تسری می دهد.

در دهه ۱۹۹۰ مک فاگ^۲ اهتمام به محیط زیست را با فمینیسم ترکیب کرد و «فمینیسم بوم شناختی»^۳، که استیلا بر زمین در تمدن غربی را با سرکوب زنان یکی می گیرد، بنیان نهاد. در عرفان مسیحی افرادی مثل هیلدگار^۴، مایستراکهارت^۵، فاکس^۶ عرفان راستین را نه منکر دنیا، بلکه مؤید دنیا و حاوی نوعی جهانشناسی دانسته اند و نظریه مقصر بودن دین در بحران زیست محیطی را مردود می دانند.^۷

گرچه در عهد جدید از باد و دریا و آب و دعای افراد صالح در نزول باران یا قطع آن سخن به میان آمده است، اما تشویق به استفاده از نعمت های الهی کمتر دیده می شود و بهره برداری از نعمت های پاکیزه را ناروا معرفی کرده و مردم را به زهد در دنیا به معنای رهبانیت فراخوانده است. طبق این دیدگاه از مردم خواسته می شود از غذا و نوشیدنی های حلال و لذیذ دست بردارند، ازدواج نکنند، مسکن خوب فراهم نکنند و اگر غارنشین باشند بهتر است و لذا راهبان در تاریخ مسیحیت دیندارترین افراد بودند.^۸ وجود چنین آیاتی در اناجیل دستمایه لین وایت و آرنولد توین بی قرار گرفت و آن ها مسیحیت را در تخریب محیط زیست مقصر دانسته اند. در مقابل، دانشمندان

1. John B. Cobb
2. Mc Fague
3. eco - Feminism
4. Hildegard
5. Meister Eckhart
6. Fax

۷. نصر، پیشین ص ۲۶۰.

۸. رستمی، محمدحسن، سیمای طبیعت در قرآن، ص ۱۳۰.

مسیحی سعی کردند با ارائه تفاسیری از اناجیل، به اتهامات جواب دهند که مواردی از آن‌ها را بیان نمودیم.

۸- اسلام

در دیدگاه اسلامی، اعتقاد بر این است که نظم طبیعت بر طبق حکمت الهی از مُثُلِ اعلای همه موجودات در مرتبه الهی مأخوذ است. خداوند از طریق قلم که رمز اصل فعال خلقت است حقایق همه موجودات را بر لوح محفوظ که تا ابد نزد اوست، نگاشت و آن‌ها را به مراتب نازل وجود و به عالم طبیعت فرو فرستاد.

در قرآن به این مسئله توجه شده است: «قل مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ»^۱، «بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟»، یعنی همه موجودات تحت حاکمیت خداوند هستند و مبدأ مابعدالطبیعی همه موجودات در دست خداوند است. طبیعت یک مرتبه مستقل واقعیت با نظم مستقل از آن خود نیست، بلکه اصل و مبدأ آن در مرتبه دیگری از واقعیت که الهی است، مقام دارد. اصول و قوانین و سنن الهی حاکم بر عالم مستلزم نظم و هماهنگی در جهان طبیعت است که به عنوان برهان نظم بر وجود خداوند مورد توجه قرار گرفته است.

در عرفان اسلامی، اسماء الهی اصول مُثُلِ اعلای ثابت (أعیان ثابته) هستند که در واقع همان «مثال‌های» همه تجلیات کیهانی در عقل الهی محسوب می‌شوند. خداوند بر این اعیان ثابته می‌دمد و عالم هستی بوجود می‌آید. نفس گوهر عالم دم رحمانی (النفس الرحمانی) است که با تجدید خلقت در هر آن مرتبط است. بنابراین اصل، و اصل

وحدت وجود نظم الهی در نظم طبیعت تجلی می‌یابد، و فرشتگان حافظ نظم الهی در طبیعت هستند.^۱

در مورد دیدگاه اسلامی در فصل‌های بعدی بحث خواهیم نمود و در اینجا برای روشن شدن دیدگاه ادیان ابراهیمی به مقایسه نظرگاه یهود، مسیحیت و اسلام می‌پردازیم.

مقایسه دیدگاه ادیان ابراهیمی

الف - اسلام و یهود

در نظریه دین یهود در مورد طبیعت با اسلام وجوه تشابه و وجوه تفاوت دیده می‌شود؛ موارد مشابهت عبارتند از:

۱- در تورات، همانند قرآن، طبیعت دلیلی بر قدرت و سلطنت الهی دانسته شده و برای اثبات خالق به آیات طبیعی استدلال گردیده است. البته استدلال به پدیده‌های طبیعی در قرآن بیشتر از تورات است.

۲- بنابر برخی تفاسیر در تورات از عناصر طبیعی (سینا، سعید و کوه فاران) برای استدلال بر نبوت سه پیامبر بزرگ الهی، موسی (ع)، عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص)، استفاده شده است. در قرآن بر فرض تفسیر آیات نخست سوره تین به بعثت آنها این شباهت دیده می‌شود.^۲

۱. سیدحسین نصر، پیشین، ص ۹۸.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۷۵.

۳- تورات همانند قرآن بین نزول برکات آسمانی و توبه و استغفار مردم رابطه برقرار کرده و گناه را مانع نزول باران می‌داند. «ای قوم، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آنگاه به سوی او باز گردید تا باران را بر شما پیاپی و فراوان آید».^۱

اما موارد اختلاف قرآن و تورات عبارتند از:

۱- در برخی از آیات تورات از عناصر طبیعی چهره‌ای خشن و هولناک ارائه شده و به عنوان مظاهری از شرّ معرفی شده‌اند که در پی نابودی انسان هستند و در موارد کمی از بادهای سود آور سخن گفته شده است. اما قرآن چهره‌ای مخوف از مظاهر طبیعت ارائه نمی‌کند و پدیده‌ها را خادم بشر می‌داند، دریاها، باد شب و روز را آیات الهی و برای شمارش سال و حساب معرفی می‌نماید.^۲

۲- تورات به زمین نگاه بدبینانه‌ای دارد و آن را ملعون معرفی می‌کند، اما قرآن کریم زمین را مرکبی راهوار تلقی می‌کند که همواره خیر و برکت و رزق به مردم می‌رساند و آنچه از آن می‌روید نعمت خداوند به شمار می‌رود.^۳

۳- از نظر تورات آفرینش جهان طبیعی خداوند را خسته کرده و از این رو در روز هفتم به استراحت پرداخت: «در روز هفتم خدا از همه کار خود که ساخته بود فارغ شد و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود آرامی گرفت. پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را تقدیس نمود، زیرا که در آن آرام گرفت از همه کار خود که آفرید و ساخت».^۴

۱. هود/۵۲، رستمی، محمد حسن، سیمای طبیعت در قرآن، ص ۱۲۸.

۲. اسراء/۱۲.

۳. الرحمن/۱۲-۱۱.

۴. تورات، سفر پیدایش، باب ۲ آیات ۴-۱.

اما در قرآن خستگی خداوند پس از آفرینش زمین و آسمان‌ها رد شده است: «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین آنها است را در شش روز آفریدیم و هیچ خستگی به ما نرسید».^۱

۴- تورات برای خداوند مسکن و مکان تصور می‌کند بدین صورت که محل سکونت خداوند کوه‌ها، بادها و ابر است. طبیعت مکان خداست و خداوند تحت احاطه طبیعت است.^۲ اما قرآن خداوند را از داشتن مکان و مسکن منزّه می‌داند، کوه‌ها مسکن مخلوقات است نه مسکن خداوند و مکانی برای خدا متصور نیست و به هر طرف که توجه شود او وجود دارد: «أینما تولّوا فثمّ وجه الله».^۳

۵- از نظر تورات سلیمان پادشاهی است که در آخر عمر به شرک گرایید و طبیعت معبود او بود، اما قرآن سلیمان را بنده‌ای خوب که کافر نشد معرفی می‌کند «و ما کفّر سلیمان».^۴ و پدرش داود را بنده قدرتمندی معرفی می‌کند که همیشه مطیع خداوند بوده است. «واذکر عبدنا داود ذا الاید آنه آواب».^۵

۶- تورات در بیان آفرینش عالم و ایجاد شب و روز و حیوانات و دیگر موجودات طبیعی و طوفان نوح همه جزئیات آن را بیان می‌کند و بیشتر به کتاب تاریخ شبیه است که نتیجه‌ای از ماجرا نمی‌گیرد، اما قرآن در مورد آفرینش موجودات و بیان حوادث نتیجه اعتقادی، اخلاقی و تربیتی را مد نظر قرار می‌دهد و از شرح کامل ماجرا پرهیز

۱. ق/۳۸.

۲. تورات، سفر تکوین، باب ۳، آیه ۸.

۳. بقره/۱۱۵.

۴. بقره/۱۰۲.

۵. ص/۱۷.

می‌کند، فقط بخشی از حادثه را که شاهد مثال برای توجه مخاطب به مبدأ و معاد است، بیان می‌نماید.

ب - اسلام و مسحیت

در عهد جدید - برخلاف عهد عتیق که سخن از طبیعت زیاد به میان آمده است - مباحث اندکی از عناصر طبیعی دیده می‌شود و در اینجا نکاتی در مقایسه انجیل و قرآن بیان می‌نماییم:

۱- در انجیل درباره باد و آب و دریا مطالبی دیده می‌شود که برای بیان معجزات حضرت عیسی (ع) به عنوان تنها راه ایمان آوردن معرفی شده‌اند، اما در قرآن کریم گرچه از معجزات پیامبران سخن به میان آمده اما آن را تنها راه ایمان معرفی نمی‌کند بلکه ایمان می‌تواند بر اساس استدلال باشد که عناصر طبیعی یکی از راه‌های ایجاد تفکر در انسان است، تا از راه آیات به خالق برسد.

۲- در انجیل هم مثل قرآن از تأثیر دعای افراد صالح و کردار آنان در نزول یا قطع باران سخن به میان آمده است.^۱

۳- عهد جدید رابطه خوبی با استفاده از نعمت‌های طبیعی ندارد و مردم را به رهبانیت و زهد و غارنشینی و ترک ازدواج و غذای خوب فرا می‌خواند، اما از نظر قرآن رهبانیت و عزوبت مذموم است و حرام نمودن زینت‌های الهی حلال و مباح را رد کرده است.^۲

۱. رستمی، سیمای طبیعت در قرآن، ص ۱۳۲.

۲. اعراف/۳۲.

تاریخچه قوانین زیست محیطی در ایران

بر اساس تعالیم ادیان باستانی ایران و زرتشت و اسلام همیشه به اخلاق زیست محیطی توجه شده است. در قرن اخیر با پیشرفت صنعت، دولت‌ها نیاز به قانون را ضروری دانستند و در ایران هم مثل سایر ملل قوانینی وضع شد که بطور خلاصه آن را بیان می‌نماییم:

اولین قانون دربارهٔ محیط‌زیست در ایران تحت نام «قانون شکار» در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۳۵ به ثبت رسید. در سال ۱۳۴۶ «سازمان شکاربانی و نظارت بر صید» جایگزین «قانون شکار ایران» گردید و بدین ترتیب اولین دستگاه مستقل دولتی جهت نظارت بر مسائل زیست محیطی کشور شکل گرفت. در همان سال «آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید» مشتمل بر شش فصل و سی و شش ماده طبق تصویب‌نامه مورخ ۴۶/۱۰/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید که در آن تشکیلات سازمان، مقررات مربوط به شکار و تکثیر و پرورش و خرید و فروش حیوانات وحشی و امور مربوطه به مناطق سازمان در آیین‌نامه مذکور مشخص شده است.

در سال ۱۳۵۰ نام «سازمان شکاربانی و نظارت بر صید» به «سازمان حفاظت محیط زیست» تغییر کرد و امور حفاظت محیط زیست از جمله پیشگیری و ممانعت از اتفاقات زیان‌بخش بر تعادل و تناسب محیط زیست نیز علاوه بر اختیارات قبلی از وظایف آن سازمان شناخته شد.

در سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون ۲۱ ماده‌ای «حفاظت و بهسازی محیط زیست»، این سازمان از اختیارات و صلاحیت‌های قانونی جدیدی برخوردار شد و در عملکرد و ساختار تشکیلاتی و کیفیت، تا حدی وضعیتی مناسب با ضروریات برنامه‌های رشد و

توسعه به خود گرفت. اما نکته جالب توجه آن است که آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در سال ۱۳۵۴ به تصویب هیئت وزیران وقت رسید.

مهم‌ترین تحول در زمینه تقویت مقررات و تضمین اقدامات زیست محیطی مربوط به بعد از انقلاب اسلامی است که با تصویب اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. در حقیقت با اختصاص یک اصل از اصول قانون اساسی به امر حفاظت از محیط زیست، بر ضرورت و اعتبار اجرایی مقررات مربوطه به محیط زیست تأکید شده است. بنا بر ضرورت تجدید نظر اساسی و کلی در زمینه اصول و قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست و تطبیق قوانین حفاظت زیست که در بر گیرنده کلیه ابعاد، احکام و ضوابط مربوط به فعالیت‌های مؤثر بر محیط زیست در طی سال‌های مختلف تاکنون است، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در کل جهان در مناطق حفاظت شده (بنگاه‌های حیات وحش)، از گونه‌های نادر مراقبت می‌شود و قاعداً اگر کسی اقدام به نابودی این گونه‌ها کند، به جریمه‌های سنگین محکوم می‌گردد. خراب کردن زیستگاه‌های گونه‌های نادر هم جرم محسوب می‌شود. زیست‌شناسان، محیط زیست‌بانان و طرفداران سلامت محیط زیست به اجرای قانون حفاظت جمعیت‌های حیات وحش و گیاهان کمیاب کمک می‌کنند.

موضوع حفاظت منابع زیست محیطی، یکی از اصول قانون اساسی کشور ما را تشکیل می‌دهد. با تخریب اکوسیستم‌های طبیعی، محیط زیست انسان‌ها نیز از بین می‌رود و بهترین دلیل این مدعا، پیشرفت کویر در سطح کشور می‌باشد که با رعایت این امر فقر و محرومیت به دنبال خواهد داشت. فقر و محرومیت، در صورت وجود

نووعاً متوجه افراد فراوانی می‌شود؛ از این رو دولت بایستی جهت استفاده از منابع، تدابیر خاصی را پیش‌بینی کند.

در این خصوص اصل چهل و هشتم مقرر می‌دارد: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق کشور، نباید تبعیض در کار باشد. به طوری که حتی هر منطقه، فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد».^۱

به عبارت دیگر قوانین زیست محیطی را باید عامل بازدارنده زیاده‌طلبی و سودجویی واحدهای خصوصی دانست؛ در عین حال نباید پنداشت که مجموعه محیط زیست، مطلقاً آدمی را از دست زدن به طبیعت منع می‌کند، بلکه آنچه مسلم است، این مقررات و قواعد، انسان را به استفاده معقولانه، اندیشمندانه و متناسب با آن فرا می‌خواند.

تاریخچه اخلاق زیست محیطی در غرب

شأن اخلاقی برای حیوانات، از زمان فیلسوفان پیش از سقراط بحث شده است، اما کلاً از زمان کانت و روسو به بعد بود که از ارزش ابزاری داشتن به ارزش ذاتی داشتن تبدیل شد. از باب مثال، ارسطو مدعی است که:

«طبیعت و هر آن چه در آن است، خصوصاً برای انسان ساخته شده است و صرفاً ارزش سودمندی برای انسان دارد».^۲

متفکران ارسطویی و رواقی گفته‌اند: هدف از زندگی اشیاء همان محافظت از خودشان است. می‌توان گفت مفهوم اخلاقی در آثار فیلسوفان پیش از سقراط در بین

۱. مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۲.

2. Aristotle. Politics, trans. E. Barker, Oxford university press 1948.

یونانیان قدیم دیده می‌شود. هم‌چنین مطالبی در این مورد در متون ادبی و فرهنگی غرب آمده است مثل: برادران و شرکاء در شکسپیر.^۱

اما باید گفت که اساساً زمینه جدید این مباحث در قرن ۱۸ پی‌ریزی شد. در قرن ۱۸ بود که فیلسوف فرانسوی ژان ژاک روسو گفت: روابط اخلاقی ما فراتر از حیوانات است که شامل گیاهان و دیگر موجودات هم می‌شوند.

یعنی این روسو بود که برای اولین بار در غرب اخلاق زیست محیطی را مطرح کرد. کلاً ارزش اشیاء طبیعی در میان متفکران متفاوت است،^۲ اما کلاً باید گفت که اخلاق زیست محیطی در سال ۱۹۷۰ نظمی فلسفی یافت که آن هم به صورت یک چالش در انسان‌گرایی سنتی مطرح شد که در آن برتری اخلاقی انسان‌ها بر دیگر موجودات مسلم فرض شده است.^۳

تمرکز اصلی اخلاق زیست محیطی بیشتر بر جنبه‌های خاص طبیعت بوده است. این جنبه‌ها مثل رشد فزاینده جمعیت و آلودگی می‌باشند.^۴ اهداف عملی اخلاق زیست محیطی، توسعه زمینه‌های اخلاقی محیط زیست، همان نظم اجتماعی و محافظت از محیط زیست زمین و اصلاح تنزلات آن است.

در گرایش انسان‌گرایی نسبت به محیط زیست، سعی بر این است که از ارجاع ارزش‌های ذاتی به محیط زیست طبیعی جلوگیری کند و ارزش‌های ذاتی را به ابزاری قرار دادن طبیعت منسوب کند که آن مفاهیم، مفاهیمی غیر انسانی است. این اهداف

1. Environmental Ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, version1,0,(London and New York: Routledge(1998).

2. Ibid

3. Environmental Ethics, (standford Encyclopedia of philosophy, 2002).

4. Environmental Ethics, Routledge Encyclopedia of philosophy, version1,0,(London and New York: Routledge(1998).

عملی تأثیر بسزایی در هدایت پیامدهای عملی داشته است.^۱ بر خلاف این سنت اخلاقی انسان‌گرایانه، رادیکال‌ترین نظریه در برابر آن می‌گوید: «محیط زیست غیر انسانی، ارزش ذاتی دارد».

امروزه در تفکر ما، تسلط انسان‌گرایی بر محیط زیست را می‌بینیم که این روند، محیط زیست را کاملاً وابسته به انسان می‌سازد. اما باید توجه داشت که خود انسان نیز در این روند اسیر و پیرو این آشوب می‌شود که دیگر واقعاً نه انسان اصل است و نه طبیعت، بلکه هر دو در این جریان لا ینقطع غرق شده‌اند و باید برای رهایی از این روند، ارزش‌ها را زنده کرد.^۲

در حدود چهار نسل قبل بود که اروپای غربی و آمریکای شمالی ترتیب ازدواج علم و فن آوری را دادند و این اتحاد دو رویکرد نظری و تجربی نسبت به محیط طبیعی ما بود. سابقه ظهور گسترده علمی این اعتقاد بیکن (فیلسوف، مقاله نویس و رجل سیاسی انگلیس ۱۶۲۶-۱۵۶۱م) را که معرفت علمی به معنای سلطه فناورانه بر طبیعت است، مسلماً نمی‌توان به پیش از حدود ۱۸۵۰ باز گرداند، جز در مورد صنایع شیمیایی که این سابقه به سده هیجدهم باز می‌گردد. پذیرش این اعتقاد، به عنوان یک الگوی عملی متعارف، می‌تواند حاکی از بزرگترین رویداد تاریخ بشری، از زمان ابداع کشاورزی به بعد، و نیز شاید بزرگترین رویداد سایر ساحت‌های تاریخ کره زمین (غیر از ساحت بشری آن)، باشد.^۳

1. Environmental Ethics, (standford Encyclopedia of philosophy, 2002)

2. Environmental Ethics, (standford Encyclopedia of philosophy, 2002).

۳. پویمان، لویی پ، اخلاق زیست محیطی، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۶۹.

در قرن ۱۹ و ۲۰ بود که بر محیط زیست، نظری فلسفی افکنده شد و در دهه ۷۰، صرفاً به عنوان یک رشته آکادمیک مطرح شد. مسائل روابط انسانی با محیط زیست طبیعی در قرن ۲۰ به صورت دانشی گسترده در آمد.^۱ در میان آثاری که در دسترس است، بین محیط زیست و سلامتی رابطه‌ای مستقیم دیده می‌شود.^۲

لئوپلد^۳ سرچنگلدار و بعداً استاد مدیریت شکاربانی در دانشگاه ویسکانسین تلاش کرد الگو و سرمشق جدیدی به وجود آورد که از طریق آن اخلاق و رفتار ما را ارزیابی کند. ما باید، به جای این که محیط زیست را صرفاً منبعی برای آدمی بنگریم، باید به آن به عنوان کانون و مرکز ارزش نظر کنیم. اساساً جامعه زیستی است که ارزش دارد و این امر باید حساسیت‌های اخلاقی ما را هدایت کند. از این رو، انسان‌ها باید نقش خود را از فاتح زمین - اجتماع (زیستی) به عضو برنامه‌ریز و شهروند آن تغییر دهند. ما باید وجدان اجتماعی خود را از مردم به نظام های زیستی و به زمین (اراضی) گسترش دهیم.^۴

برد کلیکات^۵ (متولد ۱۹۴۱) استاد فلسفه و منابع طبیعی در دانشگاه ویسکانسین در استیونر پوینت و مؤلف چندین کتاب درباره فلسفه زیست محیطی است. کلیکات تبعات فلسفی «اخلاق زمین» لئوپلد را پی می‌گیرد و نشان می‌دهد که این فکر ریشه در

1. Environmental Ethics, Routledge Encyclopedia of Philosophy, Version 1, . (London and New York: Routledge (1998).

2. Environmental Ethics, (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2002).

۳. آلدولنولند (۱۹۴۷-۱۸۸۷) در اداره جنگلبانی ایالات متحده آمریکا مشغول به کار بود و نخستین استاد رشته مدیریت حیات وحش در دانشگاه ویسکانسین بود. او را پدر اخلاق زمین می‌دانند.

۴. پویمان، پیشین، صص ۳۹۳-۳۶۳.

5. Berd Kelikat

مکتب احساسات‌گرایی اسکاتلند قرن هیجدهم دارد که بنیانگذارانش، دیوید هیوم و آدام اسمیت، می‌گفتند اخلاق مبتنی بر همدلی یا احساسات طبیعی است. کلیکات می‌گوید: ادعای لئوپلد این نیست که ما باید نیازهای اولیه انسان را فدای محیط زیست کنیم، بلکه این است که به خویشتن به عنوان اعضای اجتماع زیست محیطی گسترده‌تری بنگریم.^۱

۱. سادات حسینی، اخلاق محیط زیست، ص ۳۱.

فصل چهارم

مبانی و اصول اخلاق زیست محیطی در قرآن

بنیادهای اخلاق زیست محیطی در قرآن

در قرآن به محیط زیست سالم و عدم تخریب آن توجه زیادی شده است. در آیات قرآن به قوانین و مقرراتی اشاره شده است که متضمن نظم و توازن هستی و موجودات عالم طبیعی است و آدمی مکلف به رعایت آنهاست. تصرف انسان در حدی مجاز است که قدر و اندازه آن^۱ ملاک عمل قرار گیرد و تغییرات در پدیده‌ها سبب از بین رفتن گونه‌های طبیعی نشود.

بخشی از آیات قرآنی درباره موجودات طبیعی و محیط زیست می‌باشد. از مجموع شش هزار و دویست و هشتاد و شش آیه، صد و نود و هشت مورد با مضامین محیط‌زیست می‌باشد که صد و چهل و پنج مورد آن مکی و پنجاه و سه مورد مدنی است. لفظ زمین (أرض) چهارصد و چهل و چهار بار در قرآن آمده است که نود و هشت مورد، شامل شصت و پنج آیه مکی و سی و سه آیه مدنی، به مسائل محیط زیست مربوط می‌شود.^۲

غیر از آیاتی که در آنها لفظ «أرض» آمده است، صد آیه دیگر در مورد محیط طبیعی و زیستی می‌باشد.^۳

از صد و چهارده نام سوره، سی و یک مورد با نام‌های طبیعی و حیوانات است. هم‌چنین ارجاع انسان به طبیعت و خلقت از خاک به کرات در قرآن مورد توجه قرار گرفته است.^۴ پدیده‌های طبیعی در قرآن به عنوان آیات الهی و نشانه‌های قدرت خداوند

۱. رعد/۸.

۲. مدنی، سید عبدالله، بررسی سیستمی مواهب الهی در برگ‌های سبز طبیعی، مجموعه مقالات، ص ۵۹.

۳. نحل/۱۳ و بقره/۱۲ و انعام/۱۱ و روم/۱۰ و عبس/۸ و آیات دیگر.

۴. حج/۲۲ و آیات دیگر.

نام برده شده‌اند. کوهها با عنوان جَبَل، جِبَال، و رَوَاسی^۱ و درختان و ستارگان^۲، سیارات و حیوانات دریائی و فوائد آن‌ها^۳ و جنگل‌ها و مراتع^۴ در کتاب مبین آمده است.

۴-۱- مبانی محیط زیست در قرآن

الگوهای قرآنی در حفاظت از محیط زیست شامل اهداف، مبانی و اصول می‌باشد. زیر ساخت‌ها و پایه‌های بنیادی که اصول و اهداف زیست محیطی از آن استفاده می‌شوند مبانی اعتقادی هستند. برای تبیین مبانی اخلاق زیست محیطی در قرآن کریم، جایگاه مظاهر طبیعی و مقام انسان در قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف- جایگاه مظاهر طبیعی در قرآن

درباره طبیعت و ارزش آن و جایگاه مخلوقات طبیعی موارد ذیل مورد توجه قرآن است:

۱- مالکیت عالم هستی از آن خداست و منابع طبیعی بخشی از این عالم هستند که مالک حقیقی آن خداوند و مالک اعتباری آن انسان‌ها هستند و در آیات به این نکته اشاره شده است^۵ تا بشر خود را مالک علی‌الاطلاق منابع نداند و برخورد نادرست با آن‌ها نداشته باشد.

۲- منابع این جهان به عنوان امانت در دست انسان است و او امانت‌دار خداوند است و باید تصرف او در طبیعت مطابق با دستورات الهی باشد. در آیات قرآن کریم

۱. غاشیه/۱۹.

۲. الرحمن/۶.

۳. نحل/۱۴.

۴. عیس/ ۳۲ - ۲۶.

۵. الله ما فی السموات و الارض ... (لقمان/ ۲۶).

تأکید شده است که برای رضایت الهی از امواتان انفاق کنید^۱ و در روایات زیادی، اموال، عاریه و امانت الهی است که خداوند آن را نزد خلق ودیعه گذاشته و باید به صاحب اصلی آن (خداوند) باز گردد.^۲

۳- طبیعت به زندگی بشر حیات بخشیده است. از دیدگاه قرآن همه اجزای طبیعی عالم از نعمات الهی است و وجود و بقای انسانها به آنها وابسته است. اصل پیدایش حیات عالم مادی از آب است و دریاها، اقیانوسها، حیوانات و گیاهان منابع غذایی و منبع رفع نیازهای ضروری بشر هستند.^۳

ب- جایگاه انسان در قرآن

۱- مهمترین نکته در این بحث کرامت انسان است که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. در مورد کرامت ذاتی انسان در آیه شریفه می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۴، ما به انسانها کرامت بخشیدیم.

علامه طباطبایی در المیزان در معنای آن می گوید: مقصود از کرامت، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد و با همین خصوصیت است که معنای تکریم با تفضیل فرق پیدا می کند؛ چون تکریم معنایی نفسی است و در تکریم کاری به غیر نیست، بلکه فقط شخص مورد تکریم منظور نظر است که دارای شرافت و کرامتی بشود ... انسان در میان موجودات عالم خصوصیتی دارد که

۱. حدید/۷.

۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲۳.

۳. در فصول مربوطه اهمیت هر یک از منابع خواهد آمد.

۴. اسراء / ۷۰.

در دیگر موجودات نیست و آن نعمت عقل است و معنای تفضیل انسان بر مخلوقات دیگر این است که در صفات دیگر (غیر از عقل) هم برتری دارد.^۱

۲- در قرآن کریم خلافت انسان از طرف خداوند در زمین، یکی از اصول مهم انسان شناسی و جایگاه انسان در عالم است که کرامت انسان مرهون خلافت اوست.^۲ خداوند هدف از خلقت و نزول انسان بر زمین را جانشینی خود بیان می‌فرماید: من در زمین جانشین قرار می‌دهم، ملائک گفتند آیا کسی را قرار می‌دهی که فساد کند در حالی که ما به حمد تو مشغول هستیم و تو را تقدیس می‌کنیم. فرمود: «من می‌دانم آنچه شما نمی‌دانید».^۳

با همه کرامت و شرافت انسان بر دیگر موجودات و مقام خلیفة اللّهی، بستگی به رفتار او با خالق و مخلوقات و محیط زیست می‌تواند از فرشتگان برتر شود و به مقام مورد نظر دست یابد، اما در صورت عدم استفاده از این ظرفیت با لقوه‌ای که خداوند در اختیارش قرار داده است و ارتکاب فساد در زمین از حیوانات هم پست‌تر خواهد شد.

ج- مصالح فردی و اجتماعی در قرآن

انسان به عنوان یکی از موجودات عالم در جامعه و زندگی اجتماعی از دو جهت مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد: انسان به عنوان فرد و به عنوان عضوی از جامعه. آدمی از جنبه زندگی فردی دارای منافع و مضارری است و از جهت زندگی اجتماعی هم مصالح عموم افراد جامعه یا ضررهای آن مورد توجه اندیشمندان است. یکی از این

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۵۶

۲. جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۲۴

۳. بقره/ ۳۰.

موارد، مسائل زیست محیطی است. در پاسخ به این پرسش که در حالت تضاد بین منافع فردی و اجتماعی کدام مقدم است، دو دیدگاه افراطی دیده می‌شود. اول، فردگرایی افراطی که طبق آن جامعه غیر اصیل است و اصالت با فرد است و در مقابل، جامعه‌گرایی افراطی است که بر اساس آن فرد هیچ استقلالی ندارد و همیشه محکوم و مقهور جمع است و اصالت با جامعه است. در قرآن این دو دیدگاه رد می‌شود و فردگرایی و جامعه‌گرایی متعادل به عنوان دیدگاه سوم مورد توجه قرار می‌گیرد. یعنی هم فرد حقیقی است و هم جامعه و هیچ کدام اعتباری نیستند. در این صورت تعارض بین منافع فردی و اجتماعی به وجود می‌آید، که قرآن کریم آن را حل کرده است.

توصیف انسان در قرآن به دو شکل و همچون دو روی یک سکه دیده می‌شود. در یک نگاه ناسپاس و حریص و ظلوم و جهول است^۱ و در نگاه دیگر خلیفه خداوند و امانت دار الهی و دارای کرامت و شرافت ذاتی است.^۲ در صورتی که انسان به دستورات الهی بی توجه بوده و مصداق آیات دسته اول باشد، این تعارض پیش می‌آید؛ اما در صورتی که عامل به دستورات دینی باشد، از خودخواهی و زیاده طلبی رها می‌شود و منافع فردی او با منافع جمعی متعارض نمی‌گردد.

د- حیات معنوی و شعور باطنی عناصر طبیعی

۱. احزاب / ۲۲.

۲. اسراء / ۷۰.

در نوع نگاه به عالم طبیعت دو نگرش وجود دارد: یکی نگاه مادی و دیگری نگرش الهی است و بر این اساس دو نوع برخورد با طبیعت و روش بهره‌برداری از آن دیده می‌شود. در دیدگاه مادی، طبیعت ماده‌ای بی‌جان و فاقد شعور و معنا است که هر گونه تصرف در آن به منظور کسب ثروت مجاز بوده و هیچ‌گونه حقی برای طبیعت قائل نیست؛ اما در دیدگاه دینی، طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات است که تخطی از قوانین حاکم بر آن، باعث هلاکت عناصر و اعضاء خاکی آن می‌شود.

بر اساس این دو دیدگاه و دو روش استفاده، دیدگاه ابزارگرایانه و ذات‌گرایانه شکل می‌گیرد. در نگرش الهی تسخیر طبیعت برای انسان مشروع است، اما این مشروعیت بی‌حد و حصر نیست و استفاده از مواهب الهی محدود به مقررات است و آن‌ها آیات الهی و دارای ارزش هستند؛ اما در دیدگاه مادی، عناصر طبیعی صرفاً ابزار سود و منفعت انسان هستند که با این نگرش، بحران زیست محیطی بوجود می‌آید، اما در نظریه دینی تعالیم زیادی برای حفظ محیط زیست دیده می‌شود.^۱

۴-۲- اهداف قرآن از طرح مسائل طبیعی

هنگامی قرآن بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد که توده‌های سهمگین و ابرهای تاریک بر افکار بشر سایه افکنده بود و انسان‌ها در میان باورهای خرافی فراوانی متحیر و سرگردان بودند. خدایان بسیار، معبود انسان بودند و اقوام مختلف هریک بر پای بتی بوسه می‌زدند. در این شرائط قرآن به تصحیح باورها پرداخت و بشر را به خدای حقیقی متوجه ساخت و از مظاهر طبیعی برای اثبات حقائق غیرمحسوس کمک گرفت.

۱. محمدی، یوسف، محیط زیست و چالش‌های آن از منظر قرآن، ص ۱۰۲.

از دیدگاه قرآن، هدف غایی جهانشناسی افزایش معرفت انسان‌ها درباره خداوند و تقرب به اوست و برای رسیدن به این هدف اصلی، اهداف متوسط دیگری از طرح پدیده‌های طبیعی در بیان قرآن دیده می‌شود که عبارتند از:

۱- اثبات خالق و صانع

یکی از اهداف مهم قرآن راهنمایی انسان‌ها به وجود خداوند متعال است. قرآن کریم با نمونه‌هایی از نحوه آفرینش موجودات و حکمت‌هایی که در خلقت آن‌ها به کار رفته است با شواهدی بشر را به وجود پروردگار عالم رهنمون می‌سازد. در برخی از آیات قرآن از راه نظم موجود در هستی یا اثبات توحید و نفی شرک برای تأمین این هدف استفاده شده است: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ * وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»^۱، «بدون شک در آسمان‌ها و زمین نشانه‌های فراوانی است برای مؤمنان و هم‌چنین در آفرینش شما و جنبندگانی که در سراسر زمین منتشر ساخته نشانه‌هایی است برای جمعیتی که اهل یقین هستند».

علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد:

نشانه هر چیز، علامت آن است که بر آن دلالت و به آن اشاره می‌کند و معنای این آیه این است که در وجود آسمان‌ها و زمین جهاتی وجود دارد که دلالت می‌کند خداوند متعال خالق آن‌ها است؛ زیرا آسمان‌ها و زمین ذاتاً نیازمند صانعی هستند که آن‌ها را به وجود آورد و ...^۲.

۲- اثبات ربوبیت مطلقه خداوند بر همه هستی

۱. جاثیه / ۴ - ۳.

۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۵۷.

به هنگام نزول قرآن دشمنان در عین پذیرش خلقت آسمان‌ها و زمین توسط خداوند، توحید ربوبی و تدبیر خداوند بر عالم را منکر بودند و در پرستش و تدبیر عالم به شرکایی برای پروردگار قائل بودند. در برخی آیات با توجه به خلقت مظاهر طبیعی بر تدبیر آن‌ها و توحید ربوبی تأکید شده است: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت هستند و آبی که خداوند نازل کرده ... و ابرهایی که میان زمین و آسمان معلق هستند نشانه‌هایی است برای مردمی که بیندیشند».^۱

۳- نشان دادن صفات الهی

عالم طبیعت و نظم حاکم بر آن شاهدی بر عظمت و قدرت، حکمت و علم و رحمت الهی است. یکی از اهداف قرآن بیدار ساختن انسان از خواب غفلت و تذکر مسائل طبیعی عالم و قوانین حاکم بر آن‌هاست تا از این راه عظمت خالق و اوصاف الهی را به او بنمایاند: «وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا...»^۲، آنچه در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگگی [از درخت] نمی‌افتد مگر این که آن را می‌داند».

۴- اثبات رستاخیز و حیات واپسین

در زمان نزول قرآن برخی افراد و اقوام منکر قیامت بودند. قرآن سعی دارد مسئله حشر آدمی را که از مسائل غیبی است اثبات نماید و یکی از راههای استدلال بر معاد از

۱. بقره/۱۶۴.

۲. انعام/۵۹.

راه پدیده‌های طبیعی است: «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...»^۱؛ «خداوند از آسمان باران را فرستاد و زمین مرده را با آن زنده نمود...».

۵- ردّ اعتقاد به فرزند برای خداوند

انتساب فرزند به خداوند از عقاید انحرافی است که در تاریخ دیده می‌شود. یهودیان عزیر را پسر خدا می‌خواندند و آن را به فرزند معنوی توجیه می‌کردند و مسیحیان معتقد بودند که عیسی فرزند خداست و اعراب جاهلی فرزندان برای خدا قائل بودند و ملائکه را دختران خدا می‌دانستند. قرآن کریم آیاتی در ردّ این باور نادرست دارد که در برخی از آن‌ها با توجه به این که خداوند خالق همه پدیده‌های طبیعی است، چگونه می‌تواند فرزند داشته باشد: «خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است. چطور ممکن است دارای فرزند باشد...»^۲.

۶- تشویق به استفاده از مواهب طبیعی

در جاهلیت و مسیحیت استفاده از برخی مواهب خدادادی را در طبیعت ناروا معرفی کرده و بر خودشان حرام می‌نمودند. قرآن کریم آن‌ها را نعمت‌های الهی دانسته و استفاده مشروع از آن‌ها را حق انسان می‌داند. «خداوند هیچ گونه بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده، ولی کسانی که کافر شدند بر خداوند دروغ می‌بندند»^۳، سائبه، بحیره، وصیله و حام شتر یا گوسفندانی بودند که اعراب جاهلی با شرایطی استفاده از آن‌ها را حرام می‌دانستند و یا بخشی از زراعت و چهارپایان را مخصوص بت‌ها و

۱. نحل/۶۵.

۲. انعام/۱۰۱.

۳. مائده/۱۰۳.

خدمه آنها تلقی می‌کردند و برای عموم حرام اعلام می‌کردند.^۱ قرآن آن را رد کرده و ضمن بیان استفاده از امکانات طبیعی، انسان را به شکرگزاری و کرنش در برابر مُنعم دعوت می‌نماید.

۷- دلداری دادن به انبیاء الهی

با استفاده از برخی مواهب طبیعی به انبیاء الهی آرامش قلبی و دلداری داده می‌شود. از کوه برای دلداری موسی (ع) استفاده می‌شود^۲، و نابود شدن کوه در برابر عظمت جلوه الهی ابزاری برای قوت قلب موسی (ع) قرار گرفت، ولی برای دلداری پیامبر اسلام (ص) نابودی عناصر طبیعی به کار گرفته نشد و قرآن با بیان نعمت‌های فراوان الهی در جهان در صدد تسلی قلب ایشان برآمد.^۳

۸- بیان مبدأ پیدایش موجودات

قرآن کریم مراحل تکون بعضی از پدیده‌های طبیعی، مثل شکل گرفتن ابرها و ایجاد باران و تأثیر آن در حیات عالم^۴، نحوه آفرینش شتر و کوه‌ها و زمین^۵ و کیفیت آفرینش آسمان‌ها و زمین را بیان نموده و به فراگیری علوم تجربی و کشف مبدأ آفرینش تشویق می‌نماید. این راه رسیدن به خداوند از طریق آیات و آفاق و آنفس است که با واسطه نظم حاکم بر عالم، انسان را به خالق متعال و ناظم قادر متوجه می‌سازد.

۱. انعام/ ۱۳۸.

۲. اعراف/ ۱۴۳.

۳. فرقان/ ۵۴-۴۳.

۴. روم/ ۴۸.

۵. غاشیه/ ۲۰-۱۷.

۹- بیان حق‌مداری و هدف‌داری پدیده‌های طبیعی

در بسیاری از آیات، وجود انسجام و هدفمندی طبیعت دلیلی بر حکمت الهی و حق‌مداری عالم است و انسان‌ها به کشف نظام و قوانین حاکم بر عالم تشویق شده‌اند، و بر این نکته تأکید می‌شود که اتفاق و تصادف در حوادث طبیعی راه ندارد و آفرینش عالم لهو و عبث و بیهوده نیست:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»^۱؛ «آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها

است را عبث و بیهوده نیافریدیم».

هم‌چنین در آیات دیگری با تکیه بر این که آسمان‌ها بدون ستون آفریده شده‌اند^۲، و هر چیزی در اندازه معین قرار داده شده^۳ و امر به تفکر در خلقت زمین و آسمان^۴ بر هدفمندی نظام خلقت و سنن الهی حاکم بر آن اشاره دارد.

۱۰- افشاء منافقان

در سیر تاریخی زندگی اجتماعی انسان‌ها یکی از عوامل مزاحم در طریق هدایت آن‌ها به حیات طیبه، وجود نفاق و افکار و رفتار منافقانه بوده است. قرآن کریم برای شناساندن این تفکر انحرافی از مثال زدن به مظاهر طبیعی بهره گرفته است و از این طریق راه نفاق را نشان می‌دهد تا افراد در گمراهی و ضلالت دچار نشوند.

«آنان همانند کسانی هستند که در دل شب ظلمانی آتشی برافروخته‌اند تا در پرتو

نور آن راه را از بیراهه بشناسند، ولی همین که شعله آتش اطراف آنان را روشن

۱. دخان / ۳۹.

۲. رعد / ۲.

۳. فرقان / ۲.

۴. روم / ۸.

ساخت، خداوند آن را خاموش می‌سازد و در تاریکی رهایشان می‌سازد؛ به طوری که چیزی را نبینند».^۱

۱۱- سرزنش کافران

قرآن کریم با بهره گرفتن از مثال‌های طبیعت، حالات و اعمال کافران را ترسیم کرده است. «اعمال کافران همچون ظلماتی است در دریای پهناور که موج آن را پوشانده و بر فرازش موج دیگری است و ابری تاریک هم بر فراز آن دریا ...».^۲

هم‌چنین تشبیه اعمال کافران به سراب در یک صحرای خشک و سوزان^۳ و تشبیه به خاکستر در برابر تندباد^۴ از مثل‌هایی است که در این موضوع به کار گرفته شده است.

۱۲- تشویق مردم به ایمان و انفاق در راه خدا

قرآن از نمونه‌های مواهب الهی در زمین جهت ترغیب به ایمان و تقوی و بخشش به دیگران استفاده نموده است.

«اگر مردم ساکن در آبادی‌ها ایمان آورند و تقوی پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها فرود می‌آوریم».^۵ علامه طباطبایی در تفسیر برکات می‌گویند: مقصود از

۱. بقره / ۱۷.

۲. نور / ۴۰.

۳. نور / ۳۹.

۴. ابراهیم / ۱۸.

۵. اعراف / ۹۶.

برکات آسمانی، باران و برف و سرما و گرما در وقت خود و مقدار سودمند از آنها است و مقصود از برکات زمینی گیاه و میوه و ... است.^۱

در مورد ارزش انفاق و ترغیب به آن به یک بذری که از آن هفت خوشه برآید که هر خوشه صدदानه باشد، مثال آورده شده است.^۲

۱۳- بزرگداشت دین اسلام

قرآن در عظمت دین اسلام سخن زیادی دارد و آن را با فطرت آدمی سازگار می‌داند که به تدریج رشد خواهد کرد و در دل انسان‌ها جای خواهد گرفت. قرآن برای بیان این حقایق از نمونه‌های طبیعی بهره می‌گیرد و پیامبر(ص) و دین را به بذری تشبیه می‌کند که جوانه می‌زند و محکم می‌شود و در مقابل بادهای و طوفان‌ها ایستادگی می‌کند.^۳

قرآن کریم در توضیح کلمه طیبه و کلمه خبیثه آن‌ها را به درخت پاک و درخت ناپاک تشبیه کرده است: «کلمه پاک چون درختی پاک است که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌هایش در آسمان است. به فرمان خدا هر زمان میوه‌اش را می‌دهد ... و کلمه ناپاک مثل درخت ناپاک است که ریشه در زمین ندارد و استوار نمی‌ماند ...».^۴

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۵۰.

۲. بقره/ ۲۶۱.

۳. فتح/ ۲۹.

۴. ابراهیم/ ۲۵-۲۴.

مقصود از کلمه طیبه «اعتقاد صحیح ثابت» است که همان اعتقاد و ایمان به توحید است که اگر بر آن پایداری شود دچار زوال و نابودی نمی‌گردد و آبادانی جهان انسانی چنان که شایسته اوست، ایجاد خواهد شد.^۱

در آیه شریفه، ایمان و اسلام به درخت پاک تشبیه شد، از این جهت که دین اسلام دارای رشد و پیشرفت است و دستوراتش سراسر پاکی است و باعث طهارت و تزکیه انسان می‌شود مثل درخت که در حال رشد است و سبب پاکی محیط از گازهای مضر برای انسان است. درخت دارای ریشه و شاخه است که هر کدام وظیفه‌شان را انجام می‌دهند، اسلام نیز ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و شاخه‌هایش مثل شاخه‌های درخت که از گرد و غبار زمین دورترند، باعث پویایی و پیشرفت بشر به سمت اخلاق متعالی هستند و از نور وجود پروردگار تغذیه می‌شوند و به بندگان خدا ثمرات تازه‌ای از هدایت الهی را هدیه می‌دهند.^۲

۱۴- اخبار از پایان جهان

قرآن کریم با تکیه بر پدیده‌های طبیعی و ابدی نبودن وجود آن‌ها از پایان عالم مادی خبر می‌دهد. از دیدگاه اسلامی حیات موجودات نه ازلی است و نه ابدی، یعنی حادث هستند و از عدم آفریده شده‌اند و جاویدان و همیشگی هم نیستند و روزی فنا و زوال بر عالم چیره خواهد شد. در سوره تکویر می‌فرماید:

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۵۰.
 ۲. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۹، ص ۱۱۷.

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ»؛^۱ «آنگاه که خورشید بی فروغ گردد و ستارگان فرو ریزند و کوه ها از جای خود کنده شوند».

«وَ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ إِذَا الْكُوكَبُ انْتَشَرَتْ وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ»؛^۲ «آنگاه که آسمان بشکافتد و ستارگان پراکنده شوند و دریاها به هم پیوندند».

نتیجه این که قرآن کریم با استفاده از نمونه‌های طبیعی، اهداف برتر انسانی را به بشر توجه می‌دهد. جهان‌شناسی در کتاب الهی به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای فهماندن اهداف ذکر شده‌ای است که بشر برای هدایت و وصول به سعادت و کمال روحانی به آن‌ها نیازمند است. در واقع جهان‌شناسی قرآنی، مقدمه و وسیله‌ای جهت شناخت مبدأ و معاد و قرب الهی می‌باشد.

۴-۳- محیط زیست در آیات قرآن

با نگاهی به قرآن کریم، می‌توان دریافت که محیط زیست و تلاش برای حفظ و حمایت از آن، برای برخوردار شدن بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

آیات متعددی در قرآن بر این مسأله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- آیاتی از قرآن که محیط زیست را حق همگانی می‌داند. این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها خلق کرده است.^۱

۱. تکویر/۳-۱.

۲. انفطار/۳-۱.

خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۲ «و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه

را که در زمین است، برای شما آفرید».

این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند؛ که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها در همه دوره‌ها صورت پذیرد. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»^۳ «شما را از امکانات زمین

بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم». این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است و داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است.

در آیه ۱۰ سوره الرحمن آمده است: «وَالْأَرْضُ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ «و (خداوند) زمین را

برای همگان قرارداد».

بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود.

۱. ر.ک: گرجی، ابوالقاسم، اسلام و محیط زیست، مجله نور علم، ش ۴، س ۱۱۵.

۲. بقره ۲۹۱.

۳. اعراف / ۱۰.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود.

۲- آیاتی از قرآن که آفرینش عناصر محیط زیست را برای انسان می‌داند:

در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آن‌ها برای انسان تأکید می‌کند.

در سوره نحل خداوند می‌فرماید:

«وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ»^۱ «چهار پایان را آفرید که برای

شما از آن‌ها گرم (جامه‌های گرم) و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آن‌ها می‌خورید».

در همین سوره خداوند هم‌چنین می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...»^۲، «اوست (خدایی) که از آسمان‌ها آب فرستاد که

از آن می‌آشامید و بدان درخت و گیاه می‌روید، که در آن (رویده‌ها)، دام‌های خود را می‌چرانید».

و در آیه بعد می‌فرماید:

۱. نحل / ۵.

۲. نحل / ۱۰.

«بُنِيَتْ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعُ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»^۱ «و با آن برایتان کشتزارها و درخت‌های زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می‌رویند».

در سوره نمل نیز خداوند می‌فرماید:

«وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ»^۲ «برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستان‌هایی شادی‌انگیز رویانیدیم».

این دسته از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این است که آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسان‌ها است و همه انسان‌ها حق دارند از این الطاف الهی بهره‌مند شوند و هیچ کس نمی‌تواند این حق خدادادی را از آن‌ها سلب کند.

تعبیراتی نظیر: «لکم = برای شما»، «الناس = مردم» و «الانام = همگان»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند که این نعمت‌ها، برای همه مردم و حق همه آن‌هاست و صرف نظر از هرگونه عاملی - همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و ... - همه حق دارند تا از این نعمت ارزشمند الهی بهره‌مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند.

۳- آیاتی از قرآن که محیط زیست و عناصر آن را مسخر انسان می‌داند:

دسته‌ای از آیات قرآن هستند که در آن‌ها واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسان‌ها به کار رفته است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه

۱. نحل / ۱۱.

۲. نمل / ۶۰.

آن‌ها بهره‌برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد. در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن مانند تسخیر خورشید و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن، مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین^۱ برای این که حق انسان در استفاده و بهره‌برداری از طبیعت را در این قسم از آیات بیان کنیم، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

خداوند در سوره نحل می‌فرماید:

«وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...»^۲ «خداوند، خورشید و ماه را مسخر شما ساخت».

و در سوره دیگر چنین می‌فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ...»^۳ «خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد».

و در جای دیگر اشاره می‌کند:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»^۴ «آیا ندیدید که

خداوند آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است، مطیع شما کرد».

در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ...»^۵ «آیا ندیدی خداوند آنچه را که در زمین

است، مسخر شما ساخت».

و موارد فراوان دیگری که بر همین معنا دلالت دارند.^۶

۱. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۵۶.

۲. ابراهیم / ۳۳.

۳. نحل / ۱۲.

۴. لقمان / ۲۰.

۵. حج / ۶۵.

۶. به عنوان نمونه ر. ک. : حج / ۳۶؛ نحل / ۱۴.

استاد شهید مرتضی مطهری، در مورد این آیات گفته است:

«در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوه‌ها، باد و هر چه در آسمان و زمین است، یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره‌برداری انسان هستند».^۱

از آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسان‌ها در همه دوران‌ها است. بنابراین، در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود. به عنوان مثال، علم و فناوری، مهمترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده روی کند، ثمره‌ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و

۱. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۷.

به طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می خواهد، اما زیاده روی در این امر باعث شده که کار از دست انسان خارج شود، به گونه‌ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره‌های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است.^۱

با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه‌ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند.^۲ به عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست به شیوه‌ای باشد که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین جهت، استفاده از آن به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این نعمت‌ها وسیله‌اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان‌گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه‌ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛^۳ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون برخورداری از محیط زیستی امن و سالم امکان پذیر نخواهد بود.

تا اینجا بیان کردیم که انسان حق دارد از محیط زیست سالم برخوردار باشد و آیات قرآن هم بر همین امر دلالت می‌کند. اما نکته مهم این است، که هر حقی، تکلیفی را در پی دارد؛ یعنی همان طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد، این

۱. اصغری لقمجانی، صادق؛ مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، ص ۸۷.

۲. ربانی، محمد، بهره‌گیری شایسته از محیط‌زیست با الهام از تعالیم اسلام، ص ۲۳۳.

۳. اصغری لقمجانی، پیشین، ص ۹۲.

تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیستی سالم، محروم کند، خودداری نماید.

بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوبهایی است که باید آنها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز بین انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود.

بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است:

«وَأَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۱ «خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما وا گذاشت».

از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آبادکردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است.

نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را به عهده دارد^۲ و مفهوم آیه

۱. هود/۶۱.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، پیشین، ج ۹، ص ۱۵۱.۷

این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود.

قرآن کریم بارها بر رفتارهای سازنده و اصلاح گرانه تأکید کرده - که به طور قطع، یکی از رفتارهای اصلاح گرانه در زمین حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست است - و در مقابل، از رفتارهای فسادانگیز نهی کرده است. در قرآن کریم در بسیاری موارد، واژه «صلاح» در مقابل «فساد» آمده است:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...»^۱ «و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید».

بدون شک، تخریب، نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است. همانگونه که در آیه بالا هم آمده است، در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الارض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط زیست نیز خواهد بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آن‌ها را مصداق بارز فساد می‌داند و خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید:

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْفُسَادَ»^۲ «هنگامی که روی بر می‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد».

۱. اعراف / ۵۶.

۲. بقره / ۲۰۵.

از آیات یاد شده استفاده می‌شود که فساد دارای مفهومی بسیار گسترده است و شامل هرگونه نابسامانی، ویران‌گری، انحراف و ظلم می‌گردد. به عبارت دیگر فساد به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آفرینش را دچار مخاطره کند. یکی از نظم‌های موجود در آفرینش، نظم حاکم بر طبیعت و محیط زیست است که هرگونه تخریب و نابودی آن، مشمول نهی در این آیات خواهد شد. از این رو، هرگونه رفتاری که به بروز فساد و تخریب در عرصه محیط زیست ختم گردد، در تضاد با تعالیم عالیه اسلام بوده و ممنوع است. بر همین اساس، انسان باید در عین استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست، از هرگونه رفتار غیر اصولی و فسادانگیز در این باره بپرهیزد.

بنابراین، انسان‌ها در عین این که حق استفاده از محیط زیست را دارا هستند، باید این حق را برای دیگران نیز قائل باشند؛ به این معنی که، با سوء استفاده از حق خود، حق دیگران را در برخورداری از محیط زیست سالم، پایمال نکنند.^۱

۴-۴- اصول اخلاق زیست محیطی در قرآن

بر اساس اصل مسؤولیت انسان، دخالت در هستی موجودات دیگر با در نظر گرفتن اصولی که در شرع مقدس مد نظر بوده است، در نظام زیست محیطی قرآنی جایی برای استفاده غیربهبینه و نامناسب از امکانات محیطی که مربوط به زیست انسان‌های نسل آتی آن‌ها می‌شود باقی نمی‌گذارد. و عاملان زیست محیطی به خود حق نخواهند داد از طریق آلوده‌سازی هوا و آب و خاک و بهم‌ریختن اکوسیستم طبیعی و ایجاد آلودگی‌های

۱. فیروزی، مهدی، مبانی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در قرآن کریم مجله رواق اندیشه، ش ۴۴، ص ۷۷.

صوتی و تخریب و نابودی امکانات به نحوی که منابع لازم برای زندگی موجودات، غیرقابل تکرار و تأمین باشد، نسبت به نابودی محیط زیست اقدام نمایند. روشن است که در قرآن اصولی در نظر گرفته شده که به طور خودکار انسان را به سمت تحقق اهداف زیست محیطی هدایت می‌کند:

۱- اصل ممنوعیت ظلم

تحقق اهداف بزرگ و متعالی به سادگی امکان‌پذیر نیست و آنچه از آموزه‌های قرآنی به دست می‌آید این است که خداوند نائل شدن به اهداف را - اگر چه آن اهداف الهی باشد - با هر ابزاری مورد تأیید قرار نمی‌دهد. به همین دلیل در این راستا محدودیت‌هایی برای انسان وجود دارد که این محدودیت‌ها را باید در نظر بگیرد و با توجه به آن‌ها یا روش‌های مورد نظر خداوند متعال در جهت تحقق اهداف تلاش و کوشش نماید. یکی از این محدودیت‌ها ممنوعیت ظلم است. بر این اساس انسان باید در رفتارهای خود درباره محیط زیست از هرگونه ظلم و ستم به انسان‌های دیگر اعم از نسل موجود و ظلم بر دیگر موجودات پرهیز نماید و شکی نیست که هر فعلیتی که به نحوی آلودگی زیست محیطی را به دنبال داشته باشد، از مصادیق بارز ظلم و حرام است و مورد تأیید خداوند نخواهد بود.

آیات زیادی از قرآن بیانگر حرمت و ممنوعیت ظلم است. خداوند برای کسانی که ستمگری پیشه می‌کنند وعده عذاب داده است.

در سوره زخرف آیه ۶۵ می‌فرماید:

«پس وای بر کسانی که ظلم کردند از عذاب روز بزرگ (قیامت)»^۱.

۱. فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ (زخرف ۴۳/۶۵).

و در آیه دیگری می‌فرماید: «و هرکسی از شما که ظلم کند به او عذاب بزرگی می‌چشانیم».^۱

۲- اصل ممنوعیت اتلاف منابع و زیان رسانی به منابع عمومی

برخی از افراد و بنگاه‌های اقتصادی برای افزایش سود خود ممکن است به تخریب محیط زیست اقدام کنند. آلوده ساختن هوا، آب دریاها و رودخانه‌ها، فعالیت‌های تأثیرگذار بر لایه ازن از مصادیق تخریب طبیعت هستند و در پی آن پیامدهای دیگری مانند کوتاه شدن عمر انسان، شیوع بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های پوستی و از بین رفتن برخی گونه‌های گیاهی و حیوانی را به دنبال خواهد داشت و طبق قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و تسبیب، مسبب این پیامدها گناهکار بوده از نظر حکم وضعی نیز ضامن است.^۲

الف - قاعده لاضرر

این قاعده از پرکاربردترین قواعد فقهی است که درباره آن رساله‌های مستقل و غیرمستقلی نگارش یافته است. طبق این قاعده هیچ کس نمی‌تواند فعالیت‌هایی را که به زیان دیگری بینجامد، انجام دهد و در صورتی که هرگونه زیانی از او به دیگری وارد شود، گرچه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران زیان‌وارده است. به همین جهت هر خانوار یا بنگاهی که با مصرف یا تولید خود باعث آلوده‌سازی محیط پیرامون شود، از جهت شرعی ضامن است و در مواردی که طرف مقابل او اجتماع یا نسل آینده باشد، دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم به احقاق حقوق آنان

۱. وَمَنْ يَظْلِمْ مِّنْكُمْ نُدْفَعُ عَذَابًا كَبِيرًا (فرقان/۱۹).

۲. فراهانی‌فرد، سعید، محیط زیست: مشکلات و راه‌های برون رفت از منظر اسلام، ص ۱۰۵.

بپردازد.^۱ این قاعده علاوه بر مستندات شرعی دلایل عقلی محکمی نیز دارد. در واقع باید گفت که مدلول این قاعده جزو مستقلات عقلیه است و مهم‌ترین دلیل بر حجیت آن مدرک و منبع چهارم فقه یعنی عقل است.^۲

بعلاوه در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که با تصریح به واژه ضرر و مشتقات آن در موارد خاص، احکامی را ارائه کرده است که از باب تعلیق حکم بر وصف، حاوی معنای عامی است و لاضرر را به عنوان یک قاعده می‌تواند اثبات کند.

یکی از این آیات، آیه ۲۳۳ سوره بقره است که می‌فرماید:

«نباید مادری به ولدش ضرر برساند و نیز نباید پدری به فرزندش زیان برساند». در

این آیه مادران نهی شده‌اند که با قطع شیر موجب ضرر و زیان فرزند خود شوند.^۳

به آیات دیگری نیز استناد شده که جهت اختصار از ذکر آنها صرف‌نظر می‌شود.^۴

هم‌چنین روایات بسیار زیادی در مورد قاعده لاضرر وارد شده است؛ به حدی که می‌توان گفت به صورت تواتر اجمالی درآمده است، یعنی اگر چه روایات به یک لفظ نیست، اما همگی مضمون واحدی را القاء می‌کنند. معروفترین این روایات همان روایت مشهور سمره بن جندب است که پیامبر اکرم در پایان قضیه به سمره فرمود:

«انک رجل مضار ولا ضرر ولا ضرار علی مؤمن».^۵

۱. صادقی، حسین و سعید فراهانی‌فرد، محیط زیست از منظر دین و اقتصاد، ص ۴۳.

۲. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، ص ۱۳۴.

۳. لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهٗ بَوْلِدِهِ (بقره/۲۳۳).

۴. سوره بقره/۲۳۱، نساء/۱۲، بقره/۲۸۴؛ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، هم‌چنین ر.ک: القواعد الفقهیه، ناصرمکارم شیرازی و قواعد فقهیه، موسوی بجنوردی.

۵. کلینی، فروع کافی، کتاب المعیشه، باب الضرار، روایت ۸۰۲.

به عقیده مرحوم نائینی عمده‌ترین دلیل برای قاعده‌لاضرر کلام پیامبر در ذیل همین روایت است.^۱

ب - قاعده‌اتلاف

بنگاه‌های اقتصادی نوعاً به دنبال افزایش سود خود هستند؛ بر این اساس ممکن است خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا غیرآگاهانه باعث تخریب محیط زیست شوند. تخریب محیط‌زیست شامل آلوده ساختن آب، هوا، رودخانه‌ها، جنگل‌ها، و ... می‌شود. این آلوده سازی عواقب و پیامدهای زیانباری برای انسان و جامعه بشری دارد از جمله گرم شدن کره زمین، افزایش شکاف لایه اذن، کوتاه شدن طول عمر انسان‌ها، عوارض و بیماری‌های پوستی و روانی و از بین رفتن برخی گونه‌های گیاهی و حیوانی. طبق قاعده‌اتلاف و تسبیب هرکسی که مسبب پی‌آمدهای یاد شده باشد گناه کار و ضامن زیان‌های ناشی از آن است.^۲

موجبات ضمان قهری در فقه شیعه سه چیز است: غضب، اتلاف و تسبیب.

مستند قاعده‌اتلاف هم کتاب و هم سنت و هم اجماع و بنای عقلا است.^۳

مستند این قاعده در کتاب، آیه شریفه ۱۹۰ سوره بقره است که بعضی از قدما از جمله شیخ طوسی در مبسوط به آن اشاره کرده‌اند: «هرکس به شما تجاوز کند پس تجاوز کنید بر او به مثل آن چیزی که تجاوز کرده است بر شما».^۴

روایات زیادی در کتب روایی وارد شده که مستند قاعده‌اتلاف قرار گرفته است.

۱. محقق داماد، پیشین، ص ۱۳۴.

۲. صادقی، حسین و سعید فراهانی‌فرد، محیط زیست از منظر دین و اقتصاد، ص ۱۰۵.

۳. محقق داماد، ص ۱۰۹.

۴. فَمَنْ اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَانْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اِغْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ (بقره/۱۹۰).

شیخ طوسی در مبسوط روایتی از عبدالله بن مسعود از رسول اکرم (ص) نقل کرده که فرموده:

«حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ»؛^۱ «احترام مال مسلمان مانند احترام خون اوست».

تردید نیست اگر اهمیت مال مسلمان مانند خون او باشد، پس اگر مقداری از آن تلف شود موجب ضمان خواهد شد.^۲ جمله «مَنْ آتَلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» نیز که به عنوان حدیث از معصوم تلقی شده و مستند قاعده اتلاف است اگر چه در کتب روایی نیست ولی شهرت آن باعث شده که این گونه تلقی شود.

معمولاً قاعده تسبیب و اتلاف را دو قاعده می‌شمارند، ولی برخی از دانشمندان حقوق اسلامی، این دو را یکی دانسته یعنی اتلاف را اتلاف بالمباشره و بالتسبیب تقسیم کرده و قاعده تسبیب را یکی از مصادیق اتلاف دانسته‌اند.^۳

ج - اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر

زیست‌شناسان تخریب محیط‌زیست را به عوامل متعددی نسبت می‌دهند. از جمله این عوامل: بهره‌برداری بیش از حد از طبیعت و ... که هر یک نقش مهمی در تخریب محیط‌زیست دارند.

خداوند طبیعت و عناصر آن را با تمام امکانات و ذخائر آن در اختیار انسان قرار داد تا مدبرانه و به دور از اسراف و تبذیر از آن‌ها استفاده کند. حال چنانچه انسان بدون توجه به توصیه‌ها و آموزه‌های دینی در طبیعت تصرف‌های خارج از اعتدال نماید و منفعت‌های آنی و محدود را مدنظر قرار دهد و بیش از نیازهای نسل حاضر از منابع

۱. الطوسی، محمدابن الحسن، المبسوط، کتاب الغصب، ج ۳، ص ۶۰.

۲. محقق داماد، پیشین، ص ۱۱۰.

۳. موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۷.

طبیعت استفاده کند، از مصادیق بارز اسراف شمرده شده و حرام است. مسأله اسراف و تبذیر بیشتر به بحث مصرف برمی گردد، و بحث مصرف نیز به گونه‌ای به بحث تولید و توزیع مرتبط می‌شود. «تمام بنگاه‌های تولیدی امروز بر پایه سیاست‌های مصرفی و تبلیغات مصرفی می‌چرخد. ایجاد انگیزه در بازارهای مصرف سبب به کار افتادن چرخه تولید و ازدیاد درآمد حاصل از آن می‌شود.»^۱

لازمه تولید نیز بکارگیری و استفاده از منابع طبیعی و زیست‌محیطی است و از جنبه‌های گوناگون با مسأله محیط‌زیست مرتبط می‌شود. زیرا با افزایش مصرف تقاضا افزایش می‌یابد و با افزایش تقاضا قیمت کالاها نیز بالا می‌رود. با بالا رفتن قیمت و تقاضا تولیدکننده برای کسب سود بیشتر به تقاضاهای اضافی پاسخ می‌گوید. از آنجا که تولید نیز مستلزم استفاده و بهره‌برداری بیشتر از منابع طبیعی و ... می‌باشد، مصرف و بهره‌برداری از منابع نیز افزایش می‌یابد و پیامدهای زیست‌محیطی غیرقابل جبرانی به همراه دارد.

خداوند حکیم محدودیت‌هایی را برای ایجاد تعادل در رفتارهای انسان با دیگران و با طبیعت مقرر نموده است. یکی از این محدودیت‌ها جهت دستیابی به اهداف زیست‌محیطی اصل ممنوعیت اسراف است. مقصود از اسراف چنان که علمای لغت گفته‌اند: تجاوز از حد است؛ چنانکه راغب اصفهانی گوید: «السرف تجاوز الحد فی کلّ فعل یفعله الانسان»^۲؛ «اسراف خارج شدن از حد متعارف در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد».

۱. مطهری، مرتضی، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۲۸۶.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۰۷.

راغب اصفهانی دربارهٔ تَبذیر می‌گوید: «التبذیر التفريق و أصله القاء البذر و طرحه فَاسْتَعِيرَ لِكُلِّ مَضِيْعٍ لِمَالِهِ، فَتَبذِيرُ الْبَذْرِ: تَضْيِيعٌ فِي الظَّاهِرِ لِمَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَالَ مَا يَلْقِيهِ»؛ «تَبذِيرُ به معنای پراکندن است و اصل آن پراکندن و پاشیدن بذر است. بعد استعاره آورده شده برای کسانی که اموال خود را تباه و ضایع می‌کنند.» «در عرف تَبذیر به معنای پراکنده ساختن و ریختن و پاش مال می‌باشد؛ زیرا صرف مال بدون غرض عقلایی همان تَضْيِيع و از بین بردن ثروت است. به همین سبب می‌توان گفت فرق اسراف و تَبذیر این است که اسراف، اتلاف مال از نظر کمّی است ولی تَبذیر اتلاف مال از نظر کیفی می‌باشد».^۱

اسراف از نظر قرآن حرام است و در آیات متعددی به طور مؤکد از آن نهی شده است.

در قرآن از تَبذیر نیز نهی شده است و مَبذِرین را برادران شیطان نامیده است. به برخی از آیات اسراف و تَبذیر اشاره می‌کنیم:

الف. همانا تَبذیر کنندگان برادران شیاطین هستند.^۲

ب. بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفین را دوست نمی‌دارد.^۳

ج. اسراف نکنید همانا خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد.^۴

د. همانا اسراف‌کاران اصحاب جهنم هستند.^۵

۱. مطهری، پیشین، ص ۲۸۶.

۲. وَلَا تُبذِرْ تَبذِيرًا (اسراء ۲۶/۱۷) إِنَّ الْمُبذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ (اسراء ۲۷/۱۷).

۳. كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف ۳۱/۷).

۴. وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام ۱۴۱/۶).

۵. وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر ۴۳/۴۰).

۳- اصل عدالت زیست محیطی

عمران و آبادی زمین و افزایش رفاه عمومی انسان‌ها با استفاده از منابع طبیعی زیست محیطی به دلیل ویژگی‌ها و خصوصیات که خداوند در ذات انسان قرار داده از قبیل تفاوت در استعدادهای جسمی، روانی، عقلی و ... جامعه را با مشکل مواجه خواهد کرد.

به این معنا که این تفاوت‌ها و گزینه‌های خودخواهی، سودجویی و ... باعث می‌شود که عده‌ای از این نعمت‌ها بهره‌مند و عده‌ای دیگر محروم بمانند. از این رو برای بهره‌مندی همه انسان‌ها از نعمت‌های الهی خداوند، انبیاء و کتب آسمانی را فرستاد و یکی از مهم‌ترین اهداف آنان را برقراری عدالت قرار داد.

در اینجا ابتدا توضیحی درباره مفهوم عدالت و بعد منظور از عدالت در این بحث را بیان می‌کنیم.

مرحوم معرفت در تعریف عدالت با استفاده از سخنان حضرت علی (ع) می‌گوید: مقصود از عدالت اجتماعی، ایجاد توازن در جامعه است. منظور از توازن نیز همان تناسب است. تناسب به معنای این است که هر چیزی در جای خودش و در محدوده مناسب جای بگیرد.^۱

شهید مطهری نیز با استفاده از روایت حضرت امیرمؤمنان (ع) عدالت را قرار دادن هر چیز در جایگاه خود تعریف کرده و اشاره می‌کند که حتی اگر معنای عدالت توازن باشد، باز از معنای «عطاء کلّ ذی حقّ حقّه»^۲ بیرون نیست. چرا که توازن اجتماع به این

۱. معرفت، محمدهادی، عدالت مهدوی در قرآن، مجله انتظار، ش ۱۳، ص ۵۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۵.

است که حقوق همه افراد رعایت بشود و حق اجتماع هم رعایت شود.^۱ با توجه به تعاریف ذکر شده تعریف مورد نظر این بحث که عدالت زیست محیطی است را می‌توان چنین تعریف کرد:

عدالت، توازن و تعادل در ابعاد مختلف محیط زیست است.

قرآن مجید آفرینش آسمان‌ها، خورشید و ماه را منظم، ضابطه‌مند و بدون هیچ‌گونه نقصی دانسته و می‌فرماید:

«کسی که هفت آسمان را طبقاتی (روی هم) آفرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ گونه تضادی و تفاوتی نمی‌بینی پس باز هم بنگر آیا هیچ‌گونه سستی در آن می‌بینی؟»^۲ با توجه به معنای آیه شریفه که بیانگر ضابطه‌مندی و هماهنگی عناصر طبیعت است، از آیات دیگر نیز این مسأله قابل استفاده است. از نظر علمی (قانون ترمودینامیک) نیز ثابت شده است که طبیعت دارای نظم، هماهنگی و تعادل است. هرگونه تصرف نادرست در طبیعت باعث از بین رفتن این تعادل خواهد شد. بنابراین تصرف انسان در طبیعت نیازمند این است که قانونمند بوده و این قانون‌مندی نیز بر پایه عدالت زیست محیطی باشد. اصل عدالت را در دو عنوان بیان می‌داریم:

یک. عدالت، محور تشریح و تقنین

همچنان که خداوند خود نظام خلقت را نیز بر اساس عدل آفریده است، در قرآن یکی از اهداف مهم ارسال پیامبرانش را برپایی عدالت قرار داده و دستور به عدالت داده

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۲۹.

۲. الْأَذَى خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِبًا وَهُوَ حَسِيرٌ (ملک / ۳ و ۴).

است؛ بنابراین برپایی عدالت در محور قانون‌گذاری نیز بر همین اساس باید صورت گیرد.

توجه دقیق به قانون‌گذاری بر اساس تعادل و توازن که قرآن برای نظام خلقت و فطرت انسان در نظر گرفته است، می‌تواند در حفاظت و پایداری محیط زیست بسیار کارساز باشد، بدین معنا که از منابع به صورت بهینه استفاده می‌شود، بهترین و کارآمدترین خط تولید و فن‌آوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. امکان وارد شدن در عرصه تولید ثروت و استفاده از منابع خدادادی برای همه فراهم است و از این جهت هیچ کس مورد ظلم و تعدی قرار نمی‌گیرد. در فرآیند تولید هرکس به اندازه تلاشی که در این فرایند داشته، از منافع آن بهره‌مند می‌شود. در عرصه مصرف از اسراف، اتلاف و زیاده روی خبری نیست. حقوق گونه‌های جانوری و گیاهی مورد احترام است و مصالح نسل‌های بعدی نیز همواره مورد توجه انسان‌های نسل حاضر خواهد بود. در چنین وضعیتی چگونه ممکن است محیط زیست تخریب شود.^۱

از آنجا که دین به‌طور عام به‌ویژه قرآن بر این شیوه یعنی آزادی انتخاب انسان‌ها تأکید دارد (إنا هدیناه السبیل / اَمَا شَاكِرًا وَا مَّا كَفُورًا).^۲ مطلوب قرآن در رفتار و عمل انسان‌ها آزادی است و همین امر منشأ ثواب و عقاب در آخرت است و جهت‌گیری قرآن نیز بر همین مبنا انسان‌ها را دعوت به برپایی قسط و عدل و عدم ظلم و فساد در زمین می‌کند. اما به دلیل این که سرشت انسان دارای غرایز اقتصادی است و برخی انسان‌ها بر خلاف جهت فطری اولیه خود حرکت می‌کنند، دین جهت بازدارندگی و

۱. محمدی، یوسف، محیط زیست و چالش‌های آن از منظر قرآن، ص ۲۲۹.

۲. انسان / ۳.

ضمانت اجرای قوانین مجازات‌هایی را مدنظر گرفته و برخی از این مجازات‌ها را موکول به عالم آخرت نموده است. این مجازات‌ها نیز مبنی بر عدالت است و می‌تواند جلو بسیاری از انحرافات را که باعث به‌هم خوردن تعادل و توازن نظام طبیعت می‌شود، بگیرد.

دو. عدالت بین نسلی

احکام و قوانین اسلام برگرفته از کتاب آسمانی قرآن است و این کتاب نیز بر اساس اعتقادات مکتب اسلام کتابی جاودانی و جهان شمول است. بنابراین احکام آن همیشگی است و اختصاص به زمان خاصی ندارد و همهٔ ابناء بشر را شامل می‌شود. اجرای عدالت و بهره‌مندی از نعمت‌ها و مواهب طبیعی نیز مخصوص نسل حاضر نبوده و علاوه بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز از نظر قرآن جایگاه خاصی پیدا می‌کند. در آیات قرآنی رابطه وثیقی میان برقراری عدالت و تقوا پیشگی انسان‌ها و نزول نعمت‌های الهی وجود دارد.

از یک سو قرآن اجرای عدالت را به تقوی ربط می‌دهد و می‌فرماید: برقراری عدالت به تقوی نزدیک‌تر است:

«به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است»^۱.

و از سوی دیگر تقوای پیشگی انسان را موجب نزول برکات آسمان و زمین معرفی می‌کند:

۱. اَعْلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مانده ۸).

«اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گرائیده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند. پس به کیفر دستاوردها گریبان آنان را گرفتیم»^۱.

با توجه به آیات یاد شده، به نظر می‌رسد که برقراری عدالت در همه زمینها به‌ویژه در بعد زیست محیطی دارای دو اثر است که این دو اثر از آیات قرآن نیز قابل استفاده است:

۱. آثار وضعی برقراری عدالت

۲. آثار تکلیفی و اخروی

آثار وضعی برقراری عدالت و بی‌تقوایی به معنای عام آن در استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی از ظاهر آیه ۹۶ سوره اعراف قابل استفاده است. یکی از عوامل مهم بحران زیست محیطی امروز عدم رعایت عدالت در بهره‌برداری از منابع طبیعی و زیست محیطی است. استفاده بی‌رویه و بیش از نیاز یک نسل از منابع زیست محیطی خارج از عدالت و تجاوز به حقوق نسل‌های آینده است و آثار وضعی آن همین معضلات زیست محیطی است که بشر گرفتار آن است.

آثار تکلیفی و اخروی اجرای عدالت نیز از آیه ۹ سوره مائده استفاده می‌شود. در آیه قبل خداوند امر به عدالت می‌کند: «إِذْ لَوْ أَنَّهُمْ إِتَّقَوْا لَفْتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا فِيهَا يَسْتَبِينَ» (اعراف/۹۶).

۱. وَلَوْ أَنَّهُ أَهْلُ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا فِيهَا يَسْتَبِينَ (اعراف/۹۶).

پاداش و مغفرت اخروی است. این آیه شریفه بیانگر نکته دیگری نیز می‌تواند باشد و آن این که در صورتی که یک نسل نسبت به بهره‌برداری از منابع به عدالت رفتار کند، نگرانی نسبت به نسل‌های آینده وجود نخواهد داشت.^۱

۴- اصل نهی از فساد در زمین

فساد در زمین یکی از موانع دستیابی به اهداف زیست محیطی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده: نظام هستی را خداوند متعال بر اساس صلاح آفریده و به عنوان بهترین خلق کنندگان همه چیز را به اندازه آفریده است؛ به گونه‌ای که مجموعه هستی در سیستمی واقع هستند که جایجایی در یکی از آن‌ها بر کلیه موجودات دیگر تأثیر می‌گذارد.^۲ به همین جهت خداوند در آیات متعددی انسان را از ایجاد فساد در این نظام نهی کرده اند: و «مصدق بارز مفسدان روی زمین را کسانی می‌داند که آن را تخریب و کشت و نسل را نابود می‌کنند»^۳

«و چون برگردد (یا ریاست یابد) می‌کوشد که در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود کند و خداوند تباہکاری را دوست ندارد».^۴

تمام کسانی که به شکل‌های گوناگون امکان استفاده از زمین را از بین برد و آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و ... زمینه نابودی نسل‌های آینده را فراهم می‌کنند، مشمول این آیه خواهند شد. در آیه دیگر، خداوند کسانی را که به تخریب مظاهر زیبایی خداوند دست زده و نظام با شکوه آفرینش را به آلودگی تباہ می‌کنند مورد

۱. محمدی، پیشین، ص ۱۱۳.

۲. فراهانی فرد، سعید، محیط زیست: مشکلات و راه‌های برون رفت از منظر اسلام، ص ۱۰۵

۳. وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف/۵۶)

۴. وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره/۲۰۵).

نکوهش قرار می‌دهد و مشکلات روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد قلمداد می‌کند:

«با دستاوردهای بشر، فساد در خشکی و دریا نمودار شد، تا خدا بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند شاید بازگردند».^۱ این آیه به نظر می‌رسد اشاره به آثار وضعی رفتار و دستاوردهای بشری دارد که همیشه این گونه نیست که خداوند به طور معجزه آسا جوامع انسانی را عذاب کند. بلکه سنت الهی این است که وقتی در نظام هستی از جمله محیط زیست انسانی که خداوند آن را موزون و به اندازه آفریده است هر گونه فساد در آن عکس‌العملی از سوی همین نظام بروز خواهد کرد که گریبان انسان را خواهد گرفت.

لحن شدیدی که در این آیات دربارهٔ افراد مفسد و تخریب‌گر وارد شده است از شدت توجهی حکایت دارد که خداوند به حفظ محیط زیست به صورت ظرف رشد و تکامل انسان دارد. هدف اصلی از خلقت جهان هستی، انسان بوده است و این که او در راه تعالی خود هیچ‌گونه نقصانی نداشته باشد.^۲

دین اسلام، مکتبی اجتماعی است و بخش قابل توجهی از آموزه‌های آن نیز با نگاه کلان و قرار داشتن فرد در اجتماع تشریح شده است. مهم‌ترین فلسفه دولت اسلامی و این که پیامبر اسلام (ص) خود در نخستین فرصت به تشکیل دولت اقدام کرد، احکام اجتماعی اسلام است. در مورد مسأله محیط زیست نیز خداوند متعال به اصول و احکام

۱. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم/۴۱).

۲. فراهانی فرد، محیط زیست: مشکلات و راه‌های برون رفت از منظر اسلام، ص ۱۰۶.

فردی بسنده نکرده است و برای اینکه تحقق اهداف تضمین بیشتری داشته باشد، در قالب احکام اجتماعی نیز رهنمودهایی را ارائه کرده است.^۱

۵- اصل امر به معروف و نهی از منکر

آنچه از مذاق شارع استنباط می‌شود، این است که بسیاری از اهداف اجتماعی، در مرحله اول از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آن‌ها نیز خودشان باشند. تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر یا نهاد حسبه و قرار دادن آن در کنار نماز و روزه و ... در جایگاه یکی از فروع دین، شاهد بر اهتمام دین بر این فرایند است.^۲

امر به معروف و نهی از منکر مهم ترین محور دینی و همان اساسی است که تمامی پیامبران برای آن مبعوث شده‌اند و اگر بساط آن برچیده شود و در آموزش و اجرای آن سهل انگاری رواداشته شود، اصل نبوت دچار وقفه شده و دیانت از بین می‌رود و سستی در امور اصلاحی شایع می‌گردد و گمراهی و جهالت فراگیر و فساد و تباهی بر زندگی مردم چیره می‌شود و کشورها ویران و مردم هلاک می‌گردند.^۳

درباره امر به معروف و نهی از منکر در آیات قرآن و روایات تأکید و تشویق بسیار وارد شده است که به برخی اشاره می‌شود:

۱- و باید گروهی از شما مردم را به خیر و صلاح دعوت نموده و امر به معروف و نهی از منکر نمایند که اینان رستگارانند.^۴

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. همان، ص ۱۱۰.

۳. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: محمود صلواتی، ج ۳، ص ۴۲۴-۴۳۲.

۴. وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران ۱۰۴).

۲- همه مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر صاحب اختیارند یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز بپا می دارند.^۱

روایات: جهت اختصار به یک روایت بسیار جالب اکتفا می شود. از حضرت رسول روایت شده: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى الْمُنْكَرَ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ وَخَلِيفَةُ كِتَابِهِ»^۲، کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند، خلیفه خدا در روی زمین و خلیفه رسول خدا و خلیفه کتاب خدا هستند.

در دوران‌های گذشته حتی تا خود زمان پیامبر اکرم اداره‌هایی متداول بوده به نام اداره حسبه. وظیفه این اداره در دوران خلافت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر بوده است. با توجه به آیات و روایات مربوط به این باب، امر به معروف و نهی از منکر نهادی است که همه شئون فردی و اجتماعی انسان در جامعه اسلامی را در بر می گیرد. بویژه امور حقوق عمومی مردم را که از جمله این امور، مسائل مربوط به محیط زیست است که امروزه مؤسسات و انجمن‌های خصوصی طرفداران و حامیان محیط زیست از مصادیق بارز آن می تواند باشد. نهاد امر به معروف و نهی از منکر هم می تواند در قالب مؤسسات و انجمن‌های خصوصی و مردمی طرفدار محیط زیست ایفای نقش نماید و هم در قالب ارگان‌ها و مؤسسات دولتی.^۳

در کتاب معالم القربه بیش از ۷۰ عنوان از امور فردی و اجتماعی که اداره امور حسبه می تواند در آنها دخالت نماید، ذکر شده است.

۱. الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ .. (توبه/۷۱)

۲. نوری، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹.

۳. منتظری، پیشین، ص ۴۲۴.

فصل پنجم

محیط زیست انسانی

محیط زیست انسانی

در دیدگاه دینی، گرچه هر موجودی زیبا خلق شده و انسان نیز همانند دیگر مخلوق‌ها از حسن نفسی برخوردار است، اما چون می‌تواند خلیفه الهی بشود، لذا نسبت به موجودات دیگر از زیبایی قیاسی بهره می‌برد که دیگر مخلوقات فاقد آن هستند و از این رو پس از آفرینش انسان فرمود:

«تبارک الله أحسن الخالقین»^۱

«اگر موجودی از انسان زیباتر یافت می‌شد خداوند هنگام آفریدن آن موجود زیباتر از انسان، خود را به عنوان احسن الخالقین معرفی می‌کرد و چون نهایت زیبایی در جمع بین کمال عقل و جمال حس است، لذا طاووس توان تقابل با انسان را ندارد که امیرالمومنین از نظم خاص و نضد ویژه طاووس خبر داده‌اند»^{۲، ۳}

به شکرانه‌ی این نعمت و ارزانی داشتن مقام زیبای خلیفة اللّهی به انسان، حفظ تابلوی زیبای آفرینش ضروری است و در قرآن و حدیث به آن امر شده است؛ این را به حفاظت از محیط انسانی تعبیر نموده‌ایم؛ یعنی پاک و تمیز و زیبا نگه داشتن خود و محیط زندگی‌مان که شامل نظافت بدن، منزل، کوچه‌ها، خیابان‌ها و اماکن عمومی است. اوامر و نواهی دینی مربوط به محیط زیست انسانی را در چهار بخش آورده‌ایم:

۱. مومنون/۱۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵.

۳. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، ص ۲۱.

۵-۱- بهداشت فردی

در فرهنگ دینی، دعوت به رعایت نظافت و بهداشت جسمی و روانی فراوانی دیده می‌شود که می‌توان آن را در سه بخش تقسیم کرد:

الف- مباحث زیست محیطی مربوط به جسم

در اسلام، مثل سایر ادیان ابراهیمی، اعتقادی راسخ به رستاخیز جسمانی و مشارکت بدن در تقدیر نهایی انسان مشاهده می‌شود، و در قرآن از توصیفات نعمت‌های جسمانی هم دیده می‌شود. امام صادق می‌فرماید: «انسان به زندگی سالم نایل نمی‌شود مگر اینکه از سه نعمت بهره مند شود: هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز؛ *«لا تطیب السکنی الا بثلاث، الهواء الطیب و الماء العزیز العذب و الارض الخواره»*.^۱

در سخنان پیامبر و ائمه علیهم‌السلام در مورد جسم و بدن نکاتی برای استفاده صحیح از نعمت‌های الهی دیده می‌شود که عبارتند از:

- هشدار داده‌اند که خویش را با بدن، به عنوان پایگاه شهوت یکی نگیریم و انسان خود را در قوای حیوانی بدن خلاصه نکند.
- انسان، بدن به عنوان جایگاه حضور و حکمت خداوند و به عنوان یاوری در حیات معنوی را از بدن محصور در نفس اماره و شهوت متمایز کند
- وجود انسان فقط مرکب از نفس و بدن نیست بلکه روح متعالی و حاکم بر نفس و بدن هم جزئی از وجود او است.

بقول سنایی:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۲.

مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا

قدم زین هر دو بیرون نه، نه این جا باش و نه آنجا^۱

از دیدگاه دینی، بدن جلوه‌گاه آیات و اسرار خداوند است و در حکمت اسلامی همیشه تحقیق درباره جسم انسان که نشانه جهان اکبر است با اهمیت بوده است و بر این نکته که مهمترین آفریده پروردگار است تاکید می‌شود. از مجموع پنجاه و یک رساله از رسائل اخوان الصفا سه تا از آنها درباره بدن است.

ب- مباحث زیست محیطی مربوط به جسم و روح

در تعالیم دینی، بدن همراه و مرتبط با روح مورد توجه قرار می‌گیرد و در توصیه‌های زیست محیطی علاوه بر جنبه جسمانی بر جنبه روحانی و بهداشت روانی هم تاکید می‌شود. در این بخش نیز اصول سه گانه‌های لازم است تا زندگی بشر حیات انسانی بشود. امام صادق علیه السلام این اصول را بیان فرموده اند:

«لا یستغنی اهل کل بلد عن ثلاثه: فقیه و عالم و رع و امیر خیر مطاع و طیب بصیر

تیقه»^۲ «هیچ جامعه‌ای از امور سه گانه بی‌نیاز نیست: اول، فقیهی که افزون بر بیان احکام

الهی عالم به زمانه و دارای وارستگی و نزاهت روح باشد. دوم، فرمانروایی خیرخواه تا

از او اطاعت کرده و در پرتو آن تمامیت ارضی، استقلال، وحدت ملی و امنیت جامعه

محفوظ بماند. سوم طبیعی که آگاه و مورد و مورد وثوق مردم باشد».

۱. سنایی غزنوی، دیوان، ص ۵۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳.

ج- مباحث زیست محیطی مربوط به روح

از آنجا که انسانیت انسان وابسته به روح اوست، نه جسم وی، باید محیط جان خویش را با طراوت کند که این با ریاضت های شرعی حاصل می شود؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

«أَمَا هِيَ نَفْسِي أَرَوْضَهَا بِالتَّقْوَى»^۱ «من نفسم را با تقوا ریاضت می دهم».

ریاضت با تقوا آن است که فرد لذاذات را به حداقل برساند تا روح پرورش یابد و از این جهت برخی روزه مستحبی می گیرند و به تهجد می پردازند؛ چنانکه می فرماید: «مِنْ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِه نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»^۲، (بخشی از شب بیدار باش و نماز شب مخصوص تو است به امید آن که خداوند تو را به مقام محمود (جایگاه پسندیده) مبعوث گرداند). یا آنکه از اموال و لذاذات غذاهای پاک و حلال خود انفاق می کند چنان که می فرماید:

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اسِيرًا»^۳ (غذایشان را به سبب دوستی خداوند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند).

مفسران نقل کرده اند امام علی و فاطمه جهت شفای امام حسن و امام حسین سه روز روزه گرفتند و به هنگام افطار طعامشان را به نیازمندان دادند، با آن که بدن نیازمند غذا است و غذای آماده شده برای افطار، طیب و طاهر بود، ولی به خاطر خدا از نیاز خویش گذشتن و نیاز مسکین و یتیم و اسیر (که مسلمان نبوده است) را تأمین کردن، از بدن کاستن و به پرورش روح پرداختن است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. اسراء/۷۹.

۳. انسان/۸.

یا آن که امام علی می‌فرماید: «بهترین پوشاک و فرش انسان، حریر و بهترین نوشیدنی (غذای) او عسل است، که هر دو محصول دو نوع حشره هستند. گرچه هر دو، برای انسان مفید و عسل شفاء^۱ است، اما توصیه حضرت آن است که مبادا حریر و عسل شما را جذب کرده و از پرورش روح غفلت کنید.

اگر شخص فقط از حرام اجتناب کند و از همه لذایذ حلال استفاده کند و انفاق و دستگیری از دیگران و تهجد شبانه را ترک کرده، در بخش دوم بسر می‌برد، یعنی به طراوت محیط زیست تلفیقی از جسم و جان پرداخته است. ولی اگر بخواهد محیط روح را با طراوت کند و پرورش دهد باید از لذایذ بکاهد و به فکر تقرب خدا و کمک به هموعان هم باشد.^۲

در اهمیت بهداشت روانی و تقویت و پاکیزه نگه داشتن محیط زیست روحانی امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«النَّفْسُ إِنْ لَمْ تَشْغَلْهُ تَشْغَلْكَ»^۳ (اگر نفست و خودت را به کاری مشغول نکنی، این هواهای نفسانی تو را مشغول خواهد کرد).

این حدیث در اهمیت شغل و کار و تلاش است که از نظر امام، انسان بی‌کار ممکن است با وسوسه‌های شیطانی به کارهای ناشایست روی آورد؛ امروزه اثبات شده است که یکی از مهمترین عوامل فساد اجتماعی در جوامع بیکاری است. احادیثی که بر اهمیت کار و تلاش تأکید می‌کنند، متضمن این حقیقت هستند که بیکاری یکی از

۱. فیه شفاء للناس (نحل/۷۹).

۲. جوادی آملی، پیشین، ص ۹۱.

۳. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی اخلاق کاربردی، ص ۱۱۰.

عوامل مخرب محیط زیست انسانی و مخلّ بهداشت روانی و زندگی سالم و حیات طیبه بشر است؛ چنان که پیامبر ﷺ هم در حدیثی می‌فرماید:

«مَلْعُونَ مَنْ أَلْعَى كَلَه عَلَى النَّاسِ»^۱ (کسی که بارش به دوش دیگران است، مورد لعنت خداوند است). تلاش و فعالیت و کار یکی از عوامل زندگی اجتماعی است که در پویایی جامعه و سلامت محیط زیست مؤثر است؛ لذا انجام کارهای گوناگون به طور فراگیر به خداوند نسبت داده می‌شود: «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ»^۲ (هر روز و هر ظهور و تجلّی خداوند در کار تازه‌ای است).

رعایت نظافت در احکام دینی

در احادیث پیامبر، اوامر یا نواهی زیادی در بهداشت فردی و مساوات زدن و پرخوری نکردن و موارد دیگر دیده می‌شود. آنچه در شریعت پیامبر اعظم تحت عنوان وضو و غسل واجب شده است، علاوه بر طهارت روحانی به طهارت و نظافت جسمانی هم دلالت دارد، و خوب غسل میت و غسل مسّ میت از مواردی است که در سالم نگه داشتن محیط انسانی تاثیر جدی دارد.^۳ در هر سانتی متر مربع از بدن انسان، حدود چهل هزار میکرب وجود دارد که برخی از آنها پس از مرگ قوی‌تر شده و افزایش می‌یابند. در این هنگام سطح پوست، محل و کانون مهم سرایت و انتشار مستقیم بیماری‌های عفونی می‌باشد. شارع مقدس اسلام، بدن میت را پیش از شستن پلید دانسته و برای جلوگیری از ابتلاء کسانی که بدن میت را مس کنند، غسل را لازم

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۲.

۲. الرحمن/۲۹.

۳. رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۰.

دانسته است و شستن موضع آلوده را کافی ندانسته تا از آلوده شدن اشخاص به میکروب‌ها به قدر امکان جلوگیری شود.^۱

نظافت در لباس

امر الهی به طهارت لباس هم از موارد رعایت بهداشت فردی است که با محیط سالم مرتبط است. در سوره مدثر - از اولین سوره‌های نازل شده بر پیامبر ﷺ - می‌فرماید: «وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ»^۲ (و لباس خود را پاک کن). در اینکه مقصود از طهارت لباس چیست، شش نظر دیده می‌شود:

الف- تطهیر لباس از نجاست برای نماز.

ب- کنایه از عمل است؛ چون عمل به منزله لباس نفس است.

ج- مراد تزکیه نفس از گناهان است.

د- کوتاه کردن لباس منظور است تا از نجاسات و آلودگی‌های روی زمین دور بماند.

ه- پاک کردن همسران از کفر و گناه است؛ چون که همسر به منزله لباس است.

و- بدست آوردن اخلاق پسندیده منظور است.

علامه طباطبایی دیدگاه اول و دوم را ترجیح می‌دهد که عمل انسان و پاکیزگی لباس است.^۳

۱. افتخاریان، سید جواد، قرآن و علوم روز، ص ۴۶.

۲. مدثر ۴/

۳. المیزان، ج ۲، ص ۱۶۰.

در نظافت و پاکیزگی لباس در اسلام، همین بس که اولین برنامه اسلام پس از اعتقاد به مبدا و معاد و اظهار عظمت خداوند، دستور نظافت لباس است. این آیه امر به پیامبر ﷺ است و بر اساس اُسوةُ حسنه بودن ایشان و این که به امر به پیامبر، امر به پیروان هم هست، رعایت نظافت برای همه افراد ضروری است.

۵-۲- نظافت منزل

در ادیان الهی و بویژه در اسلام پاکیزگی محل زندگی و محل عبادت مورد تاکید قرار گرفته است. وقتی که حضرت ابراهیم خانه کعبه را بنا نهاد، خداوند امر فرمود:

«وَإِذِ بَنَانَا لِبَرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۱

«هنگامی که جایگاه بنای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم و به او گفتیم شرک نوز و کعبه را برای طواف کنندگان و نمازگزاران و رکوع و سجده کنندگان پاکیزه نما (و از شرک و بت پرستی پاک کن)».

مقصود از طهارت، هم پاکی معنوی از شرک و بت پرستی است و هم ناپاکی و نجاست ظاهری، و براساس این دستور الهی نجس کردن کعبه و مساجد جایز نیست و پاک کردن آن‌ها واجب کفایی است.^۲ تطهیر محلّ عبادت یعنی محیط زیستی که برای راز و نیاز در نظر گرفته می‌شود، واجب و بر پاکی روحی و معنوی مؤثر است.

در سنّت و سیره‌ی پیامبر ﷺ بر پاک و تمیز بودن مسکن امر شده است، که چند مورد از سخنان آن حضرت را بیان می‌کنیم:

۱. حج/۲۶.

۲. امام خمینی، توضیح المسائل، احکام مسجد.

«بیت الشَّیْطَانِ فِی بَیوتِکُمْ بَیتُ العَنکَبوتِ»^۱ (خانه عنکبوت در منازل شما، مسکن شیطان است). البته آنچه امروز میکروب نامیده می‌شود، در این حدیث و امثال آن با عنوان شیطان آمده است؛ زیرا در آن زمان اطلاعات مردم برای فهم مسائل بهداشتی کافی نبود.

هم‌چنین نگه داشتن زباله در خانه و محیط زندگی مورد نهی پیامبر ﷺ قرار گرفته است: «لَا تَبَیْتُوا الْقَمَامَةَ فِی بَیوتِکُمْ وَأُخْرِجُوا مِنْهَا فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّیْطَانِ»^۲ زباله را در خانه و محیط زندگی خود نگه ندارید و از آنجا بیرون ببرید که جایگاه شیطان است). در حدیث دیگری پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا تَنْکَبُوا الْعُبَارَ فَإِنَّهُ مِنْهُ تَكُونُ النَّسْمَةُ»؛ (غبار را حرکت ندهید؛ زیرا باعث تولید تنگی نفس می‌شود). در یک گرم غبار، بین هفتصد و پنجاه هزار تا دو میلیون و صد هزار میکروب در زیر میکروسکوپ دیده می‌شود. از مجموعه احادیث و سیره پیشوایان دینی درباره‌ی منزل دستورات ذیل بدست می‌آید:

- الف- فرش منزل باید پاکیزه باشد.
- ب- محل جداگانه در منزل برای نماز قرار دهید.
- ج- سگ را در منزل نگهداری نکنید.
- د- صحن و درب خانه را جاروب نمایید.
- ه- به خانه درب بگذارید و با دیواری اطراف بام‌ها را بپوشانید.
- و- درب ظروف غذا را باز نگذارید و بپوشانید.

۱. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، احکام مساکن، باب دهم.

۲. همان.

ی- در خانه آب جاری یا کر قرار دهید.^۱

۵-۳- نظافت محیط شهری

نظافت محیط زندگی اجتماعی انسان‌ها که شهر یا روستا می‌باشد، در روایات و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام مورد توجه قرار گرفته است. یثرب قبل از ورود پیامبر ﷺ آبادانی زیادی نداشت و پس از هجرت، مدینه متمدن شد. ایجاد جایگاه مداوای بیماران و وجود مکان‌هایی برای افراد غریبه و مسافر و مهمانخانه‌هایی برای مهمانان و نمایندگانی که از ملل دیگر به خدمت پیامبر ﷺ می‌آمدند، در زمان آن حضرت انجام شد.^۲

علاوه بر امر به موارد فوق در محیط زندگی شهری، در احادیث رسول خدا برای آلوده نشدن محل زندگی منتهیاتی هم دیده می‌شود:

قال رسول الله ﷺ: «أياكم والعجوس في الطرقات»؛^۳ (از نشستن در کوچه و خیابان‌ها و محل عبور مردم بپرهیزید). و هم چنین می‌فرماید:

«تقوا الملعونين: قالوا و ما اللعانان يا رسول الله؟ قال ﷺ: الذي يتخلى في طريق الناس أو في ظلهم»؛^۴ «از آدم‌های ملعون دوری کنید. گفتند: ای رسول خدا ملعونین چه کسانی هستند؟ فرمود: کسی که در خیابان و کوچه یا سایه ادرار کند».

۱. رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲. مدنی، سید عبد الله، شهر سالم و محیط نمونه از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش محیط زیست، ص ۲۹۷.

۳. عمر الرباط، عزه البيئه و جذور التربية البيئه، ص ۱۳۴.

۴. همان، ص ۱۳۵.

در اسلام از آلوده نمودن هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی تحذیر و نهی شده است؛ لذا رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مِّنْ فِعْلِهِنَّ، الْمَتَعَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ، وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمَتَّابَ وَ سَادَّ الطَّرِيقَ الْمَسْلُوكَ»؛^۱ (سه گروه در اثر کار ناشایست مورد لعنت خداوند هستند:

الف- کسی که مکان عمومی، سایه‌بان‌ها، پارک‌ها و محل نزول مسافران را آلوده کند.

ب- کسی که آب نوبه‌ای را به غصب ببرد و رعایت نوبت دیگران را ننماید.

ج- کسی که سدّ معبر کند و مانع عبور دیگران شود).

رفتار رهبران الهی، همتای گفتار آنان برای ترغیب مردم به رعایت اصول زیست محیطی انجام می‌شد؛ لذا امام سجاد علیه السلام اگر کلوخی را در معبر می‌دیدند، از مرکب پیاده می‌شدند و آن را از راه دور می‌کردند که مزاحم رهگذر نشود.^۲ حضرت مسیح علیه السلام از کنار گوری می‌گذشت و صاحب قبر را معذّب دید. اما سال بعد، هنگام عبور از کنار آن گور، صاحب آن را در عذاب ندید. پرسید: خدایا عامل رفع عذاب او چه بود؟ فرمود: فرزندش بزرگ شد و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد؛ لذا از گناه او صرف نظر شد.^۳

از دیدگاه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم برداشتن سنگ، چوب، استخوان و هر چیزی که سر راه مردم در کوچه و خیابان باعث مزاحمت باشد، کار با ارزش و یک نوع صدقه است. این

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵۰.

۳. همان، ص ۴۹.

را خطاب به ابوذر اعلام فرموده است: «... و ائمانتک الحَجْر و الشَّوْکة و العَظْم عن الطَّرِيق لک صَدَاقَةٌ».^۱

حقیقت این است که اگر به سنت و سیره رسول خدا و ائمه علیهم السلام در اخلاق زیست محیطی و بهداشت محیط عمل نماییم، محیط زندگی مسلمانان بهترین و پاک‌ترین و تمیزترین محیط‌های زندگی شهری و روستایی خواهد بود. عمل به آنچه پیشوایان دین درباره‌ی نظافت فردی و اجتماعی فرموده‌اند، می‌تواند ظاهر جذاب و در خور شأن جامعه اسلامی پیشرفته را به نمایش بگذارد. آنچه امروزه بشر به آن رسیده است، در شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرن‌ها قبل مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۴- اخلاق زیست محیطی در سفر

سفر، سیر و سیاحت در زمین و مشاهده طبیعت زیبای خداوند است که اگر با خردورزی و اندیشه همراه باشد، زمینه معرفت و کمال آدمی را فراهم می‌سازد. سفر عامل سلامت روح و روان و کارآمدی عقل است و قرآن کریم بر آن تأکید می‌فرماید.^۲

در روایات به‌عنوان نمونه، شیخ صدوق با سند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «سافروا تصحوا»؛^۳ «سفر کنید تا سالم بمانید». صحّت در این روایت مطلق است و شامل سلامتی جسم و روح و روان می‌باشد.

سیر و سفر نیز همچون سایر امور باید همراه مقصود و غرض شرعی و عقلایی باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «در حکمت آل داوود علیهم السلام چنین آمده است: به‌راستی که

۱. عمر الرباط، پیشین، ص ۱۳۳.

۲. فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین (نحل / ۳۶).

۳. عاملی، وسائل الشیعه، باب آداب السفر الی الحج، ج ۷، ص ۲۷۵.

عاقل سفر نمی‌کند، مگر در سه مورد: توشه‌برداری برای معاد، آبادانی معاش، لذت بردن بدون انجام حرام»^۱.

در اسلام سفرکردن آدابی دارد که برخی از آن چنین است:

۱. ذکر بسم‌الله و دعا‌های سفر، ۲. طلب خیرنمودن، ۳. حرکت در زمان‌های مناسب،
۴. صدقه‌دادن، ۵. وصیت کردن، ۶. انتخاب هم‌سفر مناسب، ۷. یاری رساندن به همراهان و پرهیز از اختلاف با آن‌ها، ۸. حسن خلق، ۹. همراه داشتن مایحتاج سفر.^۲

چگونه «سفر» اخلاق زیست‌محیطی را به مخاطره می‌کشاند؟

چون آلاینده‌های سفر به شکل غیرمتمرکز و پراکنده است، پاکیزگی و بهداشت محیط‌زیست را زودتر و بیشتر به چالش می‌کشاند که گاه فاجعه‌آفرین است. آلودگی‌های محیط‌زیست به آبی و خشکی تقسیم می‌شود: سفرهای محیط آبی^۳ دریایی و رودخانه‌ای و نیز حواشی آن‌ها؛ همچون: تالاب‌ها، مرداب‌ها و دریاچه‌ها موضوع اصلی بررسی حفظ محیط زیست آبی است. در این سفرها نکات ذیل از اهمیت بیشتری برخوردار است:

۱. نریختن زباله‌ها داخل آب.
۲. آلوده نکردن آب‌ها با مواد شوینده‌ی شیمیایی.
۳. روشن نگه‌نداشتن خودرو در کنار آب‌ها.
۴. جاری نساختن فاضلاب کمپ‌ها و چادرها به داخل آب‌ها.
۵. شناکردن در آب‌های آشامیدنی چشمه‌ها.

۱. همان.

۲. همان، باب آداب السفر الی الحج، باب ۱، ح ۱.

فراموش نشود که آب‌های ساکن^۱ در مقایسه با آب‌های روان^۲ نیاز به مراقبت بیشتری دارند.

گونه‌ای از چشمه‌های آب گرم حاوی مواد رادیواکتیو خطرناک است. این آب‌ها نه تنها مفید نیست، بلکه در ایجاد برخی سرطان‌ها مؤثر است؛ بنابراین این لازم است که چشمه‌های آزمایش شده مورد استفاده قرار گیرد. از آن‌جا که محیط‌زیست خشکی^۳ در تماس آلودگی طولانی با پهنه‌ی گسترده‌تر و جمعیت بیشتر قرار دارد؛ دامنه و عمق آن نیز جدی‌تر است.

خشکی‌ها شامل: جنگل‌ها، دشت‌ها، دامنه‌ی کوهستان‌ها، جاده‌ها و... است. در مواجهه با محیط‌زیست خشکی موارد ذیل از جمله خطرها و تهدیدهای محیط‌زیست خشکی به‌شمار می‌آید:

۱. دفع و رهاسازی زباله‌های غیرقابل تجزیه.
۲. ورود به محدوده زندگی حیوانات که منجر به تخریب محل زندگی، یا ترساندن حیوانات می‌شود.
۳. شکستن شاخ و برگ درختان برای طبخ غذا و ... و نیز ساختن ذغال و ...
۴. رعایت نکردن نظافت محیط اطراف در اقامت کوتاه یا طولانی.
۵. ایجاد سروصدا و هیجان در محیط آرام جنگل و کوهستان و برهم زدن آرامش حیوانات و ساکنین آن‌جا.
۶. شکار حیوانات برای تفریح و سرگرمی.

1. Lentic water
2. Lotic water
3. Lithosphere

گردش‌گری و اکوتوریسم

اکوتوریسم یا تورهای گردش‌گری به منظور جذب طبیعت‌دوستان، طبیعت‌شناسان، دانشمندان، هنرمندان و ماجراجویان است که انگیزه اصلی آن‌ها تفریح نیست، بلکه تماشا و پی‌بردن به شگفتی‌های طبیعت، آشنایی با گونه‌های کمیاب، پدیده‌های طبیعی و حتی عجایب و اماکن دست‌نخورده و بکر، مورد نظر است.

فعالیت‌های اکوتوریستی عبارت است از: پیاده‌روی‌های برنامه‌ریزی شده ایستگاهی و نیز دامنه‌نوردی، عبور از رودخانه‌های خروشان با قایق‌بادی، سفر به مناطق بیلاقی و عشایری، سفر به روستاها و مزارع اطراف آن‌ها به منظور آشنایی با فرهنگ اهالی، کوهپیمایی، سفر به مناطق صعب‌العبور طبیعی، بازدید از غارهای طبیعی، مطالعه طبیعت گیاهی و جانوری، تماشای حیوانات و پرندگان، آشنایی با محیط‌زیست طبیعی.^۱

رعایت آداب سفر و اخلاق زیست‌محیطی در گردش‌گری و اکوتوریسم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چرا که سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی در حرکت‌های اجتماعی و گروهی نتایج زیان‌بارتری به بار می‌آورد.

آشنا کردن کودکان با اخلاق زیست‌محیطی

۱. کودکان نقش اساسی در انگیزه و انتخاب اولیای خانواده برای سفر و مقصد آن دارند؛ از این رو باید آداب و اخلاق زیست‌محیطی با شیوه‌های خوب آموزشی به آن‌ها نیز تعلیم داده شود. برای نیل به این منظور بیدار نمودن فطرت پاک توحیدی آن‌ها و آشنا کردنشان با قوانین و مقررات و تعامل با همراهان سفر، توصیف محیط سفر و اهداف آن پارامترهای کمک‌کننده است:

۱. شاهنوش فروشانی، فاطمه صالحه، اخلاق زیست‌محیطی در سفر، مجله نامه جامعه، ش ۳۵، ص ۹۱.

۲. دعوت به تماشای منظره‌ها؛ از این فرصت برای آموزش چیزهایی که کودکان از نزدیک کمتر دیده‌اند، یا هرگز ندیده‌اند، می‌توان استفاده کرد و درباره کوه، جنگل، صحرا، برف و باران و سایر پدیده‌هایی که در طول سفر می‌بینند با آنان صحبت نمود. نیز می‌توان از عوامل محسوس برای هوشیاری ناخودآگاه آن‌ها بهره برد و آفرینش زیبایی الهی را به آن‌ها نشان داد.

۳. توقف برای استراحت؛ اگر وسیله سفر، ماشین شخصی است؛ برای جلوگیری از خستگی کودکان بهتر است زمان بیشتری در نظر گرفته شود. کودک به توقف‌های کوتاه نیاز دارد.

۴. نقشه‌خوانی؛ مناسب است که قبل از سفر، نقشه مسیر به سوی مقصد روی کاغذ ترسیم نموده و مکان‌ها و نقاط مورد علاقه‌ی کودکان همراه نقاط مهم مورد نظر روی نقشه علامت‌گذاری شده و به بچه‌ها نشان داده شود و از آن‌ها خواسته شود که در طول سفر، نقاط یادشده را مورد توجه و دقت بیشتر قرار دهند؛ بدین ترتیب سفر نتایج سودمندتری خواهد داشت.

۵. همراه داشتن وسایل نقاشی؛ قبل از سفر می‌توان یک زیردستی مخصوص برای نقاشی و نیز چند قلم تهیه کرد؛ به این ترتیب بچه‌ها می‌توانند بخشی از طول سفر را با نقاشی کردن بگذرانند. با این کار زمانی در سکون و آرامش فراهم می‌شود که در این مدت می‌توان نکته‌های اخلاقی زیست محیطی را به آن‌ها گفت.

۶. انتخاب زمان مناسب برای سفر؛ تأثیر زمان مناسب در بهره‌گیری فرزندان از مظاهر زیست محیطی را نباید فراموش کرد.

۷. پرورش روحیه عبادت و معنویت؛ جوانان آماده‌ترین گروه برای شنیدن و دیدن مسایلی معنوی هستند؛ از این رو بیان شیوا و ساده، توجه دادن به مظاهر خلقت و جلوه‌های معنوی و ایمان، فرصت خوبی در طول سفر است. توجه به اقامه‌ی نماز و توقف کوتاه در نزدیک اماکن عبادی و مذهبی؛ همچون زیارت‌گاه‌ها و مساجد بین راه از خاطرات خوش سفر می‌تواند باشد؛ البته باید توجه داشت که در طول سفر تنها این‌گونه مکان‌ها محل توقف و دیدن نباشد، بلکه بخشی از گذرگاه‌های سفر به حساب آید.

توصیه‌های زیست‌محیطی در سفر^۱

۱. مراقب باشید گونه‌های گیاهی و جانوری غیربومی را به محیط ناآشنا با محیط‌زیست آن‌ها وارد نکنید.
۲. مواد زاید و زباله را در محل مناسب قرار دهید، یا حتی در صورت امکان در محل‌های جمع‌آوری زباله بگذارید.
۳. تا جایی که امکان دارد، اتومبیل را روشن نگذارید.
۴. در رودخانه‌ها و تالاب‌ها از موادشوینده استفاده نکنید.
۵. کیسه‌های پلاستیکی را در محیط خشکی رها نسازید. این توصیه را در محیط‌های آبی جدی‌تر بگیرید.
۶. هنگام غروب با احتیاط و دقت بیشتر رانندگی کنید تا در برخورد با حیوانات وسط جاده، اتفاق ناگواری رخ ندهد.
۷. با آداب و رسوم محلی و تنوع فرهنگی کشور، به ویژه در روستاها آشنا شوید.

۸. با گشت‌های طبیعت‌گردی به گردش بروید تا در مورد تنوع زیستی، دیدگاهی تازه و چند جانبه به دست آورید.

۹. از پارک ملی یا جنگلی نزدیک محل زندگی خود دیدن کنید.

دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری همراه داشته باشید و از مکان‌های زیبا و دیدنی تصویربرداری کنید.

فصل ششم

محیط زیست طبیعی

(آبی گیاهی)

محیط زیست طبیعی

اوامر و نواهی شارع مقدس درباره محیط زیست نباتی نشان می‌دهد که موجودات طبیعی هم حق حیات دارند و استفاده بشر از آنها محدود به قوانینی است که باعث تخریب محیط زیست جهان نشود. در احادیث و سیره پیامبر ﷺ درباره موجودات طبیعی مثل درختان و فضای سبز و آب، اوامر و نواهی فراوانی دیده می‌شود که در فضای آلوده عالم در عصر جدید مهم و با ارزش است. مباحث این فصل را در دو بخش بیان می‌نماییم:

۱-۶- آب

آب، اصلی‌ترین عامل پیدایش حیات و زندگی در عالم است. آب ماده‌المواد یا عامل حیات جهان مادی است. آب مایه تطهیر انسان و همه موجودات در جهان است.^۱ آب خون زمین است که اگر لحظه‌ای نباشد، تمام اعضا و جوارح عالم طبیعت از کار می‌ایستند و ادامه حیات ممکن نیست.

آب در ادیان، ملل، فرهنگ‌ها و سنت‌های گوناگون، موجودی منحصر به فرد در عالم ماده تلقی شده و حتی در بعضی ادیان و فرهنگ‌ها موجودی مقدس جلوه کرده است.

در اسلام نیز آب جایگاهی ویژه دارد. قرآن کریم آب را موجودی آسمانی و نازل شده از عالم بالا می‌داند و آن را یکی از مهمترین نعمت‌های الهی می‌شمارد که حیات هر جنبه‌ای از آن تشکیل شده است. از سوی دیگر آیات و روایات اسلامی به شدت

آدمیان را از اسراف و مصرف بی‌رویه آب پرهیز می‌دهند. در روایات به ارزش آب، آداب نوشیدن و مصرف آن و حتی نگاه به آب سفارش‌های بسیاری شده است.

۶-۱-۱- ویژگی‌های منحصر به فرد آب

آب از جنبه‌های مختلف به موجودات مجرد شباهت دارد؛ همچون انعطاف‌پذیری، پذیرش اشکال مختلف هندسی به سهولت و آسانی، خاصیت زداینده‌ی سریع و کامل، روانی و حرکت، قدرت و سلطنت، هستی بخشی و حیات، جریان و سَریان در بطن و سویدای موجودات، نیازمندی موجودات به آن، خاصیت انجماد و عدم انجماد، آشکار و پنهان بودن، برخورداری از شعور و ادراک، تأمل در این خصوصیات آدمی را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که آب تنها موجود در عالم جسم و ماده است که برخی از ویژگی‌های موجودات روحانی و مجرد را داراست.

۶-۱-۲- آب در تاریخ فلسفه، ادیان و عرفان

الف- تاریخ فلسفه

تاریخ فلسفه یونان با شرح آراء تالس شروع می‌شود؛ زیرا هیچ فیلسوفی قبل از او شناخته نیست. ارسطو او را بنیانگذار فلسفه می‌داند. از نظر تالس اصل همه اشیاء آب است، و برای کثرت جهان وحدتی در کار است و همه اشیاء متکثر عالم منشاء واحدی دارند و از یک چیز ساخته شده‌اند.

اشیاء عالم همانند امواج یک اقیانوس هستند که با آن که متفاوتند اما همه از دل آب برخاسته‌اند و به آب باز می‌گردند، آب هم عنصر اولی همه موج‌ها است و هم عنصر

نهایی آن‌ها و هر موجی آب است، از آب است و به آب خاتمه می‌یابد، این ماده‌المواد، آب است.

از نظر تالس، زمین بر آب قرار گرفته است. زمین کره‌ای شناور بر آب نیست. بلکه به شکل یک استوانه کم ارتفاع است که بر آب شناور است. این ادعای تالس بر اساس علوم تجربی نادرست است. و ادعای اول او یک نظریه فلسفی است.^۱ و اگر مقصود او از «اصل» پروردگار و خالق عالم باشد، قابل رد است؛ اما اگر منشاء حیات مادی باشد، با دیدگاه ادیان توحیدی سازگار است.

ب- یهود و مسیحیت

دین پژوهان ادیان را به ادیان توحیدی و غیر توحیدی تقسیم کرده‌اند. ادیان توحیدی را یهودیت، مسیحیت و اسلام دانسته‌اند، هرچند در ادیان توحیدی و غیر توحیدی آب از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است؛ لکن در این نوشتار ابتدا و به طور مختصر به ادیان توحیدی پیش از اسلام یعنی یهودیت و مسیحیت می‌پردازیم و آنگاه اشاره‌ای به نظر قرآن خواهیم داشت.

جایگاه ویژه آب در دین یهود از آن جا آشکار می‌شود که قوم یهود اولین بار برای رهایی از دست فرعون به سوی آب می‌گریزند و در مواجهه با آب دریا نجات آن‌ها در آنجا محقق می‌شود و حضرت موسی علیه السلام پیامبر این قوم با اشاره‌ای به دریا دوازده راه برای آن‌ها در درون آب می‌گشاید و همین آب برای فرعونیان موجب هلاکت و سده طریقی می‌شود. مسلماً این حرکت و عمل را نباید با نگاهی ظاهری تفسیر کرد، بلکه سر

۱. ملکیان، مصطفی، تاریخ فلسفه غرب، ج ۱، ص ۲۸.

و رازی در داستان وجود دارد که از چشم ظاهربین و مادی نگر پنهان است، یک سر آن استعداد فرمان‌پذیری و تغییرپذیری فوق‌العاده در این ماده نه زمینی و نه آسمانی است. خداوند چنین می‌فرماید: که از این خواهی دانست که خداوند منم اینک به عصائی که در دستم هست، آب‌های نهر را می‌زنم بخون مبدل خواهد شد، و خداوند به موسی گفت که به هارون بگو عصای خود را گرفته دستت را بر آب‌های مصر بالای نهرهایش و رودهایش و حوض‌هایش و تمامی مجمع آب‌ها دراز کن تا خون شود و در تمامی زمین مصر هم در ظروف چوبین و هم به ظروف سنگی خون خواهد شد.^۱ قبل از این مادر موسی برای نجات فرزند خود، او را به دریا می‌افکند و این آب است که با حرکت خود موسی را نجات می‌دهد.

در مسیحیت نیز غسل تعمید برای کسانی که می‌خواهند حقیقتاً مسیحی باشند واجب است. در غسل تعمید با مراسم خاصی فرد مسیحی ورود به این دین پیدا می‌کند و از طهارت برخوردار می‌شود.

بنابراین آب در دین مسیح از یک سو هم ظاهر و هم مطهر است و از سوی دیگر از نوعی تقدس و حتی تقدس‌آفرینی برخوردار می‌باشد. در ساعتی که خروس می‌خواند، آنان نخست بر آب دعا می‌خوانند. هنگامی که نزد آب می‌آیند، آب باید زلال و روان باشد. همگی جامه‌های خویش را بیرون آورند. آنان نخست کودکان را تعمید می‌دهند. اگر کودکان می‌توانند پاسخ بدهند، باید خودشان پاسخ دهند؛ ولی اگر نمی‌توانند، والدین ایشان یا کسی دیگر از خانواده پاسخ می‌دهد. سپس مردان بزرگسال تعمید می‌گیرند و سرانجام، زنان که گیسوان خویش را می‌کشایند و زیور آلات طلائی را کنار

۱. کتاب مقدس، سفر خروج، ص ۱۱۴.

می‌گذارند. هیچ کس نباید هنگامی که وارد آب می‌شود، شیئی خارجی همراه خویش داشته باشد.^۱

امروزه نیز چشمه شهر لوردز در فرانسه از تقدس خاصی برخوردار است. این چشمه «به مخزن معجزات» نیز معروف است. این آب دارای hado عشق است و عشق را جایگزین نفرت می‌کند. سالیانه بیش از چهار میلیون نفر از سراسر دنیا برای دیدن چشمه به آن مکان می‌روند. مردم فرانسه معتقدند آب چشمه لوردز شفابخش است و تاکنون ۶۸ مورد شفای معجزه آسا بوسیله آب این چشمه توسط مقامات رسمی کلیسای کاتولیک رومان گزارش شده است.^۲

ج- آب در فرهنگ اساطیری ایران

آب یکی از چهار عنصر اصلی آفرینش است که در نزد ایرانیان، مقدس و ایزدی از ایزدان به شمار می‌رفته است. از قدیم‌ترین ایام در ایران، همانند جهان بینی کهن سومری، معتقد به نقش آفرینندگی آب در نظام جهان بوده‌اند. از این رو، بارها در اوستا به اهمیت و تقدس آن اشاره شده است. در «آبان پشت» و «تیر پشت» درباره آب سخن رفته و آن‌هایتا (به معنی پاک و بی آلایش) یا ناهید، همچون ایزد بانوی بزرگ آب و باروری، ستایش شده است.^۳

مورخان یونانی ستایش عنصر آب را به ایرانیان نسبت داده و می‌نویسند: ایرانیان در آب بول نمی‌کنند، آب دهان نمی‌اندازند و در آن دست نمی‌شویند؛ که البته مقصود آب

۱. پیتز، افئی، مجموعه مقالات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ص ۴۳۶.

۲. ایموتو، ماسارو، پیام‌های آب، ترجمه: سید حسین عمادی، ص ۲۷.

۳. فولادی، محمد، بررسی جایگاه و تقدس آب در اسطوره‌های ملل، مجموعه مقالات همایش نگاه قدسی به آب، ص ۴۲۴.

جاری است که باید از هر گونه کثافت به دور بماند. ایرانیان هم چنین طی مراسمی، برای آب قربانی و فدیة می دادند. در روایات تاریخی هست که یک قرن قبل از میلاد ایرانیان، هنگام قربانی برای فرشته آب، در کنار رود یا سر چشمه و کرانه دریا گودالی می کنند و در کنار آب قربانی می کرده اند، به طوری که آب به خون قربانی آلوده نمی شده است. این مراسم و احترامات تا قرون پنجم و ششم میلادی نیز ادامه داشته است.

در نقش هایی که از شوش به دست آمده، معلوم شده که در بین النهرین و خوزستان، ایزدی به نام «ای» (Ea) می شناخته اند که خدای آب و چشمه زندگی بوده و لقب «کوزه گر» داشته است. گاهی هم او را خدای حکمت و دانش شمرده اند. قدما بر آن بودند که آدم و حوا را «آ» ساخته است. در باختر فارس، بر سر راه باستانی شوش به تخت جمشید نقوشی از دوره ایلامیان به دست آمده که مشتمل بر دو رب النوع، یکی به صورت مرد و دیگری به صورت زن است.^۱

عنصر آب دو فرشته نگهبان دارد: یکی «اپم نپات» (Apemnapat) و دیگری آناهیتا یا ناهید که به عنوان فرشته است. اسم کامل این فرشته «اردویسور ناهید»، و چون مؤنث است، گاهی کلمه «بانو» را هم به اول آن اضافه می کنند. در متون اوستایی، گاهی «آب» به عنوان فرشته این عنصر معرفی شده است. جلوه های قداست آب در فرهنگ ایرانی بسیار است که این جلوه ها هم ابعاد مثبت و سازنده آب را در بر می گیرد و هم در بردارنده بعد منفی آب مثل طوفان و هلاکت باری آن است.^۲

۱. همان.

۲. همان ص ۴۲۴.

د- آب در نزد عارفان

عارفان همواره به آب از جوانب مختلف نظر داشته‌اند. در آثار عارفان بطور عام و به ویژه عارفان مسلمان آب از قداست برخوردار بوده است. آب نشانه‌ی حیات، و مظهر حقیقت مطلق است. دیدن آب در رویا نیز معمولاً از سوی معبران به روشنائی، علم و دانش، ثروت و غنی، سلطنت و پادشاهی، بزرگی و آقایی تعبیر شده است.

در اشعار عارفان، آب همواره استعاره‌ای از پاکی و صداقت، علم و معرفت، نور و روشنائی، حلم و بردباری، صافی و سادگی، حیات بخشی و سرزندگی، روانی و حرکت، فزونی و برکت، بزرگی و احتشام بوده است.

مولوی در دفتر ششم مثنوی معنوی درباره بزرگی و کرم آب می‌گوید:

آب دارد صد کرم صد احتشام که پلیدان را پذیرد و السلام^۱
آب صد گونه بخشندگی و صد گونه بزرگواری دارد که آلودگان را به خود
می‌پذیرد.

وی در جای دیگر با بیان تقابل بین آتش و آب، آتش را دشمن موجودات زنده می‌داند و موجودات زنده را فرزند آب معرفی می‌کند، لذا به این دلیل آب را دشمن آتش و خاموش کننده آن می‌داند.

نار خصم آب و فرزندان اوست همچنانکه آب خصم جان اوست

آب آتش را کُشد زیرا که او خصم فرزندان آبست و عدو^۲

در جای دیگر آب را استعاره حلم می‌داند و آتش را استعاره آتش.

۱. مولوی، مثنوی، دفتر ششم، شماره ۱۲۰۵.

۲. همان، دفتر اول، شماره ۱۰.

آب حلم و آتش خشم ای پسر هم ز حق بینی چو بگشایی بصر^۱
هم چنین آب را مظهر چالاکی و پویایی به سوی یار خود و گِل را مظهر سنگینی و
ایستایی در جای خود می‌داند.

آب می‌خواهد که در دریا رود گل گرفته پای آب و می‌کشد
گر رهاند پای خود از دست گِل گِل بماند خشک و او شد مستقل^۲

امام خمینی علیه السلام در کتاب شریف سرالصلوة می‌نویسد: «بعضی از اهل معرفت گوید که طهور یا آب است که سرّ حیاتی است، که آن اصل علم است برای مشاهده حیّ قیوم تعالی، قال تعالی: «و انزلنا من السماء ماءً طهوراً لنحیی به»^۳ و قال جلّ و علا: «و ينزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجس الشیطان ...» نویسنده گوید: اصل آب رحمت اطلاقی وجود است، قال تعالی: «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ»^۴.

و عن الصادق علیه السلام: «تتأمّ الی الماء تتأمّ الی رحمة الله»، به آب نزدیک شو همانند آنکه به رحمت خدا نزدیک می‌شوی و آن اصل تجلی ذاتی است بی‌تعلق به مرآت و تعیین در مجالی آیات»^۵.

در بیان سرّ طهارت توسط آب، امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «پس، تو ای عارف به معارف الهیه و سالک سبیل عواطف غیبیه، چون اراده‌ی طهور مطلق کردی و از قیود حجب الفاظ و عبارات خارج شدی، توجه به آب نازل از ابر رحمت کن به قشر خود و تطهیر قذارات صوریه نما و به آداب فرایض و سنن آن قیام کن، زیرا که آب را خداوند

۱. همان، شماره ۸۵۷.

۲. همان، دفتر سوم، شماره ۲۲۵۶.

۳. فرقان/۴۸.

۴. انبیاء/۳۰.

۵. امام خمینی، سرالصلوة، ص ۴۱.

مفتاح قرب و مناجات و دلیل بساط خدمت قرار داده، و توجه به آب نازل از سماء رحمت غفاریت کن به باطن خود؛ و تطهیر قذارات معاصی نما با قیام به آداب فرایض و سنن آن که علی علیه السلام در باب توبه فرموده؛ زیرا که آب رحمت غفاریت را خداوند مفتاح قرب و مناجات و دلیلی به بساط خدمت قرار داده، و توجه به آب نازل از سماء مشیت کن به قلب خود و تطهیر قذارات قلبیه و کدورات معنویه نما؛ زیرا که آن، مفتاح قرب معنوی و دلیل بساط خدمت است.^۱

آنچه از بیان نورانی آن عارف واصل (حضرت امام خمینی رحمته الله علیه) برای ما حاصل می‌شود، اسرار و رموز بسیاری است که در آب وجود دارد و با التفات به آن می‌توان توجه به عالم ملکوت و بلکه لاهوت پیدا نمود و البته که بسیاری از آن اسرار و رموز هنوز بر ما که در عالم ناسوت به سر می‌بریم، مکشوف نیست.

ایشان با اشاره به برخی از رموز چنین می‌فرماید: «یکی از نکات حدیث شریف آن است که آب یکی از مظاهر بزرگ رحمت حق است که در عالم طبیعت آن را نازل فرموده و مایه‌ی حیات موجودات آن را قرار داده بلکه رحمت و اسعه‌ی الهیه را که از سماء رفیع‌الدرجات حضرت اسماء و صفات نازل و اراضی تعینات اعیان به آن زنده گردیده، اهل معرفت به آب تعبیر نمودند. و چون در آب ملک‌ی ظاهری جلوه رحمت و اسعه‌ی الهیه از دیگر موجودات دنیائی بیشتر است، حق تعالی آن را برای تطهیر از قذارات صوریه قرار داد؛ بلکه آب رحمت حق در هر نشئه‌ای از نشئات وجود، و در هر مشهدی از مشاهد غیب و شهود نزول و ظهور کند، تطهیر ذنوب عبادالله نماید موافق با آن نشئه و مناسب آن عالم. پس با آب رحمت نازل از سماء احدیت، ذنوب عینیت

تعینات اعیان تطهیر شود و با آب رحمت و اسعه‌ی از سماء واحدیت، ذنوب عدمیت مهیات خارجیّه تطهیر شود و در هر مرتبه از مراتب وجود مطابق آن مرتبه»^۱.

و در مراتب نشئات انسانیّه نیز آب رحمت را طهوراتی است مختلفه، چنانچه از آب نازل از حضرت ذات به تعینات جمعیه برزخیّه ذنوب سرّ وجودی تطهیر شود؛ «وجودکَ ذنب لا یقاس به ذنب». و با آب نازل از سماء حضرت حکم عدل، قذارات خلقیه باطنیه تطهیر شود. و با آب نازل از سماء غفاریت، ذنوب عباد تطهیر شود. و با آب نازل از سماء ملکوت، قذارات صوریه تطهیر شود.

«پس معلوم شد که حق تعالی آب را مفتاح قرب و دلیل بساط رحمت خویش قرار داده. پس از آن در حدیث شریف دستور دیگری دهد و راه دیگری برای اهل سلوک و مراقبه مفتوح نموده، می‌فرماید: و تفکر نما در صفای آب و رقت و طهارت و برکت آن و لطافت ممزوج شدن آن با هر چیزی و استعمال آن را در تطهیر آن اعضائی که خداوند امر فرمودند تو را به پاکیزه نمودن آن‌ها و ادا کن آداب آن را در فریضه‌ها و سنت‌های الهی؛ زیرا که در تحت هر یک از آن‌ها فائده است بسیار که چون استعمال نمائی آن را به احترام، منفجر شود از برای تو در نزدیکی چشمه‌های فایده‌های آن»^۲.

عارف بزرگ آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی (استاد عرفان حضرت امام خمینی رحمته‌الله) نیز در این باره در کتاب شریف اسرارالصلوة خود می‌نویسد:

«خداوند می‌فرماید: «وهو الذی ارسل الرّیاح بشراً بین یدی رحمته و انزلنا من السماء ماء طهوراً»^۳ (اوست آنکه فرستاد بادهای را مژده پیشاپیش رحمتش را و فرو

۱. همان، ص ۴۴.

۲. امام خمینی، پرواز در ملکوت، ص ۱۴۲.

۳. فرقان/۴۸.

فرستادیم از آسمان آبی پاک و پاک کننده). و در جای دیگر می‌فرماید: «وجعلنا من الماء کلّ شیء حی / افلا یؤمنون»^۱ (و ما از آب هر چیز را زنده قرار دادیم آیا ایمان نمی‌آورید؟)

پس هم چنان که ذات اقدس حق هر چیزی از نعمت‌های دنیائی را به آب زنده گردانیده، همانگونه هم به فضل و رحمت خود حیات و زندگی دل‌ها را به طاعات قرار داده است. و تفکر در صفای آب و رقت و برکت و پاکیزگی‌اش و امتزاج و در هم آمیختن آن با هر چیزی و در هر چیزی و استعمال آن در پاکیزه ساختن آنچه که خدا امر به تطهیر آن نموده، متضمن فواید زیادی است که با تأمل در هر یک از این امور فوایدی نصیب تو خواهد گشت.

هم چنین سزاوار است که در معاشرت با خلق چون آب باشی که با هر چیزی که درمی‌آمیزد، حق او را ادا می‌کند؛ بدون اینکه هویت خود را از دست دهد و این سخن پیامبر ﷺ را در نظر آوری که فرمود: «مَثَلُ مُؤْمِنٍ خَالِصٍ مَثَلُ آبٍ اسْت». و جمیع طاعات و عبادات خالص برای خدا باشد و هم چون آب که وقتی از آسمان فرود می‌آید، پاک و خالص بوده و ظهور نامیده شده است، و چون اعضاء و جوارحت را با آب شستشو می‌دهی و پاکیزه می‌سازی، قلبت را هم به تقوی و یقین طاهر و پاکیزه سازی»^۲.

۱. انبیاء/۳۰.

۲. ملکی، میرزا جواد آقا، اسرار الصلوة، ص ۵۴.

ذ- آب در قرآن

در چهل و سه سوره قرآن شصت و سه مرتبه از آب (ماء) یاد شده است؛ از جمله این که آب منشاء حیات مادی عالم است. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»؛^۱ (و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم).

از نظر علامه طباطبایی این آیه و آیه ی بعد در مقام برهان بر توحید خداوند در ربوبیت و تدبیر عالم و در مقابل وثنی‌ها است که خلقت را به خداوند و تدبیر را به الهه‌ها نسبت دادند و در ردّ نظر آنان به موجوداتی که در خلقت و تدبیر آن‌ها جدایی تصور ندارد، اشاره می‌فرماید، زمین و آسمان که ابتدا یک پارچه بودند و بعد از یکدیگر جدا شده‌اند و چنین خلقتی از تدبیر جدا نیست.^۲

در آیه‌ی شریفه‌ی جَعَلَ، فعل و «کُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ» مفعول آن است، یعنی آب دخالت تامی در هستی موجودات زنده دارد. «کُلُّ شَيْءٍ» با توجه به سیاق آیات بعدی شامل همه موجودات محسوس است.

در سوره نور می‌فرماید:

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ»؛^۳ (و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید پس پاره‌ای از آن‌ها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آن‌ها بر روی دو پا و بعضی از آن‌ها بر روی چهار [پا] راه می‌روند).

۱. انبیاء/۳۰.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۳. نور/۴۵.

در آیه قبل از آن آمده است: «و [خداست که] از آسمان از کوه‌هایی [از ابر یخ‌زده] که در آنجاست، تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد، نزدیک است روشنی برکش چشم‌ها را ببرد».^۱

یعنی همانطور که تگرگ را می‌فرستیم باران را هم نازل کردیم و تمام جانداران را از آب آفریدیم و از باب مثال سه قسم از آفریدگان را آورده است: انسان، خزندگان و چهار پایان.

هم‌چنین از تصفیه آب در قرآن سخن به میان آمده است: «وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا»؛^۲ (در زمین کوه‌های بلند نهادیم و به شما آبی گوارا نوشانیدیم).

آب با عبور از لایه‌های کوه‌ها تصفیه می‌شود و بین بلندی کوه و خوشگواری آب‌ها نسبت مستقیم است و هر چه کوه مرتفع تر باشد آب بهتر تصفیه می‌شود.^۳

ر- آب در احادیث

در احادیث پیشوایان دین در ارزش مظاهر محیط زیست از جمله آب و رفتار درست و ناصحیح درباره‌ی آن‌ها بیانات فراوانی دیده می‌شود.

پاکی و طهارت و نظافت، شرط ایمان یا نصف و نشانه‌ی ایمان است که اصلی‌ترین وسیله طهارت، آب است و لذا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الماء يطهر ولا يطهر»؛^۴ (آب پاک کننده است، نه پاک شده)؛ یعنی لازم نیست با چیز دیگری پاک شود. و

۱. نور/۴۴.

۲. مرسلات/۲۷.

۳. شریعت پناهی، محمد، اصول کیفیت و تصفیه آب و فاضلاب، ص ۵۷.

۴. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۰.

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت است که: «خَلَقَ اللهُ المَاءَ طَهُوراً»؛^۱ (خداوند آب را به عنوان پاک کننده آفرید). حتی از امام علیه السلام می پرسند: آب چه طعمی دارد؟ فرمود: «طعمُ المَاءِ طعمُ الحیات»؛^۲ (مزه ی آب، طعم و مزه ی زندگی است).

آب در روایات، برترین نوشیدنی است. از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «بهترین نوشیدنی بهشت، آب است»^۳ و در بیانی از علی علیه السلام: آب برترین شراب دنیا و آخرت است.^۴

ثواب زیادی در احادیث برای احیاء کننده چشمه ها و قنات ها دیده می شود و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «سَبَّحُ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرٌ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ مَنْ عَلمَ أَوْ كَرِيَ نَهراً أَوْ حَفَرَ بئراً أَوْ غرس شجراً أَوْ بنى مسجداً أَوْ ورث مصحفاً أَوْ ترك ولدأ يستغفر له بعد موته»؛^۵ (هفت چیز است که مثل صدقه جاریه برای فرد بعد از مرگش جریان دارد: کسی که تعلیم علم نماید یا نهری جاری کند یا چاهی حفر نماید یا درختی را بکارد یا مسجدی را بنا کند یا مصحفی به ارث بگذارد یا فرزندی که بعد از مرگ برای او استغفار نماید). در این حدیث جاری کردن نهر آب و کاشتن نهال و حفر چاه را با بنای مسجد و تعلیم علم و فرزند صالح برابر دانسته است.

ز- آلودگی آب

همانطور که گفته شد آب منبعی ضروری برای حیات در کره ی زمین است. ولی این منبع حیاتی با آلوده شدن و استفاده ی نادرست، مشکلات فراوانی را به وجود آورده

۱. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۴۷.

۳. کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۳۸۱.

۴. همان.

۵. عمر الرباط، البینه، ص ۱۳۰.

است. امروز مدیریت آب به علت رشد جمعیت و تولیدات کشاورزی و رشد صنعت با دو مشکل مواجه است:

- آب در بسیاری از بخش‌های کره زمین منبعی کمیاب است.

- در همه مناطق، کیفیت آب رو به تنزل است.^۱

آلودگی آب ممکن است از طریق پساب‌های تصفیه‌ای از مواد زائد یا دارای تصفیه نامناسب و یا از طریق مواد مصرفی زیان‌آور در کشاورزی (کودها و آفت‌کش‌ها) و یا مواد شیمیایی سمی و دفع زباله‌ها باشد که باعث بیماری‌هایی مثل وبا، تب حصبه و اسهال خونی می‌شود.^۲

آلودگی آب و منابع آبی در دو قرن اخیر با پیشرفت صنعتی و سیطره‌ی تفکر انسان مدارانه‌ی سکولاریستی در غرب بیشتر شد. در مقابل در حقوق بین‌الملل توافق نامه‌هایی در مورد کشتیرانی، آبیاری و موارد دیگر تنظیم شده تا از تخریب منابع آبی کاسته شود.

قواعدی در سال ۱۹۶۶ م. در هلسنکی و در سال ۱۹۶۷ م. منشور آب اروپایی تصویب شد. حقوق منابع آب در سال ۱۹۹۷ م. به تصویب سازمان ملل متحد رسید. در ایران در سال ۱۳۳۵ ش. اولین قوانین وضع شد که بر اساس آن، اقداماتی که سبب خسارت به محیط زیست و منابع آبی بشود، جرم محسوب می‌شود. قانون شکار و صید در سال ۱۳۴۶ تصویب شد که بر اساس ماده ۱۱ و ۱۲ آن آلوده کردن آب و

۱. هلاب و هویسمان، حقوق محیط زیست ۲، ص ۷۵.

۲. فضلان خالد، اسلام و محیط زیست، ص ۶۶.

تخریب چشمه‌ها پیگرد قانونی داشته و مرتکب آن به جزای نقدی و جسمی محکوم می‌شود. در آذر ماه ۱۳۷۰ و شهریور ۱۳۷۴ قوانین کامل‌تری وضع شد.

با همه‌ی قوانینی که در ایران و جهان به منظور جلوگیری از تخریب محیط و منابع آبی به تصویب رسیده است، روند تخریب همچنان ادامه دارد. گرچه قوانین کیفری ضروری است اما به نظر می‌رسد ترویج اخلاق زیست محیطی که ریشه در ادیان الهی و تمدن‌های بشری دارد، ضروری‌تر است.

س - اخلاق و آب

امروزه بشر اذعان دارد که آب ماده‌ی حیاتی تمام ارگانیسم‌های زنده‌ی روی زمین است و مکانیسم حیات بدون آب و به ویژه آب شیرین ممکن نخواهد بود و علاوه بر قوانین حقوقی و کیفری، رعایت اصول اخلاق زیست محیطی ضروری است. در ادیان الهی از جمله در اسلام همانطور که در نوع رابطه‌ی مثبت یا منفی هر فرد با خداوند و با خود و با هم‌نوعان احکام و دستورات اخلاقی دیده می‌شود، در نوع رابطه‌ی با مظاهر زیستی طبیعت هم اوامر و نواهی زیادی دیده می‌شود.

در قرآن کریم از اسراف و تبذیر نهی شده^۱ که یکی از موارد مهم آن آب است. دیدگاه قرآنی تأکید بر نظافت است، اما از زیاده روی نهی می‌شود و اعتدال باید رعایت شود. در سیره پیامبر ﷺ نقل شده است که فرد اعرابی خدمت حضرت رسید و درباره‌ی وضو گرفتن پرسش نمود و حضرت فرمود: سه بار، سه بار. وی سؤال کرد اگر بیشتر از سه بار برای وضو آب بریزیم چطور؟ پیامبر ﷺ فرمود: «فَمَنْ زَادَ عَلٰی هٰذَا

۱. انعام/۱۴۱؛ اعراف/۳۱؛ اسراء/۲۷.

فَقَدْ آسَاءَ وَتَعَدَّى وَظَلَمَ»؛^۱ (بیش از سه باری ظلم و تعدی و گناه است). بر این اساس، از دیدگاه عالمان دینی حتی در طهارت و وضو هم بیش از سه بار آب ریختن بدعت و حرام است.

با همه‌ی ارزشی که برای آب ذکر شده است، در مقابل احادیثی در سخنان پیشوایان دین دیده می‌شود که نشان می‌دهد هشتاد درصد بیماری‌ها، ناشی از آب آلوده است و لذا چهارده قرن قبل پیامبر ﷺ فرمود: «الماء المغلی ینفع من کلّ شیءٍ ولا یضّر من شیءٍ»^۲ (آب جوشیده بطور کامل سودمند است و هیچ ضرری ندارد).

برای آن که آب باعث آلودگی محیط زیست نشود و همچنان مایه‌ی حیات باشد، فرمود: «خَمَّرَ الْإِنِیةَ وَأَوَّكُوَ الْأَسِیْقَةَ»؛^۳ (درب ظروف و مشک آب را ببندید).

تلوث یعنی آلوده کردن آب در شریعت نهی شده است؛ زیرا آلودگی آب باعث ضررهای جسمانی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. بر این اساس از رسول اعظم ﷺ روایت شده است که: «ذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلَا یَتَنَفَّسُ فِی الْإِنَاءِ»؛^۴ (وقتی آب می‌نوشید، در آن فوت نکنید). امروز اثبات شده است که بازدم در آلودگی آب و غذا تأثیر جدی دارد. هم‌چنین در حدیث دیگری فرمود: «لَا یَبْلُوْکُنَّ أَحَدُکُمْ فِی الْمَاءِ الرَّاکِدِ الْإِنْدِی لَیَجْرِی ثَمَّ یَغْتَسِلُ فِیهِ»؛^۵ (هیچ یک از شما در آب راکد که جاری نیست و مورد استفاده قرار می‌گیرد، ادرار نکند).

۱. سیجانی، عبدالله، احکام البیئة فی الفقه الاسلامی، ص ۱۹۶.

۲. کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۳۸۸.

۳. عمر الرباط، البیئة، ص ۱۲۹.

۴. همان، ص ۱۳۰.

۵. ص ۱۳۱.

همین حدیث با بیان دیگری از امام علی علیه السلام روایت شده است که علاوه بر رعایت اخلاق در مورد آب، رعایت آداب اخلاقی در مورد آبزیان ساکن در آب را هم باید مورد توجه قرار داد؛ «الماء له سگان فلا تؤذوهم ببولٍ و غائطٍ»؛^۱ (در آب آبزیانی هستند، آن‌ها را با بول و غائط آزار نرسانید).

استفاده از «ماء آجین» و «ماء آسین» یعنی آبی که در یک مکان به مدت زیاد راکد باشد و هم چنین زیاده روی در نوشیدن آب در روایات نهی شده است و لذا امام علی علیه السلام فرمود: «لا تکثر من شرب الماء فانه مادة لكل داء»؛^۲ (در نوشیدن آب زیاده روی نکنید؛ زیرا آب (آلوده) منشاء همه بیماری‌ها است).

و یا فرمود: «لا ینبغی الشرب فی انیة الذهب و الفضة»؛^۳ (در ظروف طلا و نقره آب نیاشامید). در دیدگاه دینی تطهیر آب آلوده با نزع و کشیدن و یا به هر طریق دیگر واجب بوده و استفاده از آب آلوده حرام است.

با توجه به احادیث بزرگان دین و تعلیمات قرآنی، در سخنان دانشمندان و عرفا و ادب فارسی نمونه‌های فراوانی در حفاظت و رعایت اخلاق زیست محیطی دیده می‌شود. در اینجا فقط به یک نمونه آن اشاره می‌شود:

آب را گل نکنیم

در فرو دست انگار

کفتری می‌خورد آب، یا که در بیشه ای دور سیرابی پر می‌شوید،

۱. وسائل الشیعه، احکام الخلوه، ص ۴۵.

۲. فروع کافی، همان، ص ۳۸۲.

۳. همان، ص ۳۸۵.

یا در آبادی کوزه‌ای پر می‌گردد.

آب را گل نکنیم، شاید این آب روان

می‌رود پای سپیداری

دست درویشی شاید نان خشکیده فرو برده در آب.^۱

۶-۲- محیط زیست گیاهی

۶-۲-۱- فضای سبز و درختکاری

فضای سبز و درختان چه به صورت فردی و چه در اجتماع زیستی خود به صورت جنگل، یکی از مهمترین نظام‌های حیات بخش انسان محسوب می‌شوند. ارزش‌های بی‌شمار درخت باعث گردیده است که در باورهای مذهبی و فرهنگی برخی از مردم جهان به حد پرستش برسد.

درختان وفادارانه خدمات بی دریغ خود را به بشریت عرضه می‌کنند و در مقابل، انسان همواره موجودیت آن‌ها را در سطحی گسترده مورد تهدید قرار داده است. توجه به اعتقادات و باورهای مذهبی، یکی از راه‌های جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و حفظ محیط زیست است.

اهمیت درختکاری در قرآن و احادیث

در قرآن، درختان و گیاهان نماد قدرت خداوندی هستند و انسان از طریق تفکر در آن‌ها به قدرت لایزال الهی پی می‌برد.^۲ در کتاب مقدس پیامبر خاتم درخت وسیله‌ای

۱. سپهری، سهراب، هشت کتاب، ص ۳۴۵.

۲. انعام/۹۹.

برای اطعام و بهره‌وری و معیشت انسان در راه رسیدن به کمالات معنوی و هدایت به سوی خداوند معرفی شده است.^۱ هم‌چنین قرآن درخت زیتون را شجره مبارکه نامیده،^۲ و خداوند به درخت و آنچه از آن بدست می‌آید، سوگند یاد کرده است.^۳

از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در ارزش درخت و ثواب درختکاری روایات زیادی ثبت شده است. هر میوه درخت، یک صدقه است؛ یعنی تا زمانی که درخت میوه بدهد، صدقه‌ای برای صاحب آن محاسبه خواهد شد. این مضمون در روایات پیامبر ﷺ تأکید شده است:

«ما من مسلم یغرس غرساً او یزرع زرعاً فیاکل منه انسان او طیر او بهیمة الا کانت له به صدقه».^۴

در اهمیت گل و گیاهان خوشبو، در حدیثی از پیامبر ﷺ بوییدن گل، استشمام رایحه نبوت و رسول الهی شمرده شده است:

«من اراد ان یشم رائحتی فلیشم الورد الأحمر»^۵، هرکس می‌خواهد بوی مرا استشمام کند، گل سرخ را ببوید».

در روایات به کاشتن نهال گیاهان و درختان حتی در آخرین لحظات عمر جهان طبیعت و قبل از پریایی قیامت تأکید شده است:

۱. حجر/۲۰-۱۹.

۲. نور / ۳۵.

۳. تین/ ۱-۲ و قلم/۲.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۷.

«اِذَا قَامَتِ السَّاعَةُ وَبَدَأَ أَحَدُكُمْ فِسِيلَهُ فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَلَّا يَقُومَ حَتَّى يَغْرَسَهَا فَلْيَفْعَلْ»^۱
 (اگر عمر جهان پایان یابد و قیامت برسد و نهالی در دست داشته باشید و به قدر کاشتن آن فرصت دارید، باید آن را بکارید).

امام باقر علیه السلام به نقل از پدرشان فرمود: «بهترین کارها کشاورزی است؛ آن را می‌کاری و نیکوکار و بدکار از آن می‌خورند. نیکوکار می‌خورد و از خدا برایت آمرزش می‌طلبد و بدکار می‌خورد و آنچه خورده او را لعن و نفرین می‌کند و چرندگان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند»^۲.

و در جای دیگر امام باقر علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین فرمود: (هر که با وجود داشتن آب و خاک نیازمند باشد، خدای (از رحمت خود) دورش گرداند)^۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: درباره آیه «مؤمنان باید به خدا توکل کنند» منظور از مؤمنان کشاورزان است.^۴

کشاورزی و درختکاری در سیره پیشوایان دین

یکی از مشاغل علی علیه السلام، در عصر رسالت و پس از آن، کشاورزی و درختکاری بود. آن حضرت بسیاری از خدمات و انفاقات خود را از این طریق انجام می‌داد.

۱. عمر الرباط، البيئة و جذور التربية البيئية، ص ۱۲۳.

۲. متقی هندی، کنز العمال. حدیث ۹۰۸۱.

۳. کلینی، الکافی. جلد ۵، ص ۲۶۰.

۴. قرب الاسناد. ص ۱۱۵.

به علاوه املاک زیادی را نیز که خود آباد کرده است وقف کرد. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «كَانَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَضْرِبُ بِالْمَرْوِ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ»^۱، «امیر المؤمنان بیل می زد و نعمت‌های نهفته در دل زمین را استخراج می کرد». هم‌چنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «کاری در نظر خدا محبوبتر از کشاورزی نیست»^۲.

آورده‌اند که مردی در نزد حضرت علی علیه السلام یک (وسق)^۳ خرما دید، پرسید مقصود از گردآوری این همه هسته خرما چیست؟ فرمود همه آن‌ها، به اذن خداوند، درخت خرما خواهند شد. راوی می‌گوید که امام علیه السلام آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی پدید آورد و آن را وقف کرد.^۴

حفر قنات توسط امیرالمؤمنین علیه السلام:

در سرزمینی همچون عربستان که خشک و سوزان است، حفر قنات بسیار حائز اهمیت است. امام صادق می‌فرماید: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زمینی از آنفال را در اختیار علی علیه السلام گذاشت و آن حضرت قناتی در آنجا حفر کرد که آب آن همچون فواره بیرون می‌زد. امام علیه السلام آنجا را یَتْبَع نامید. حضرت فرمودند: این قنات وقف زائران خانه خدا و رهگذرانی است که از اینجا می‌گذرند و کسی حق فروش آب آن را ندارد و فرزندانم هرگز آن را به میراث نمی‌برند.^۵

۱. کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۷۴.

۲. همان.

۳. یک وسق معادل شصت صاع و هر صاع معادل یک من است.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۲۳.

۵. کلینی، فروع کافی، ج ۷، ص ۵۴۳.

هم اکنون در راه مدینه به کوفه، منطقه‌ای بنام «بئر علی» است که علی عَلَيْهِ السَّلَام در آنجا چاه زده است؛ از بعضی سخنان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز استفاده می‌شود که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در راه مکه و کوفه چاه‌هایی حفر کرده است.^۱

اوج اهتمام اسلام به درختکاری و ایجاد فضای سبز و اخلاق زیست محیطی آنجا است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کاشتن نهال را بر نماز و عبادت ترجیح داده‌اند و لذا می‌فرماید: «اگر نهالی در دست داشته باشم و وقت نماز رسیده باشد، ترجیح می‌دهم اول نهال را بکارم، بعد نماز بگذارم».^۲ این سخن بیانگر مکلف بودن مؤمنین به اخلاق صحیح زیست محیطی است، همانطور که به نماز و عبادت مکلف هستند.

۶-۲-۲- نهی از قطع درختان

علاوه بر اوامر و تشویق‌هایی که در نهال کاری ذکر شده است، در سیره و گفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام موارد فراوانی یافت می‌شود که از تخریب فضای سبز و قطع درختان نهی کرده‌اند. این سنت و سیره برگرفته از قرآن کریم است که مصداق فساد در زمین را از بین بردن حرث و نسل می‌داند.^۳ مقصود از نسل، شامل انسان‌ها، حیوانات و پرندگان است و مراد از حرث، گیاهان به معنای عام است. در سیره نظامی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از شروع جنگ، لشکریان را به مواردی متذکر می‌شدند که یکی از آنها قطع نکردن درختان دشمن است.^۴

۱. ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. عمر الرباط، پیشین، ص ۱۲۵.

۳. بقره/۲۰۵.

۴. عمر الرباط، پیشین، ص ۱۲۶.

در سخنان پیامبر ﷺ از آتش زدن زراعت و درختان یا از بین بردن آنها بوسیله آب نهی شده است: «لا تحرقوا النخل ولا تعزقوه بالماء ولا تقطعوا شجراً مثمرَةً ولا تحرقوا زرعاً»^۱ (درخت نخل را آتش نزنید و با آب ویران نکنید و درختان میوه‌دار را قطع نکنید و مزرعه‌ها را نسوزانید).

وجود درخت حتی اگر میوه هم نداشته باشد، فواید زیادی دارد و از آن جمله:

- ۱- سبزی درخت باعث افزایش نور چشم می‌شود.
- ۲- سبزی درخت باعث طراوت و شادابی روح می‌گردد.
- ۳- اکسیژن فراوان در هوا منتشر می‌کند و باعث تصفیه هوا و کم شدن آلودگی می‌گردد.

۴- از فرسایش بیش از حد خاک جلوگیری می‌کند.

و فواید بسیار دیگر.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا تقطعوا الثمار فیصّب الله علیکم العذاب صبّاً»^۲

(درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بر سر شما عذاب سختی فرو می‌ریزد).

بشر پیشرفته قرون اخیر با قطع درختان و از بین بردن جنگل‌ها و فضای سبز زمینه ساز بحران زیست محیطی و عذاب الهی شده است و تنها راه خلاصی انسان‌ها از مشکلات، بازگشت به اصول اخلاقی و سنت و سیره انبیاء الهی - به ویژه رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم - است.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۱۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۶۴، حدیث ۸.

به پیروی از سخنان پیشوایان دین، در احکام و دستورات دینی هم به حفظ محیط و فضای سبز توجه شده است. مثل این حکم فقهی که در موقع تخلی، نشستن در جهت باد و در جاده و خیابان و کوچه و درب خانه و زیر درختی که میوه می‌دهد، مکروه است.^۱

نتیجه این که در مورد گیاهان و نباتات و آب، اوامر و نواهی فوق در صورتی که به مرحله اجراء برسد و مورد عمل دینداران قرار گیرد، بهترین تضمین برای حفاظت از گونه های گیاهی و بقاء سرسبزی محیط زندگی خواهد بود.

۱. امام خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۷۹.

فصل هفتم

محیط زیست جانوری

محیط زیست جانوری

حیوانات در این عالم نه فقط از این جهت که آفریده خدا هستند، بلکه به خاطر نقشی که در کارگاه آفرینش دارند، قابل احترام هستند و نباید به چشم بی‌اعتنایی به آن‌ها نگاه کرد. در فرهنگ اسلامی نباید کلمات قرآن را بدون وضو لمس کرد. این واژه‌ها نام خدا باشد یا انسان یا حیوانات (مثل کلب و نمل و بقره) فرقی نمی‌کند. در قرآن کریم از چهارپایان، حشرات و پرندگان در مسائل تاریخی و برای یادآوری نعمت‌های الهی و مثل زدن به آن‌ها جهت موعظه انسان‌ها سخن به میان آمده^۱ و در سی و یک مورد، سوره‌های قرآن با آن‌ها نامگذاری شده است. در آیات الهی، تدبّر در خلقت حیوانات و چهارپایان یکی از راه‌های شناخت خالق است،^۲ آن‌ها مورد الهام الهی قرار گرفته‌اند،^۳ در قیامت محشور می‌شوند^۴ و فوائد جسمانی و بهداشتی دارند.^۵

در احادیث و سیره پیامبران، ائمه^۷، و دیگر بزرگان بر حقوق حیوانات تأکید شده است و سخنان زیادی از پیشوایان دین در مورد جانوران نقل شده که در رساله‌های احکام دینی مجتهدان و در ادبیات فارسی به برخی از آن‌ها توجه شده است. در اینجا نمونه‌هایی از اوامر و نواهی در سخن و سیره الگوهای اخلاقی را ذکر می‌کنیم:

۱. نمل/۱۸، انعام/۳۸، اعراف/۱۳۳ و آیات دیگر.

۲. یس/۷۳-۷۱.

۳. نحل/۶۸-۶۷.

۴. انعام/۳۸.

۵. نحل/۶۸.

۷-۱- سلیمان در وادی مورچگان

یکی از پیامبران بزرگی که هم دارای مقام نبوت بود و هم دارای حکومت بی نظیر و بسیار وسیع، حضرت سلیمان است که نام مبارکش ۱۷ بار در قرآن آمده است. او با یازده واسطه به حضرت یعقوب می رسد و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل می باشد. سلیمان حکومت وسیعی به دست آورد که در آن جن و انس و پرندگان و چرندگان و باد، همه تحت فرمان او بودند و بر سراسر زمین فرماندهی می نمود. خداوند در قرآن مجید در تمجید او می فرماید:

"ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره با خداوند ارتباط داشت و به سوی خدا بازگشت می کرد و به یاد او بود"^۱

حضرت سلیمان در سیزده سالگی حکومت را به دست گرفت و چهل سال حکومت کرد و سر انجام در ۵۳ سالگی از دنیا رفت.^۲ مقام و عظمت ظاهری و باطنی سلیمان بسیار وسیع و بی نظیر بوده است که در اینجا به چند مورد اشاره می کنیم.

۷-۲- گفتگوی سلیمان و مورچه

خداوند همه نعمت ها را به حضرت سلیمان عطا کرده بود تا آنجا که به سخن حیوانات آگاهی داشت و می توانست با آنها گفتگو کند. روزی آن حضرت با لشکر عظیم اش که از جن و انس و پرندگان تشکیل می شد، با نظم و صف آراییی خاص و

۱. سوره ص/۳۰.

۲. مجلسی، بحار، ج ۱۴، ص ۷۳ (مطابق بعضی از روایات، حضرت سلیمان ۷۱۲ سال عمر کرد (کمال الدین صدوق، ص ۲۸۹، بحار ج ۱۴ ص ۱۴۰).

شکوه بی نظیر حرکت می کردند تا به وادی مورچگان رسیدند. سلیمان نیز کنار تختش بود و باد آن را با کمال نرمش و آرامش در فضا حرکت می داد.

در این هنگام مورچه‌ای خطاب به مورچگان گفت: «ای مورچگان! به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند؛ در حالی که نمی فهمند».^۱

سلیمان، صدای آن مورچه را شنید و از سخن او خندید و به یاد نعمت‌های الهی افتاد که خداوند آن چنان به او مقام ارجمند داده که حتی صدای مورچه‌ای را می شنود و از مفهوم آن آگاهی می یابد از این رو بی درنگ به یاد آن افتاد که باید خدا را شکر کند و برای تکمیل شکرش، سه تقاضا از خدا کرد و گفت: «خدایا! شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدرم و مادرم عطا نموده‌ای، به من الهام فرما و توفیقم ده که کارهای شایسته انجام دهم تا موجب خشنودی تو گردد و مرا در زمره بندگان شایسته‌ات قرار ده».^۲

در مورد این واقعه از امام رضا^۷ نقل شده که فرمودند. در حالی که سلیمان بر روی تختش در فضا حرکت می کرد، باد صدای آن مورچه را به گوش سلیمان رسانید. سلیمان در همان جا توقف کرد و به مأمورانش گفت: «آن مورچه را نزد من بیاورید»، مأموران بی درنگ آن مورچه را گرفتند و به حضور سلیمان بردند. سلیمان به آن مورچه فرمود: «آیا نمی دانی که من پیامبر خدا هستم و به هیچ کس ظلم نمی کنم؟ مورچه عرض کرد: آری این را می دانم. سلیمان فرمود: پس چرا مورچگان را از ظلم من هشدار دادی؟»

۱. سوره نمل: آیه ۱۸ یعنی عدالت لشکر سلیمان را قبول دارم ولی ممکن است از روی نا آگاهی ما را پایمال کنند.

۲. نمل / آیه ۱۹.

مورچه عرض کرد: «ترسیدم مورچگان حشمت و شکوه تو را بنگرند و مرعوب و شیفته زرق و برق دنیا شوند و در نتیجه از خداوند دور گردند، خواستم آن‌ها به لانه‌هایشان بروند و شکوه تو را مشاهده نکنند ...»

سپس مورچه به سلیمان عرض کرد: آیا می‌دانی چرا خداوند در میان آن همه نیروهای عظیم مخلوقاتش باد را تحت تسخیر تو قرار داد؟ سلیمان گفت: راز این موضوع را نمی‌دانم. مورچه گفت: مقصود خداوند این است که اگر همه مخلوقاتش را مانند باد در تحت تسخیر تو قرار داد، زوال و فناى همه آن‌ها مانند زوال و فناى باد است. (بنابراین اکنون که بنیاد جهان بر باد است، به آن مغرور مشو) سلیمان از این نصیحت پر معنای مورچه خندید (که این خنده، خنده‌ی عبرت بود).^۱

۷-۳- شکایت پشه به درگاه سلیمان

حضرت سلیمان که بر همه موجودات حکومت می‌کرد، زبان همه را می‌دانست و در ستیزه‌های بین آن‌ها داوری می‌کرد. روزی پشه‌ای از روی علف‌ها برخاست و به حضور سلیمان آمد و گفت: «به دادم برس و مرا از ظلم دشمن نجات بده» سلیمان گفت: «دشمن تو کیست و شکایت تو از او چیست؟».

پشه گفت، دشمن من باد است و شکایتم از باد این است که هر وقت به من می‌رسد، مرا مانند پرکاهی به این دشت و آن دشت می‌برد و سرنگون می‌کند. سلیمان گفت: «در درگاه عدل من، باید هر دو خصم حاضر شوند تا حرف‌های آن‌ها را بشنوم و بین آن‌ها قضاوت کنم.»

۱. العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۸۲ و ۸۳.

خصم تنها گر برآرد صد نفیسه هان دهان بی خصم قول او مگیر^۱
 پشه گفت: حق با تو است که باید خصم دیگر حاضر گردد.
 حضرت سلیمان به باد صبا فرمان داد تا در جلسه دادگاه حاضر شود و به اعتراض
 شاکی جواب دهد، باد بی درنگ به فرمان سلیمان تن نهاد و در جلسه‌ی دادگاه حاضر
 شد. سلیمان به پشه گفت: همین جا باش تا میان شما قضاوت کنم.
 پشه گفت: اگر باد اینجا باشد، من دیگر نیستم؛ زیرا باد مرا می‌برد.
 گفت: ای بشر! مرگ من از بود اوست خود سیاه این روز من از دود اوست
 او چو آمد من کجا یابم قرار کاو بر آرد از نهاد من دمار^۲
 آری این جریان را دریاب و بدان که اگر خواسته باشی نسیم خدایی و بهشتی بر
 روح و جان تو وزد پشه‌های گناه را از وجود خود به دور ساز. وقتی که روح و جان
 تو فرودگاه پشه‌های مادیت گردد بدانکه در آنجا نسیم روح بخش الهی و نور خدایی
 نیست چرا که وقتی نور تابید تاریکی‌ها را از بین می‌برد.

۷-۴- تأثیر ترحم به حیوانات در هدایت انسان

ذوالنون مصری، یک زن غیر مسلمان را دید که در فصل زمستان مقداری گندم به
 دست گرفت و برای پرندگان بیابان برد و جلو آن‌ها ریخت. به آن زن گفت: «تو که
 کافر هستی، این دانه دادن تو به پرندگان چه فایده‌ای دارد؟» او گفت: چه فایده داشته
 باشد یا نه من این کار را می‌کنم.

۱. مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، شماره ۴۶۵۰.

۲. مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، شماره ۴۶۵۵.

چند ماه از این جریان گذشت. ذوالنون در مراسم حج شرکت کرد. همان زن را در مکه دید که همراه مسلمانان به انجام مراسم حج اشتغال دارد. آن زن وقتی ذوالنون را شناخت به او گفت:

«أَحْسَنُ إِلَى نِعْمَةِ الْإِسْلَامِ بِقَبْضَتِهِ مِنَ الْجَسَدِ»؛ (به خاطر یک مقدار گندم که به پرندگان دادم، خداوند نعمت اسلام را به من احسان نمود و توفیق قبول اسلام را یافتم).^۱

۷-۵- حمایت پیامبر ﷺ از حیوانات

بعضی از صاحبان حیوانات، که نمی‌خواستند حیوان آن‌ها با حیوان دیگری به اشتباه گرفته شود، او را نشان می‌کردند. یکی از راه‌های نشانه‌گذاری این بود که بر بدن یا چهره آن‌ها داغ می‌گذارند. با گذاردن یک آهن تفتیده که بر بدن آن‌ها می‌گذارند، اثر آن همواره باقی می‌ماند، اما حیوان بسیار آزرده می‌شد. روزی پیامبر اکرم ۹ از راهی گذر می‌کرد الاغی را دید که بر چهره او داغ گذارده شده بود. حضرت با دیدن این حیوان اظهار فرمود:

«مگر نشنیده‌ای که من داغ گذارنده بر صورت حیوانات را لعنت کرده‌ام و کسی که به صورت آن‌ها داغ بزند، مورد لعنت من است».^۲ پیامبر خاتم ﷺ که رحمت برای همه موجودات جهان است هم برای انسان‌ها و هم برای حیوانات، نمی‌توانست غذا

۱. حقی بروسى، تفسیر روح البیان، جلد ۹، ذیل آیه ۶۰، سوره الرحمن: «هل جزاء الاحسن الا الاحسان»؛ (آیا پاداش نیکی، جز نیکی است؟!).

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمة، جلد ۲، صفحه ۵۵۸.

بخورد و حیوانی در مقابل او گرسنه باشد؛ لذا فرمود: «از خدا حیاء می‌کنم غذایی بخورم، در حالی که حیوانی مرا نگاه می‌کند و من برای او غذایی فراهم نکنم».^۱

در مکتب اسلام در صورتی عبادات مقبول درگاه خداوند است که حقوق حیوانات هم مراعات شده باشد و اگر کسی با خسته کردن زیاد چهارپایان حجّ و نماز بگذارد، اعمالش پذیرفته نیست.^۲

در حدیثی نقل شده است که فردی در بیابان با زحمت از چاهی آب کشید و سگ را از تشنگی نجات داد، به پیامبر زمان وحی رسید که آن فرد بخشیده شده است. عارف و شاعر بزرگ، سعدی آن را در بوستان آورده است:^۳

یکی در بیابان سگی تشنه یافت	برون از رمق در حیاتش نیافت
کله دلو کرد آن پسندیده کیش	چو حبل اندر آن بست دستار خویش
به خدمت میان بست و بازو گشاد	سگ ناتوان را دمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد	که داور گناهان از او عفو کرد ^۴

۷-۶- حقوق حیوانات

یکی دیگر از حقوق حیوانات، ادب ورزیدن نسبت به آنهاست. در اسلام، بر زبان راندن سخنان زشت و ناسزا گفتن به حیوانات ممنوع است. دیلمی در ارشادالقلوب، نقل می‌کند:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۲.

۲. همان، ج ۶۴، ص ۲۱۲.

۳. فلسفی، گفتار فلسفی، ج ۲، معاد از نظر روح و جسم، ص ۲۱۲.

۴. سعدی شیرازی، بوستان، ص ۷۹.

«پیغمبر اکرم ﷺ تعدادی گوسفند داشت و چوپانی را برای نگهداری آنها گمارده بود. روزی رسول خدا به سراغ حیوانات رفت و از دور مشاهده کرد که چوپان، عریان کنار آنها نشسته است. همین که او متوجه پیامبر شد، به سرعت لباس های خود را پوشید. هنگامی که حضرت به او رسید، عذرش را خواست و فرمود: ما نیازی به چوپانی شما نداریم؛ چوپان، علت را پرسید: حضرت فرمود: ما اهل بیت عصمتیم و کسانی را که رعایت ادب نمی کنند و از خدا شرم ندارند، به کار نمی گیریم».^۱

«اللّٰه اَبَہُ عَلٰی صَاحِبِہَا سَتَّ خِصَال: یَعْلَفُہَا اِذَا نَزَلَ، وَ یَعْرِضُ عَلَیْہَا الْمَاءَ اِذَا مَرَّ بِہِ، وَ لَا یَضْرِبُہَا اِلَّا عَلٰی حَقٍّ، وَ لَا یَحْمَلُہَا مَا لَا تَطِیْقُ، وَ لَا یُکَلِّفُہَا مِنَ السَّیْرِ اِلَّا طَاقَتِہَا وَ لَا یَقْفُ عَلَیْہَا فَوْقًا»^۲ (حیوان بر صاحبش شش حق دارد: هرگاه از آن پیاده شد، علفش دهد؛ وقتی از آبی عبور کرد، آبش دهد؛ بی دلیل حیوان را نزند؛ بیشتر از قدرتش بارش نکند؛ بیشتر از توانش حیوان را راه نبرد و مدت زیاد، روی حیوان درنگ نکند».

در این حدیث حضرت محمد ﷺ به وجوب نفقه حیوان اشاره کرده‌اند. به نظر عالمان دین، اسباب وجوب نفقه، ملکیت است و فردی که مالک حیوان باشد، نفقه حیوان - چه حلال گوشت - چه حرام گوشت، بر او واجب است. نفقه شامل خوراک، آب، مسکن و دارو است. نفقه حیوانات بر طهارت مائیه مقدم است؛ یعنی اگر طهارت مائیه باعث عطش حیوان محرمی بشود، طهارت ترابیه می شود و کافی است.^۳

همانطور که انسان فطرتاً نظافت را دوست داشته و علاقه دارد خانه و مسکن خود را تمیز نگه دارد و این، برای بهداشت روان و سلامتی جسم او حایز اهمیت است،

۱. دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۲۶۷.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۵۸.

۳. پور محمدی، گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب، مجله ندای صادق، ش ۳۹، ص ۱۴۸.

حیوانات نیز دوست دارند محل زندگی آنها تمیز بوده و از هرگونه آلودگی و کثافت به دور باشد.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «نُظِّفُوا مَرَابِضَهُمْ وَأَمْسَحُوا رِغَامَهُمْ»؛^۱ (محل خوابیدن و استراحت حیوانات را نظافت کرده و خاک آن را عوض کنید)؛ پس علاوه بر رعایت بهداشت و پاکیزه نگه داشتن محل دامداری، باید خاک محل خوابیدن حیوانات را نیز عوض کرد تا از رطوبت و سرما نیز در امان بمانند.

در دستورات دینی، اگر حیوانات در معرض هلاک باشند و آب به اندازه رهایی یکی از آنها از مرگ باشد، حیوان حرام گوشت مقدم است و حیوان حلال گوشت ذبح می‌شود. در دوشیدن شیر باید به مقدار نیاز بچه‌ی حیوان بماند.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در نامه بیست و پنج نهج البلاغه خطاب به کارگزاران موارد ذیل را دستور می‌فرماید:

«۱. رساندن حیوانات به دست چوپان خیرخواه، و مهربان و امین که سخت گیر نباشد.

۲. نه تند براند و نه حیوان را خسته کند و زکات حیوانات را پردازد.

هرگاه حیوانات را به دست شخص امینی سپردی به او سفارش کن تا:

الف- بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند.

ب- شیر آن را ندوشد تا به بچه‌اش زیانی وارد نشود.

ج- در سوار شدن بر شتر عدالت را رعایت کند.

د- حال شتر زخمی و خسته را که سواری دادن بر او سخت است، مراعات بنماید.

۱. کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۲.

ه- آنها را در سر راه بدون آب نبرد و از جاده‌هایی که دو طرف آن علفزار است، به جاده‌های بی‌علف نکشانند.

و- هرچندگاه شتر را مهلت دهد تا استراحت کند.

ی- هرگاه به آب و علفزار رسید، فرصت دهد تا علف بخورد و آب بنوشد.

عمل به دستورات فوق مایه پاداش بزرگ و هدایت تو خواهد شد.^۱

زراره نقل می‌کند: «امام سجاد علیه السلام بیست بار با شتری از مدینه به مکه برای انجام مناسک حج رفت. در این بیست بار حتی یک بار شتر را با تازیانه نزد و به نقل دیگر تازیانه را بلند می‌کرد و اشاره می‌نمود و می‌فرمود ترس از قصاص دارم».^۲

۷-۷- آزار حیوانات

نرمی و مدارا با حیوانات، از اخلاق اسلامی است. برخی افراد کوتاه فکر از حیوانات همان انتظاری را دارند که از انسان‌ها دارند و نافرمانی حیوان را با خشونت و شلاق پاسخ می‌دهند. باید دانست که خشونت ورزیدن نسبت به حیوان، عملی است غیر انسانی و تنها از کسانی سر می‌زند که از خوی انسانی خود فاصله گرفته‌اند. بی‌تردید این کار از دیدگاه اسلام حرام است و کسی که چنین عمل زشتی را انجام دهد، استحقاق عذاب خدا را دارد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایات فراوانی از زدن حیوانات، خصوصاً ضربه وارد کردن به صورت آنها نهی کرده است. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «هرچیزی احترامی دارد و احترام حیوانات به صورتشان می‌باشد».^۱

۱. نهج البلاغه: نامه ۲۵.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، صفحه ۱۵۵.

آزار رساندن گاهی به معنای شکنجه دادن است و گاهی به معنای تحمیل رنج و زحمت اضافی بر حیوانات و ایجاد فشار و سختی در زندگی آنهاست. در بعضی روایات آمده است: «سه نفر انسان، بر یک حیوان سوار نشوند».^۲ و در حدیثی آمده است: «بی جهت سوار بر حیوان نشوید و کمر حیوان را محل استراحت خود قرار ندهید».^۳ و نیز روایت شده است که: «باری را که حیوان قدرت تحمل آن را ندارد، مگر با سختی و ناراحتی، بر آن بار نکنید».^۴

از این احادیث استفاده می‌شود که آزار رساندن به حیوان، به هر طریقی که باشد، مجاز نیست. بنابراین، نگه داشتن حیوانات در هوای بسیار گرم یا سرمای شدید که نوعی آزار و اذیت کردن آنها محسوب می‌شود، جایز نیست.^۵

فال بد زدن در رفتار حیوانات در ایران و اعراب قدیم مرسوم بوده و در قرآن تطییر قوم فرعون به حضرت موسی^ع و یارانش و قوم ثمود نسبت به حضرت صالح^ص مورد مذمت قرار گرفته است. پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} در مبارزه با این رسم جاهلی فرمودند: «الطیرة

۱. «لکل شیء حرمة و حرمة البهائم فی وجوهها». فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۹، ح ۱۰.

۲. قال رسول الله^{صلی الله علیه و آله و سلم}: « لا یرتدف ثلثة علی دابة فانّ احدهم ملعون» فروع کافی، ج ۶، ص ۵۴۱، ح ۱.

۳. «لا یحملها فوق طاقتها» و «لا تتخذ ظهرا مجالس یتحدث علیها» فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۷، ح ۱.

۴. همان.

۵. امام خمینی، رساله نوین مسائل سیاسی و حقوقی، ص ۹۴.

۶. اعراف/۱۳۱.

۷. نمل/۴۷.

شرک». اسب دوانی را تشویق کردند، اما تجریش، جنگ حیوانات با یکدیگر و معافه^۱ را ممنوع کردند.^۲

۷-۸- تهیه آب و علوفه

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «من سافر منکم بادآبه فلیدء حین ینزل بعلفها و سقیها»؛ (در مسافرت، بیش از هر چیز به فکر آب و علف حیوانات باشید).^۳

بنابراین، کسی که نمی‌تواند حیوانی را کاملاً از جهت غذا تأمین نماید، شرعاً مجاز نیست آن را نگه داشته و در سختی قرار دهد، زیرا هر حیوانی آزادی خود و سختی تهیه آب و غذا را بر زندانی شدن در یک قفس ترجیح می‌دهد؛ گرچه به همراه بهترین آب و غذا باشد. با این حساب اگر غذای مناسبی نیز برایش فراهم نشود، در این صورت، عذاب آن حیوان دو چندان خواهد بود.

در روایات فراوانی دلسوزی و ترحم نسبت به حیوانات مورد تأکید قرار گرفته است و برخی از مجتهدان بزرگ سفارش می‌کردند هنگام دعا کردن، برای حیوانات هم دعا کنید که اگر مریض هستند، خدا آن‌ها را شفا دهد و اگر سختی یا رنجی برایشان پیش آمده، خداوند آن را برطرف نماید.^۴ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«شخصی ابوذر را در ریزه دید که شخصاً حیوان خود را آب می‌داد. به او گفت:

مگر کسی نیست که آن حیوان را آب دهد؟ ابوذر در پاسخ گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱. معافه: مسابقه اعراب در کشتن شترها را گویند که گوشت شتران را به دیگران بخشش می‌کردند تا کارشان را اخلاقی جلوه دهند.

۲. پور محمدی، مجله ندای صادق، ش ۳۹، ص ۱۶۰.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۶۲.

۴. محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص ۱۰۲.

شنیدم که می فرمود: هر حیوانی هر روز از خدا می خواهد که خدایا صاحب صالحی روزی من گردان که مرا از آب و غذا سیر گرداند و بیش از توانایی من، بر من تحمیل نکند. به همین سبب من دوست دارم شخصاً حیوان خود را آب دهم.^۱

۷-۹- جوانمردی با حیوانات

کسی که حیواناتی چند در اختیار دارد، غیر از رعایت حقوق اصلی آن‌ها، باید کرامت و بزرگواری خود را نیز در برخورد با حیوانات فراموش نکند. از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که آن حضرت شتری را در جایی بسته دید، در حالی که بار شتر را از پشتش برداشته بودند. پیامبر خدا با دیدن چنین صحنه ای فرمود: «صاحب این شتر کجاست؟ او مردی است که جوانمردی ندارد و باید خود را برای حساب سخت قیامت آمده کند، در حالی که این شتر مدعی و دشمن اوست».^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن حدیثی می فرماید: «هر حیوانی بر عهده‌ی صاحب خود شش حق دارد:

الف- هر کجا وارد می شود به فکر تأمین خوراک حیوان باشد.

ب- هرگاه به آب رسیدند، آب را بر آن عرضه نماید.

ج- به صورت حیوان نزند، زیرا او تسبیح خدای را می گوید.^۳

د- بی جهت بر حیوان سوار نشود.

۱. ابوذر.... فقال سمعت رسول الله يقول: «ما من دابة الا و هي تسأل الله في كل صباح اللهم ارزقني مليكاً صالحاً يشبعني من العلف و يرويني من الماء و لا يكلفني فوق طاقتي فأنا احب أن أسقيه بنفسي» (فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۷، ح ۵)

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۶۳.

۳. برای روشن شدن معنای این حدیث و کیفیت تسبیح حیوانات رجوع شود به: المیزان، ج ۱۳، ص ۱۳۰.

ه- بیش از طاقت حیوان، از آن کار نکشد.

و- حیوان را دشنام ندهد و وادار به پیمودن مسیرهای طاقت فرسا نکند.^۱

غیر از موارد بالا، در سخنان معصومان ۷ نمونه‌های دیگری نیز می‌توان یافت که حاکی از توجه آنان نسبت به رعایت اصول اخلاقی در مورد حیوانات است، مانند: «سوزاندن حیوان حرام است»^۲ و یا «مستحب است برای حیوانات نام مناسب و نیکو بگذارند»^۳.

علاوه بر این‌ها، در دین اسلام، از کشتن بعضی حیوانات نهی شده^۴ که پرداختن به همه این موارد نیاز به بحث‌های مفصلتری دارد. فقیه عالیقدر شیعه، جناب شیخ محمد حسن نجفی، در کتاب «جواهرالکلام» در این باره سخنانی دارند که به طور فشرده بدان اشاره می‌کنیم:

- ۱- برآوردن نیازهای حیوان و تهیه وسایل زندگی وی واجب است و مقصود از وسایل زندگی، تمام اموری است که زندگی هر حیوانی بدان‌ها بستگی دارد. در حکم مذکور، میان حیوان حلال و حرام گوشت تفاوتی وجود ندارد.
- ۲- کمیّت و کیفیت نیازها و وسایل زندگی حیوان با توجه به زمان، مکان و نوع حیوان، فرق می‌کند و معیار ثابتی ندارد.

۱. شیخ طوسی تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۶۴، ح ۳۰۳ و فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۷، ح ۱ و مکارم الاخلاق، ص ۲۶۲.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۶۷.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۶۵.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۲۸.

۳- در صورتی که حیوانی بتواند از مرتع و گیاهان خودرو نیازهای غذایی خود را برآورد، صاحب حیوان می‌تواند آن را رها کند تا حیوان با چرا به زندگی خود ادامه دهد.

۴- اگر صاحب حیوان از برآوردن نیازهای آن و تهیه وسایل زندگی‌اش ناتوان شود، باید یکی از امور زیر را انجام دهد:

الف- اگر حلال گوشت باشد و بتواند از گوشت آن بهره برد، حیوان را ذبح کند.
 ب- اگر حلال گوشت نباشد یا نتواند از گوشت آن بهره ببرد، باید آن را بفروشد.
 ج- اگر هیچیک از امور یاد شده را نمی‌تواند انجام دهد، باید به اندازه برآوردن نیازهای حیوان آن را اجاره دهد.

د- اگر حیوان، حلال گوشت نباشد ولی برخی از قسمت‌های آن از قبیل پوست و ... قابل استفاده باشد در جایز بودن ذبحش میان فقیهان اختلاف نظر است و فقیه عظیم الشان، جناب شیخ طوسی آن را جایز نمی‌داند.

۵- اگر صاحب حیوان از برآوردن نیازها و وسایل زندگی حیوان خودداری کند، حاکم شرع وی را بدین کار مجبور می‌کند، و اگر او از اجرای دستور حاکم امتناع ورزد، خود حاکم به‌طور مستقیم اختیار حیوان را در دست می‌گیرد و با ملاحظه‌ی مصلحت حیوان، یکی از امور یاد شده را درباره آن اجرا می‌کند. حاکم می‌تواند برای ادامه حیات حیوان از املاک منقول، و غیر منقول صاحب آن استفاده کند.

۶- اگر یکی از لوازم حیوان، مانند علوفه و ... در اختیار شخص دیگری باشد، باید از او خریداری شود و اگر آن شخص نیاز اضطراری بدان نداشته باشد، واجب است آن را بفروشد.

اگر مالک آن وسیله، از فروش امتناع ورزید، برخی از فقیهان با به عهده گرفتن قیمت یا مثل آن، تصرف غضبی آن را جایز یا واجب دانسته‌اند. آنان چنین استدلال کرده‌اند که حیوان نیز همانند انسان، دارای روح است و همانگونه که برای ادامه حیات انسان اگر ضرورتی باشد و هیچ راه دیگری جز غضب نباشد، غضب آن ماده ضروری با ضمانت عوض یا قیمت آن، جایز بلکه واجب است، در حیوان نیز همین حکم جاری می‌شود.

- ۷- اگر حیوان بچه دار باشد، تنها آن مقدار از شیر را که زاید بر غذای بچه است، جایز است بدو شد، و اگر دوشیدن شیر برایش مضر باشد، دوشیدن آن جایز نیست.
- ۸- در هنگام دوشیدن شیر، نباید به اندازه‌ای پستان حیوان را خالی کند که اذیت شود. مستحب است دوشنده شیر ناخن‌های خود را کوتاه کند تا حیوان اذیت نشود.
- ۹- جایز نیست حیوان باربر را به گونه‌ای بار کند و از آن بهره برد که طاقت آن را ندارد.^۱

۷-۱۰- آداب شکار و صید

اجمالاً شکار امری مباح است و خداوند تعالی همه این حیوانات را از چرنده و پرنده آنچه را حلال گوشت‌اند، برای بشر آفرید تا انسان از این نعمت‌های الهی استفاده نماید و استفاده از حیوانات وحشی و پرندگان غیر خانگی و ماهی تنها از راه صید و شکار ممکن است.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق محمود قوچانی، ج ۳۱، ص ۳۹۴-۳۹۸.

در آیین مقدس اسلام صید لهُو - شکاری که از روی تفریح باشد - حرام است و حتی اگر مسافت به اندازه سفر شرعی باشد، نماز را نباید شکسته بخواند؛ زیرا سفر حرام و معصیت است.

صیدی که به قتل صبر کشته شود، گوشتش حرام است. قتل صبر یعنی حیوان را به نحوی در محاصره قرار دهند که دیگر راه فرار و گریزی برای او نباشد و آن گاه او را صید کنند. آن شکار حرام و خوردن گوشت آن جایز نیست؛ هر چند مطابق موازین شرعی ذبح شده باشد. به طور کلی شکار را شغل خویش قرار دادن، تأثیر خوبی در زندگی انسان ندارد.^۱

در آداب شکار حیوانات، پیامبر ﷺ می فرماید: «لا تأتوا الفراخ فی أعشاشها ولا الطیر فی منامه»؛^۲ (به لانه‌های جوجه حیوانات وارد نشوید و استراحت و خواب پرندگان را سلب نکنید) و هم چنین فرموده است: «لعن الله من مثل بالحيوان»؛ (خداوند لعنت کند کسی را که حیوان را مثله کند).

براساس احادیث فوق، ذبح حیوان در شب مکروه است و شکار در حال احرام و برای تفریح و بدون احتیاج، حرام و مثله کردن حیوان قبل از ذبح جایز نیست. قطع عضو یا شکستن استخوان حیوان و در آوردن چشم چهارپایان دارای جریمه است.^۳

۱. فقیه، محسن، حقوق متقابل در اسلام، شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ص ۴۱۷-۴۱۸.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۲.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۰۴.

۷-۱۱- احکام ذبح حیوان

۱- کسی که سر حیوان را می‌برد، چه مرد باشد چه زن، باید مسلمان باشد و بچه مسلمان هم اگر ممیز باشد، یعنی خوب و بد را از هم تشخیص بدهد، می‌تواند سر حیوان را ببرد و اگر کسانی که از کفار یا از فرقه‌هایی هست که در حکم کفارند، مانند: غلات و خوارج و نواصب سر حیوان را ببرند، حلال نمی‌شود.

۲- سر حیوان را با آهن ببرند، ولی چنانچه آهن پیدا نشود و طوری باشد که اگر سر حیوان را نبرند می‌میرد، با چیز تیزی که چهار رگ آن را جدا کند - مانند: شیشه و سنگ سر آن را ببرند.

۳- در موقع سر بریدن، جلوی بدن حیوان رو به قبله باشد و کسی که می‌داند باید رو به قبله سر ببرد، اگر عمداً حیوان را رو به قبله نکند، حیوان حرام می‌شود.

۴- وقتی که می‌خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد، به نیت سر بریدن نام خدا را ببرد و همین که بگوید: «بسم الله» کافی است و اگر بدون قصد سر بریدن نام خدا را ببرد، آن حیوان پاک نمی‌شود و گوشت آن هم حرام است؛ هم‌چنین است اگر از روی جهل به مسئله نام خدا را نبرد، ولی اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد اشکال ندارد.

۵- حیوان بعد از سر بریدن حرکتی کند و این حکم در صورتی است که زنده بودن آن حیوان در حال ذبح مشکوک باشد و الا لزومی ندارد.

۶- آنکه کشتن از مذبح باشد و بنابر احتیاط وجوبی جائز نیست کارد را پشت گردن فرو نموده و به طرف جلو بیاورد که گردن از پشت بریده شود.^۱

۱. امام خمینی، توضیح المسائل، صفحه ۵۵۴ و ۵۵۵.

در احکام دینی آدابی در ذبح حیوانات آمده است که عبارتند از:

الف) چیزهایی که موقع سر بریدن حیوان مستحب است:

اول: «بنابر مشهور موقع سر بریدن گوسفند دو دست و یک پای آن ببندند و پای دیگرش را باز گذارند» و موقع سر بریدن گاو چهار دست و پای او را ببندند و دم آن را باز بگذارند و موقع کشتن شتر، دو دست آن را از پایین تا زانو، یا زیر بغل به یکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند و مستحب است مرغ را بعد از سر بریدن رها کنند تا بال و پر بزند.

دوم: کسی که حیوان را می کشد، رو به قبله باشد.

سوم: پیش از کشتن حیوان، آب جلوی آن بگذارند.

چهارم: کاری کنند که حیوان کمتر اذیت شود؛ مثلاً کارد را خوب تیز کنند و با

عجله سر حیوان را ببرند.

ب) چیزهایی که موقع سر بریدن حیوان مکروه است

اول: در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر آن را ببیند.

دوم: در شب یا پیش از ظهر روز جمعه سر حیوان را ببرند، ولی در صورت احتیاج

عیبی ندارد.

سوم: خود انسان چهار پایی را که پرورش داده، بکشد.^۱

۷-۱۲- بی رحمی به حیوان

در اسلام بی رحمی حتی نسبت به حیوانات نکوهش شده است. مسلمانان حق ندارند حیوانی را بیازارند و یا چنان که گفته شد به آن ناسزا بگویند.^۱ و از این رو پیامبر اکرم در حدیثی می‌فرماید:

«لَوْ عَفَّرَ لَكُمْ مَا تَأْتُونَ إِلَى الْبَهَائِمِ لَعَفَّرَ لَكُمْ كَثِيرًا»؛ (اگر ستمی که بر حیوانات می‌کنید بر شما بخشیده شود بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است).^۲

با این که کشتن حیوانات حلال گوشت برای مصرف، از نظر اسلام جایز است، در عین حال ذبح آن‌ها آدابی دارد که تا حد ممکن، حیوان کمتر رنج ببیند. یکی از آداب ذبح این است که نباید بچه حیوان را در برابر چشم مادرش سر برید. چنانکه امام علی^۷ فرمود:

«لَا تَذِيحُ الشَّاةَ عِنْدَ الشَّاةِ وَلَا الْجِزُورَ عِنْدَ الْجِزُورِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ»؛^۳ (گوسفند را نزد گوسفند و شتر را نزد شتر، در حالی که به او نگاه می‌کند، ذبح نکنید).

سر بریدن بچه حیوانات نزد مادرشان به شدت نکوهیده است^۴ و حاکی از نهایت سنگدلی و بی رحمی است و آثار ویرانگری بر زندگی انجام دهنده آن خواهد داشت.^۵

۱. محمدی ری شهری، میزان‌الحکمه: ج ۳، حدیث ۱۳۴۳.

۲. همان، حدیث ۴۵۲۰.

۳. عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۴، صفحه ۱۶.

۴. طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۹، باب ۸۰، صفحه ۳۴۱.

۵. محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص ۱۴۷.

۷-۱۳- وجوب دیه در حیوانات

- ۱- ذبح دیه حیواناتی که گوشت آن‌ها خوردنی نیست، مانند درندگان و بریدن اعضاء آن‌ها یا شکستن استخوان آن‌ها در صورت زنده بودن «ارش» می‌باشد.^۱
- ۲- مقدار دیه تلف کردن حیوانات مصرفی مانند گوسفند و گاو و شتر از راه غیر ذبح شرعی، بالاترین قیمت روز حیوان تلف شده است.^۲
- ۳- هر حیوانی یا هر چیزی که قابلیت ملکیت برای مسلمان را ندارد، مانند خوک، کسی ضامن تلف شدن آن نیست. اما تلف کردن چیزی را که کافر ذمی مالک آن می‌شود و آن را حلال می‌داند، ضامن قیمت آن خواهد بود.^۳

۷-۱۴- نکته

البته از دیدگاه اسلامی تقدس بعضی حیوانات که در برخی مسلک‌های انحرافی وجود دارد و باعث نوعی بت‌پرستی می‌شود و همچنین نظریات افراطی «رفاه حیوانات»^۴ قابل قبول نیست. در قرن اخیر استفاده از حیوانات در آزمایش‌ها مشروط به رعایت اصول اخلاقی نسبت به حیوان مورد آزمایش است و تغییرات ژنتیکی موجودات زنده به عنوان اختراع قابل ثبت نیست.

در کشور ما در زمینه حقوق حیوانات جز یکسری قوانین پراکنده، قانون مستقلی وجود ندارد؛ در حالی که در متون دینی و سخنان پیشوایان دین بر رعایت اخلاق

۱. امام خمینی، رساله نوین مسائل سیاسی و حقوقی، ص ۳۸۰.

۲. همان، ص ۳۷۹.

۳. همان، ص ۳۸۱.

زیست محیطی نسبت به حیوانات سفارش‌های زیادی شده است. البته بهترین ضامن اجرای قوانین زیست محیطی و ایجاد محیط سالم اهتمام به اوامر و نواهی دینی در اخلاق زیست محیطی می‌باشد.

فصل هشتم

سلامت محیط زیست در عصر مهدوی

مقدمه

مسأله آخر الزمان و ظهور یک انسان کامل و الهی در همه ادیان و از جمله در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. نحوه قیام حضرت مهدی (عج) و تأثیر آن در اخلاق زیست محیطی از مسائلی است که بیان نظریه صحیح دینی در مورد آن ضروری است. در سال‌های اخیر عوامل صهیونیزم یهودی و صهیونیزم مسیحی با انتشار کتاب‌ها و تهیه فیلم‌هایی که بر پایه پیشگویی‌های «نوستر اداموس»^۱ بوده است سعی در القاء عدم رعایت اخلاق انسانی و زیستی و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم دارند. متأسفانه در برخی مکتوبات دینی هم این نظریه با توجه به بخشی از روایات عصر ظهور تقویت شده است.

با تأملی کوتاه در روایات مختص به عصر ظهور، به خوبی فهمیده می‌شود که فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی (عج) برخوردار گشته و با رعایت اخلاق زیست محیطی طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه‌ی مبتنی بر عدالت را خواهند چشید. در این فصل برخی از این احادیث در عناوین ذیل دسته‌بندی شده است:

۱. (Nostra damus) حدود ۵۰۰ سال قبل می‌زیسته که پیشگویی‌هایی درباره آینده از جمله ظهور نواده پیامبر اسلام در مکه و ویران کردن شهرهای بزرگ آمریکا داشته است.

۸-۱- تطهیر و نورانیت زمین^۱

زمین در عصر مهدوی با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می‌شود و با نور الهی منور و تابان می‌گردد. کلمات جور و ظلم با کلماتی مانند طغیان، میل، و انحراف دارای ترادف معنایی هستند، بدیهی است که هرگونه تلوث و آلودگی، زیر مجموعه معانی جور و ظلم قرار می‌گیرد؛ زیرا هرگونه آلودگی به معنای انحراف از طبیعت مخلوق الهی و به معنای تعدی از حق و حرکت به سوی باطل است. هم چنان که ظلم به هرگونه تجاوز از حق، اعم از کم و زیاد، اطلاق می‌شود.

هم چنین ظلم در لغت به معنای تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می‌آید و به معنای «تجاوز از حد و قرار دادن چیزی در جای نامناسب»^۲ نیز آمده است. این فارس در معجم خود اذعان می‌دارد: ظلم به دو معنا گفته می‌شود، نخست به مفهوم مخالف نور و روشنایی و دوم قرار دادن چیزی در جایگاهی که شایسته آن نیست.^۳

واضح است که حکومت ظلم ستیز و عدالت محور مهدوی بر طبق این تعاریف، حکومتی بر مبنای تطهیر محیط زیست از هرگونه آلودگی و انحراف بوده و این محیط را به وضعیتی آرمانی برگشت خواهد داد و از طهارت و حیات طیبه آن حفاظت خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام در تأیید آن می‌فرماید:

۱. عناوین و اصول این فصل از مقاله آقای دکتر اخوان کاظمی با عنوان «آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست» در مجله انتظار موعود شماره ۱۷ اقتباس شده است.

۲. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۲۶.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۶۸.

«يطهر الله به الارض من كل جور و يقمّسها من كل ظلم... فاذا خرج، اشرفت الارض بنور ربها و وّضَع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحداً أحداً و هو الذی تطوی له الارض»^۱ (خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می نماید؛ پس هنگامی که وی (حضرت مهدی) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی گشته و ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما می گردد. پس از آن دیگر احدی به احد دیگر ظلم نمی کند و او کسی است که زمین برایش درنور دیده می شود).

۸-۲- رضایت و سرور موجودات

روایات بی شماری حاکی از نهایت رضایت تمامی ساکنان و موجودات در زمین و آسمان از حکومت مهدی موعود است. پرواضح است که این رضایت و سرور همگانی نمی تواند بدون تأمین حقوق محیط زیست و کلیه ساکنان آن باشد. در روایات متعددی این اصل ذکر شده است:

«...یملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً یرضی فی خلافته أهل الأرض و أهل السماء و الطیر فی الجوّ»^۲ (زمین از عدل پر می شود همان طور که قبلاً از جور پر شده بود. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا، راضی و خوشحال از این حکومت هستند).

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

امام علی علیه السلام نیز فرموده‌اند:

«از قیام وی اهل آسمان و ساکنان زمین فرحناک می‌شوند. او زمین را پر از عدل کند؛ چنان که پر از ظلم و ستم باشد».^۱

۸-۳- امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

محصول عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی حکومت مهدوی، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نمی‌تواند باشد و همان‌طور که بر حسب روایات، کینه‌ها و اختلاف‌ها از جامعه بشری رخت بر می‌بندد، از عالم حیوانی و جانوری نیز این کینه‌ها و عوامل نزاع، ناپدید خواهد شد و حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل با هم شهره بوده‌اند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت‌آمیز در کنار هم خواهند پرداخت؛ هم چنان که در حدیث معروفی که نشانه وضع امنیت بی‌سابقه در عصر ظهور است و حاکی از مسافرت زنی به همراه زینت آلات خود از عراق به شام در کمال آرامش و بدون مزاحمت عامل انسانی و حیوانات وحشی است، چنین ذکر شده است:

«حیوانات وحشی و چهارپایان در این عصر، در کمال صلح و مسالمت با یک دیگر به سر می‌برند».^۲ به همین دلیل نیز حیوانات وحشی دیگر خوف برانگیز نبوده، به سایر حیوانات و این زن حمله نمی‌کنند.

۱. همان، ج ۵۱، ص ۷۸.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

در روایتی دیگر آمده است:

«اسمه اسم النبی یأمر بالعدل و یفعله و ینهی عن المنکر و یجتنبی الله به الظلم و یجلو به الشک و العمی یرعی الذئب فی ایامه مع الغنم و یرضی عنه ساکن السماء و الطیر فی الجو و الحتیان فی البحار...»^۱ (نام او نام پیا مبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. به عدالت امر نموده و خود بدان عمل می کند و از منکر نهی نماید و خداوند توسط وی از ظلم جلوگیری کرده و شک و عدم بصیرت‌ها را می‌زداید. گریه و گوسفند در ایام او با هم به چرا می‌پردازند و ساکنان آسمان و پرنده‌ها در هوا و مارهای دریا از او راضی و خشنود هستند.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند، در حکومت جهانی حضرت مهدی «مردم در رفاه و چهارپایان در آسایش می‌باشند»^۲ و همچنین می‌فرماید:

«نامش نام من است، در موقع ظهور او پرنده‌گان را در آشیانه‌هاشان و ماهیان در دریا (با کمال آزادی از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می‌کنند و نهرها کشیده می‌شود و چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می‌رویانند...»^۳

۸-۴- فعلیت‌یابی کلیه قابلیت‌های محیط زیست

با توجه به این که در اصیل‌ترین منابع دینی، عدالت به معنای قرارگرفتن هر چیز در جای خویش، و ایفای اهلیت‌ها و رعایت و استیفای کلیه حقوق‌ها آمده است، بنابراین در حکومت مهدوی هر موجودی اعم از انسان، حیوان و نبات می‌بایست به عالی‌ترین

۱. همان، ج ۳۶، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۲۹۴.

۳. همان.

جایگاه و تحقق کلیه استعدادها و قابلیت‌های خود برسد و چنین است که در عصر مهدوی، افزون بر جامعه بشری، محیط زیست ارضی و سماوی و کلیه موجودات ساکن در آنها به عالی‌ترین و نهایی‌ترین حد تحقق قابلیت‌های خود دست می‌یابند و به عبارت روشن‌تر، آنها نیز عدالت پیشگی را سر لوحه خود قرار می‌دهند؛ به همین دلیل آسمان و زمین ثروت‌های مکنون خود را بیرون می‌ریزند و هرگونه آلودگی و تلوث را با یاری خدای مَنان و مواهب حکومت مهدوی از خود دور می‌سازند و پوشش گیاهی، تمام عالم را فرا می‌گیرد، هم چنان که در روایت مربوط به مسافرت سرشار از امنیت زنی که راه عراق و شام را می‌پیماید، آمده است که وی «در مسیر خویش گام نمی‌گذارد، مگر بر نبات و گیاهان»^۱ و این نشان‌های از پوشش گسترده گیاهی در سراسر جهان است که شام و عراق به عنوان مناطقی تقریباً کم آب و علف و نیمه خشک، در عصر ظهور پوشیده از گیاه می‌شوند. برخی از روایات، بیان کننده تحقق کلیه استعدادهای بالقوه محیط زیست در دوران ظهور عبارتند از:

«فِيخَطْبِ النَّاسِ فِستَبشِرُ الارضَ بِالْعَدْلِ وَ تَعْطَى السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمْرَهَا وَ الارضُ نَبَاتَهَا وَ لِأَهْلِهَا تَنْزِيلَ لِأَهْلِهَا... وَ تَخْرُجُ لَهُمُ الارضُ كَنُوزِهَا...»^۲ [حضرت مهدی] مردم را مورد خطاب قرار داده و زمین را به عدالت، بشارت می‌دهد. در این هنگام آسمان باران خود عطا نموده و درختان میوه‌های خود را فرو می‌فرستند. زمین کلیه رستنی‌های خویش را عرضه نموده و خود را برای اهل عالم با این گیاهان زینت می‌بخشد...؛ هم چنان که زمین برای مردم، گنج‌های خود را خارج می‌سازد.

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۸۶.

«يُظهِرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا وَ يَنْصُرُهُ بِالرَّعْبِ...»^۱ (خداوند گنج‌ها و معادن زمین را برای او آشکار ساخته و وی را با رعب خویش یاری می‌دهد).

هم‌چنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«...يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ يَعْمَلُ بَسْتَنِي وَ نَزَلَ اللَّهُ لَهُ الْبِرْكَهَ مِنَ السَّمَاءِ وَ تَخْرُجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهَا...^۲ يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَمَتَّعُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ يَرْسُلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا وَ لَا تَدْخُرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا...»^۳ (مردی از اهل بیت من خروج نموده و به سنت من عمل می‌کند و خداوند برای وی برکت‌های خویش را از آسمان فرو می‌فرستد و زمین نیز برکات خود را خارج می‌سازد... امت من در زمان وی از نعماتی متنعم می‌شود که قبلاً از آنها بهره‌مند نشده بود و نیکوکار و فاجر، جزو بهره‌مندان این نعمت‌ها هستند. آسمان بر آنها باران‌هایش را نازل نموده و زمین چیزی از رویدنی‌هایش باقی نمی‌ماند، مگر این که آنها را برویاند و تأخیری در این مورد روا نمی‌دارد).

۸-۵- عمران و آبادانی و توسعه موزون محیط زیست

عناوین مطالب پیشین گویای اوج عمران و آبادانی محیط زیست در عصر ظهور است. با وجود این در پاره‌ای از روایات به گونه‌ای دقیق‌تر و مصداقی‌تر به این آبادانی اشاره شده و حتی آمده است که تمام ویرانه‌های زمین، آباد می‌گردد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۸۰.

۳. همان، ص ۷۸.

«...خداوند دین خود را به وسیله‌ی او بر تمام مکتب‌های جهان پیروز می‌گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند، ویرانی‌های زمین آباد می‌گردد...»^۱

هم‌چنین در تفسیر آیه «مُد ها مَتان»^۲ از امام صادق علیه السلام منقول است که در عصر ظهور، «بین مکه و مدینه از درختان نخل متصل می‌گردد»^۳

شیخ طوسی با ذکر روایتی در کتاب *تهذیب می نویسد*: «امیر المؤمنین علیه السلام در سفر به «حیره» فرمودند:

«روزی برسد که کوفه به حیره وصل شود و چنان مرغوبیت پیدا می‌کند که یک ذرع زمین آن به چند اشرفی فروخته می‌شود و مسجدی در حیره بنا می‌شود که دارای پانصد درب باشد! و نماینده قائم در آن نماز می‌گذارد، زیرا مسجد کوفه برای آن‌ها تنگ خواهد بود، دوازده پیش نماز عادل در آن جا نماز می‌گذارند»^۴.

این روایات حاکی از عمران، آبادانی و توسعه موزون محیط زیست انسانی، حیوانی و طبیعی در کل عالم است که این نتیجه اجرای اصول اخلاق زیست محیطی و حمایت از حقوق زیست محیطی در آن دوران درخشان است. نتیجه چنین وضعیتی آن است که حتی کره زمین نسبت به وضعیت بهینه خویش و از این که در زیرقدم‌های یاران مهدی (عج) قرار می‌گیرد به خود بالیده و احساس غرور و افتخار می‌نماید. امام باقر علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

۱. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، ص ۳۵۷.

۲. الرحمن/۶۴.

۳. همان، ص ۳۶۵.

۴. همان، ص ۱۱۳۵-۱۱۳۴.

«گویا من یاران قائم را می‌بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده‌اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست، حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی رضایت آنها خواهند بود و همه چیز حتی این نقطه زمین بر نقطه دیگر آن اظهار فخر و غرور می‌کند و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم بر من قدم نهاد و عبور کرد».^۱

۸-۶- مقابله با آلاینده‌ها و رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی

این موارد نه تنها به عنوان مصادیق دقیقی از حفظ اخلاق زیست محیطی صورت می‌گیرد، بلکه حتی اگر محیط زیست منحصر به اشراف بر یک منزل یا ریزش آب از ناودان‌های منازل به محیط عمومی باشد و یا این که مسجد مشرف به خانه‌های مردم گردد یا حتی در بخشی از بنادر راه‌های عمومی ساخته شده باشد، با برخورد حکومت مواجه شده و این مورد ولو با تخریب مسجد، برطرف می‌گردد. در این مورد ابوبصیر در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام روایت نموده که می‌فرماید:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می‌کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی‌گذارد جز این که کنکره و اشراف آن را خراب می‌کند و به حال ساده وبدون اشراف می‌گذارد. شاهراه‌ها را توسعه می‌دهد، هر گوشه‌ای از خانه‌ها را که واقع در راه عمومی است اصلاح می‌کند، و ناودان‌ها را که مشرف به راه مردم است، بر می‌دارد. هر بدعتی را برطرف می‌سازد و هر سنتی را باقی می‌گذارد...».^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲. مجلسی، مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

۸-۷- استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید

در عصر ظهور رشد و ترقی علوم و فنون به اوج خود رسیده و دانش بنا به روایات از دوحرف، به بیست و هفت حرف خواهد رسید،^۱ ضمن این که با شکوفایی و کمال عقلانیت بشری و افزایش فهم و درک جامعه انسانی به عنوان یکی از مواهب خداداد عصر ظهور^۲ مواجه هستیم. پرواضح است در چنین وضعیت بالنده و سرشار از فن آوری های نوین، هزاران ابزار جدید علمی برای مقابله با آلاینده های صنعتی در دسترس بشر قرار خواهد گرفت و جهان از وجود تمامی آن ها رهایی خواهد یافت. هم چنین در آن عصر، با تعالی جامعه و افراد انسانی، بشر به عنوان اصلی ترین آلاینده محیط زیست، از ارتکاب این گونه اعمال، عاقلانه و بر مبنای اعتقاد عملی به دیانت خویش، پرهیز خواهد کرد.^۳

۸-۸- گسترش حفظ محیط زیست به فضاهای ماورای زمینی

برخی از خبرگان مباحث مهدویت معاصر بر این باورند که طبق روایات متعدد، کرات زیادی در آسمان ها وجود دارد که آباد و دارای جوامعی از مخلوقات اند که غیر از نوع انسان، فرشته و جن هستند. علامه مجلسی مجموعه ای از این روایات را در بحارالانوار گرد آورده است. به اعتقاد استاد علی کورانی و عده ای دیگر، شماری از آیات قرآن نیز بر این معنا دلالت دارد، از جمله آیه شریفه:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه محمد جواد وزیری فرد، ص ۳۰۲.

۳. اخوان کاظمی، پیشین، ص ۲۰۶.

«ای جنیان، ای انسان‌ها! اگر می‌توانید به اعماق آسمان‌ها و زمین راه پیدا کنید، پس اقدام کنید، ولی موفق به این نفوذ و سفر نمی‌شوید مگر به تسلط و فرمانروایی».^۱

کورانی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «یعنی به زودی زمین در زمان حضرت مهدی (عج) وارد مرحله‌ی جدیدی می‌شود که به طور کلی با گذشته‌ها تفاوت دارد و پنج کره زمین و یا پنج زمین و آسمان آباد و مسکونی است».^۲

نتیجه بحث این که در آن عصر نورانی، هم محیط زیست و هم صیانت و حفاظت از آن، ابعاد بسیارگسترده‌تری نسبت به جهان فعلی یافته و قلمرو آن به همه کرات تحت سیطره حکومت حضرت کشانیده خواهد شد.

۸-۹- عاری بودن قیام مهدوی از تخریب‌های زیست محیطی

تمامی روایات پیرامون قیام حضرت مهدی (عج) بر این مطلب تصریح دارند که در دوره ظهور امام (عج) یاران وی به مجازات و قتل و نابودی ستم‌گران اقدام خواهند نمود و همانند عمل جراحی لازمی، جامعه اسلامی و سایر جوامع جهانی را از لوٹ وجود سرکشان و ستم پیشگان پاک سازی می‌نمایند؛ زیرا بدون این اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمداران برچیده نشده و عدالت، حاکمیت پیدا نمی‌کند و اگر امام با سیاست ملایمت و گذشت با آن‌ها رفتار نماید، هرگز ترفندها و توطئه‌های جدید مستکبران و افساد کنندگان در زمین از بین نخواهد رفت.

۱. سوره ی الرحمن، آیات ۲۴-۲۳.

۱. کورانی، علی، عصر ظهور، ص ۳۷۰.

۲. مجلسی، مهدوی موعود، ص ۲۵۷.

حضرت در عصر قیام، بنا به روایات، توبه ظاهری هیچ مجرم و جنایت کاری را نمی‌پذیرد و همان طور که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در براندازی نظام جاهلی، جهاد پیشه کرد و با کافران به قتال و کارزار پرداخت، قیام مهدوی نیز علاوه بر تأسی به سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه، حتی سخت‌گیری بر ستم‌گران را جایگزین رأفت نبوی می‌نماید.

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود:

«اما شباهت داشتن مهدی به جدّ گرامیش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستم‌گران و طاغوت‌ها است، وی به وسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان پیروز می‌گردد و لشکریان او شکست نمی‌خورند»^۱.

اما متأسفانه برخی از دشمنان و یا حتی دوستان ناآگاه در میزان اعمال خشونت و کشتار حکومت مهدوی، راه غلوّ پیشه کرده‌اند و می‌گویند: آن حضرت مهدی (عج) در تقابل با دشمنان خویش به جنگ هسته‌ای خواهد پرداخت و آن‌ها را با این سلاح مهیب به ورطه نابودی خواهد کشاند!! ما معتقدیم نه تنها در عصر ظهور نیازی به سلاح هسته‌ای نیست، بلکه نبرد حکومت مهدوی و یاران آن حضرت با دشمنان، فاقد تبعات تخریب زیست محیطی و ایجاد فجایع محیط زیستی، مشابه آن چه که امروز اتفاق می‌افتد، خواهد بود.^۲ برخی از ادله این مدعا چنین است:

الف) بنا به برخی ارزیابی‌ها، در اثر یک جنگ هسته‌ای معمولی در جهان امروز، دست کم ۱/۵ میلیارد انسان کشته خواهد شد. ابرهای هسته‌ای ایجاد شده در اثر انفجار

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸

۲. اخوان کاظمی، پیشین، ص ۲۰۸.

اولیه، منجر به ظهور زمستانی طولانی مدت با کاهش دمای حدود پنجاه درجه زیر صفر می‌گردد و زمین مدت‌ها از نور خورشید محروم و گیاهان در این مدت از رویش باز خواهند ایستاد و شاید بسیاری از آن‌ها و از جمله حیوانات نابود گردند. حال این سؤال قابل طرح است که بنابه روایت‌های قبلی، چگونه ممکن است قیامی باعث رضایت و خشنودی همه ساکنان سماوی و ارضی گردد و در عین حال هم آن‌ها و هم محیط زیست را به بدترین شکل نابود کند؟! ضمن آن که اثرات و تشعشعات چنین جنگی، دیرپا و ده‌ها سال دارای اثرات مرگ بار خواهد بود و این نیز با ماهیت حیات طیبه آرمانی مهدوی منافات دارد. مگر نه این که در روایات آمده است که حکومت مهدوی، حکومتی است که حتی خفته‌ای را بی‌جهت بیدار نمی‌کند،^۱ پس چگونه ممکن است در قیام امام، سلاح‌هایی این چنین مخرب به کار گرفته شود؟ آن هم در دوره‌ای که عصر امنیت فراگیر در انحنای عالم، و سرشاری جهان از نعمت امنیت است.

ب) با توجه به روایات، مبنی بر افزایش فهم بشری و گسترش دانش بشری از دو حرف به بیست و هفت یا هفتاد و دو حرف در عصر ظهور، بدیهی است امام (عج) می‌تواند با ابزارهای نوین، تقابلی که مبتنی بر فناوری‌های جدیدی باشند، هم به مبارزه با سلاح‌های مخرب ستم‌کاران عالم بپردازد و هم این که تأثیر این سلاح‌ها را خنثی ساخته و آن‌ها را در واقع بی‌اثر و خلع سلاح نماید، لذا امام (عج) می‌تواند با استفاده از علم زمانه‌ی خویش، شمشیر را که به عنوان سلاح نمادین حضرت در روایات آمده، به سلاح‌ها و ابزارهای متعارف و کارآمد روز متحول سازد، ابزارهایی که در عین تأثیرگذاری فاقد آلایندگی و تخریب زیست محیطی باشند.

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۷۸.

ج) بنا به روایات، قتال حضرت مهدی (عج) همانند کشتارهای بی‌هدف امروزی نیست و حضرت با استفاده از علم لدنی خویش تنها کسانی را که به هیچ وجه اصلاح پذیر نیستند، هلاک می‌سازد^۱ و بقیه بدکاران قابل اصلاح را به حال خود رها می‌کند تا توبه کنند و اصلاح شوند؛ همان طوری که در روایات، نعمات عصر ظهور، هم برای نیکوکاران و هم بدکاران ملحوظ گشته است.

از سوی دیگر، طبق روایات، انهدام بخش قابل توجهی از جامعه بشری توسط حکومت مهدوی صورت نمی‌گیرد؛ لذا نمی‌توان آن را محصول عملیات نظامی و تخریبی حضرت دانست، بلکه قبل از ظهور این اتفاق به دست خود انسان‌ها در اثر منازعات جوامع انسانی حاصل می‌گردد و بدین ترتیب در همه گیتی فریاد منجی و موعودخواهی بلند گشته و نجات خود را از خداوند و فرستاده وی طلب می‌نمایند؛ لذا این گونه فجایع انسانی و زیست محیطی محصول دوره قبل از ظهور است. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«قبل از ظهور قائم، دو نوع مرگ و مردن گریبان مردم را می‌گیرد: یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید، مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید طاعون و از هر هفت نفر، پنج نفر از بین می‌روند و دو نفر باقی می‌مانند»^۲.

۱. همان، ص ۲۵۵.

۲. حیدری کاشانی، حکومت عدل گستر، ص ۲۱۳.

امام علی علیه السلام هم فرموده‌اند:

«لا تخرج المهدی حتی یقتل ثلث و یموت ثلث و یتقی ثلث»؛ «حضرت مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا این که قبل از او ثلث مردم کشته می‌شوند و ثلث دیگر می‌میرند و ثلثی باقی می‌مانند».^۱

د) طبق روایات فراوان، قیام مهدوی با رعب و نصرت الهی و با کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه است؛ بنابر این، حضرت مهدی (عج) نیازی به توسل به سلاح‌های مخربی مانند سلاح هسته‌ای نخواهند داشت و در صورت تمسک ایشان به سلاح‌های نوین، بدیهی است چنین اقدام تقابلی، مستظهر به نصرت الهی و مؤید به مساعدت فرشتگان، و فاقد هر گونه تخریب زیست محیطی و یا فجایع انسانی باشد و چنین تفکری از اساس، محال است. برخی از روایاتی که حاکی از نصرت الهی در حکومت و قیام مهدوی‌اند به شرح زیر است:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل می‌باشد».^۲

شیخ مفید در کتاب ارشاد از ابوبکر حضرمی روایت نموده که امام محمد باقر علیه السلام

فرمود:

«گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می‌بینیم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و مؤمنان پیش روی او قرار دارند، به آن جا آمده است و لشکرهای خود را در شهر پراکنده می‌سازد».^۳

۱. همان.

۲. مجلسی، مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۳. همان، ص ۱۱۱۹.

هم‌چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند:

«... خداوند صاحب‌الامر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و ربیبی (که در دل پادشاهان و گردن‌کشان می‌اندازد) تأیید می‌کند».^۱

پیامبر نیز در فرازی طولانی در شرح ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) و قیام وی فرموده‌اند:

«او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید شود، پس زمین را پر از عدل و داد؛ کند، چنان‌که پر از جور و ستم شده بود».^۲

با این توضیحات کاملاً مبرهن است که قیام الهی حضرت مهدی (عج) که معطوف به حیات طیبه قرآنی و عاری از هرگونه آلودگی و تلوث و آلاینده‌گی است، بر خلاف این توهم، چشمه جوشان طهارت، صلح، صفا، پاکی و صمیمیت در سپهر حیات انسانی، جانوری و نباتی و حتی عرصه‌های فرازمینی خواهد بود.

نتیجه فصل این که در عصر ظهور، اخلاق زیست محیطی به نحو کمال رعایت شده و حتی موجودات و محیط زیست آن‌ها در گستره‌هایی به وسعت جهان هستی دچار ارتقا و تکامل در حیات مادی و معنوی گشته و ضمن همراهی رضایت‌مندانه، و شاید مبتنی بر شعور، به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت‌های بالقوه خویش خواهند رسید و عالم هستی از هرگونه تلوث، آلودگی و آلاینده‌گی مادی و معنوی، تطهیر و پاک خواهد شد و با اشراق الهی، منور و مشعشع می‌گردد.

۱. همان، ص ۱۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۱۳۵.

نتیجه گیری

۱. بحران زیست محیطی نه تنها ناشی از آموزه‌های دینی نیست، بلکه در تعالیم پیامبران و اصول کتب مقدس راهکارهای مناسبی برای حفاظت از محیط زیست ارائه شده است. (در فصل سوم)

با توجه به این که راهکارهای عملی و اخلاقی اسلام و قرآن، منظور اصلی تحقیق بوده است، در پاسخ به سؤال «آیا در قرآن به مبانی اخلاق زیست محیطی توجه شده است؟» گفته می‌شود:

۲. از دیدگاه قرآن مالک اصلی مخلوقات طبیعی خداوند است و مالکیت انسان اعتباری است و آدمی امانت‌دار پروردگار عالم است و در حفظ آن‌ها ملزم به رعایت اصول اخلاقی است. مقام انسان در قرآن و مشروعیت تسخیر طبیعت برای او بی‌حد و حصر نیست؛ بلکه مشروط به عدم ارتکاب فساد در زمین و محدود به مقررات است و این اصول در تعالیم دینی متضمن حفظ محیط زیست است؛ اما دیدگاه مادی از آنجا که عناصر طبیعی را صرفاً ابزار سود انسان می‌داند، زمینه تخریب محیط زیست را فراهم می‌آورد.

۳. در قرآن کریم از طرح پدیده‌های طبیعی در جهت اهداف معنوی و رساندن انسان‌ها به قرب الهی، اثبات صانع و توحید ربوبی خداوند و رستخیز، رد اعتقادات نادرست در مورد خالق عالم، حق‌مداری و هدفمندی خلقت و بزرگداشت دین حق استفاده شده است.

۴. از دیدگاه قرآن، محیط زیست و مواهب طبیعی، حق همه انسان‌ها در همه دوران‌ها است و این حق، تکالیفی را در پی می‌آورد؛ یعنی همانطور که آدمی حق

بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی را دارد، مکلف است که این حق را برای دیگران هم به رسمیت بشناسد و از رفتارهایی که حق دیگران را در برخورداری از محیط زیست سالم پایمال کند، اجتناب ورزد.

۵. هم‌چنین در حفاظت محیط زیست و عدم تخریب آن، قرآن کریم بر ممنوعیت ظلم و اتلاف منابع، عدالت زیست محیطی و اصل امر به معروف و نهی از منکر تأکید می‌کند.

از مباحث فصول پنجم، ششم و هفتم، این نتیجه حاصل می‌شود که:

۶. در محیط زیست انسانی، علاوه بر توصیه‌هایی در مورد سلامت روح، در سلامت جسمانی هم اوامر و نواهی فراوانی دیده می‌شود که در نظافت منزل، لباس، محیط زندگی روستایی یا شهری منعکس می‌گردد.

در اسلام به مسافرت و تأمل در تاریخ گذشتگان و عبرت‌آموزی و توجه به سنن الهی سفارش شده است، در عین حال توصیه‌های فراوانی به رعایت اخلاق زیست محیطی در سفرهای طبیعی (ظاهری) دیده می‌شود که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۷. آلوده نکردن آب‌ها به مواد شوینده شیمیایی، زباله‌ها و وارد نشدن به محدوده زندگی حیوانات، شکار نکردن آن‌ها برای تفریح و سرگرمی، در محیط زیست گیاهی اهمیت داده شده و جایگاه آب در تاریخ ادیان و عرفان و ایران باستان قرآن و احادیث پیشوایان دین بیان شده که در این مورد، توصیه‌های دینی در آلوده نکردن آب و عدم اسراف در مصرف آن دارای ارزش خاصی است.

۸. بر اهمیت درختکاری، کاشت درخت و حفر قنات در قرآن، احادیث و سیره پیشوایان دین تأکید شده است. علاوه بر اوامری که در نهالکاری دیده می‌شود،

دستورات فراوانی یافت می‌شود که انسان‌ها از تخریب فضای سبز و قطع درختان نهی شده‌اند.

۹. در محیط زیست جانوری، اهمیت حقوق حیوانات در نمونه‌های تاریخی، قصص قرآنی و احادیث و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام بیان شده است. بنابر توصیه‌های بزرگان دین، حمایت از حیوانات و ترحم به آن‌ها در هدایت انسان مؤثر است. هم‌چنین بر نظافت محل دام‌ها و تهیه آب و علوفه سفارش شده و نیز درباره آداب شکار و سر بریدن و دیه آن‌ها اوامر و نواهی دینی بیان شده است.

۱۰. در فصل هشتم نتیجه این شد که در دولت مهدوی به محیط زیست اهمیت داده می‌شود. و در آن زمان موجودات، به نهایت تحقق استعدادهای بالقوه خویش خواهند رسید. دیدگاه ایجاد جنگ هسته‌ای در حکومت مهدوی مورد پذیرش نبوده و انهدام بخشی از جامعه بشری، محصول عملیات نظامی آن دوران نیست؛ بلکه قبل از ظهور، در اثر منازعات انسانی، فجایع زیست محیطی گریبانگر بشر می‌شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشهای، نشر فکر برتر، تهران، ۱۳۸۴.
۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمد دشتی، انتشارات حضور، قم، ۱۳۸۱.
۳. کتاب مقدس، عهد عتیق و جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ج، دارالاضواء، بیروت، بی تا.
۵. اباذری، یوسف وهمکاران، ادیان جهان باستان، ج ۲، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغه، ج ۳، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مرکز الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴.
۷. ابن منظور، جمال الدین محمد، لسان العرب، ج ۱۲، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸.
۸. اخوان کاظمی، بهرام، آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست، مجله انتظار موعود، شماره ۱۷، ۱۳۸۴.
۹. اصغری لقمجانی، صادق، مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۰. افتخار جهرمی، گودرز، حق محیط زیست، با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. افتخار جهرمی، گودرز، حق محیط زیست، با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، ۱۳۸۲.

۱۲. افتخاریان، سید جواد، قرآن و علوم روز، انتشارات افتخاریان، تهران، ۱۳۶۲.
۱۳. ایموتو، ماسارو، پیام‌های آب، ترجمه سید حسین عمادی، نشر دادار، ۱۳۸۶.
۱۴. بنان، غلامعلی، محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن، انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی، تهران، ۱۳۵۴.
۱۵. پارسا، علیرضا، محیط زیست و حقوق بشر، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۵ - ۱۳۶.
۱۶. پورمحمدی، شیما، گسترده حقوق حیوانات در اسلام و غرب، مجله ندای صادق، ش ۳۹، ۱۳۸۴.
۱۷. پویمان، لویی پ، اخلاق زیست محیطی، ترجمه محسن ثلاثی و دیگران، نشر توسعه، تهران، ۱۳۸۲.
۱۸. پیترز، افای، مجموعه مقالات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ترجمه حسین توفیقی، ۱۳۸۴.
۱۹. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق کیفری محیط زیست، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۶.
۲۰. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست در ایران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۴.
۲۱. جعفری، محمدتقی، فلسفه اخلاق، در آمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایرانی، ویراستار مسعود امید، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۱.
۲۲. جمالزاده فلاح، فریبرز، بررسی سیستمی مواهب طبیعی در برگ‌های سبز الهی، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸.

۲۳. جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی و چالش‌های نوین در اخلاق عملی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، قم.
۲۴. جنیدی، محمدجواد، صنایع معدنی و آلودگی محیط، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، تهران، ۱۳۵۲.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶.
۲۶. جی سینگر، مارکوس، نگرش کلی به فلسفه اخلاق، دیدگاهها و رشته‌ها، ترجمه حمید شهریاری، مجله معرفت، شماره ۱۵، سال ۱۳.
۲۷. حقی، بروسی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، ج ۹، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵.
۲۸. حویزی عروسی، عبد علی ابن جمعه، تفسیر نورالتقلین، ج ۴، مطبعة الحکمه، قم، بی تا.
۲۹. حیدری کاشانی، حکومت عدل گستر، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، بی تا، قم.
۳۰. حمیری عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، نشر دارالحدیث، قم ۱۳۷۵.
۳۱. خمینی، [امام]، سید روح الله، توضیح المسائل، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴.
۳۲. _____، _____، رساله نوین مسائل سیاسی و حقوقی، عبدالکریم، بی آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.
۳۳. _____، _____، تحریر الوسیله، ج ۲، نشر دارالعلم، چاپ دوم، قم، بی تا.

۳۴. _____، _____، سرّ الصلوة، موسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم، تهران.
۳۵. خمینی، سید روح الله، پرواز در ملکوت، شرح سید احمد فهري زنجانى، نشر فیض کاشانی، چاپ نهم، ۱۳۷۵.
۳۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
۳۷. دیلمی، محمدحسن، ارشادالقلوب، بی نا، بی تا، نجف، ۱۳۷۰ ق.
۳۸. رابینسون، دیو، اخلاق قدم اول، ترجمه علی اکبر عبدل آبادی، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۷۸.
۳۹. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، چاپ اول، دمشق، ۱۴۱۶.
۴۰. ربانی، محمد، بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعلیم اسلام، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، چ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۴۱. رستمی، محمد حسن، سیمای طبیعت در قرآن، بوستان کتاب، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۶.
۴۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، بوستان کتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰.
۴۳. زبیدی، سید محمدمرتضی، تاج العروس، ج ۶، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۴.
۴۴. سادات حسینی، اخلاق محیط زیست، پایان‌نامه دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۴.
۴۵. سپهری، سهراب، هشت کتاب، نشر طهوری، تهران، ۱۳۸۳.

۴۶. سعادت پرور، علی، ظهور نور، محمد جواد وزیری فرد، نشر احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰.
۴۷. سعدی شیرازی، مصلح الدین، بوستان، به اهتمام محمد علی فروعی، نشر برادران علمی، تهران، ۱۳۶۹.
۴۸. سلطانی، محمود، آفت کش ها، محیط زیست و توسعه پایدار، فصلنامه محیط زیست، شماره ۲۹، ۱۳۷۸.
۴۹. ———، ———، آفت کش ها، محیط زیست و توسعه پایدار، فصلنامه محیط زیست، شماره ۲۹، سال ۱۳۷۸.
۵۰. سنایی غزنوی، محدود بن آدم، دیوان حکیم سنایی غزنوی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
۵۱. سیجباتی، عبدالله، احکام البیئه فی الفقه الاسلامی، نشر ابن جوزی، ریاض ۱۴۲۹.
۵۲. شاه ولی، منصور و کاوی زاده، گفتمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین (اسلام)، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸.
۵۳. ———، ———، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲.
۵۴. ———، ———، و کاظمی، سیر نظریه های حفاظت خاک و رویکرد آن ها در قرن بیستم، فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه، ش ۲، تهران، ۱۳۷۸.

۵۵. —، —، و همکاران، پارادیم اخلاقی - فلسفی متعالی در پژوهش‌های بحران‌های زیست محیطی، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸.
۵۶. شاهنوش فروشانی، فاطمه صالحه، اخلاق زیست محیطی در سفر، مجله نامه جامعه، ش ۹۳، قم، ۱۳۸۶.
۵۷. شریعت پناهی، محمد، اصول کیفیت تصفیه آب و فاضلاب، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵۸. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، اخلاق کاربردی، نشر معارف، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵۹. صادقی، حسین و فراهانی فرد، سعید، محیط زیست از منظر دین و اقتصاد، مجله اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، قم، ۱۳۸۲.
۶۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، مکتب داوری، قم، بی تا.
۶۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۲ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۰، نشر جامعه مدرسین، قم، بی تا.
۶۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.
۶۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، باتصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، مکتبه مرتضویه، تهران، بی تا.
۶۵. طوسی، محمد، تهذیب الاحکام، ج ۶ و ۹، تحقیق سید حسن خراسان، چاپ سوم، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶.

۶۶. عابدی سروستانی، احمد، تبیین اخلاق زیست محیطی استادان و دانشجویان دانشگاه شیراز، رساله دکتری، ۱۳۸۷.
۶۷. عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، ج ۱ و ۱۳ و ۲۰، با تصحیح شیرزای، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۶۸. عمر الرباط، عزّه، البیئّه و جذور التریبّه البیئّه، الصّبّاح، دمشق، ۱۴۲۱.
۶۹. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۹، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، بی تا.
۷۰. فضلان، امّ خالد، اسلام و محیط زیست، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸.
۷۱. فقیه، محسن، حقوق متقابل در اسلام، شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، آستان قدس رضوی، مشهد.
۷۲. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی، ج ۲، معاد از نظر روح و جسم، هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
۷۳. فولادی، محمد، بررسی جایگاه تقدس آب در اسطوره‌های ملل، مجموعه مقالات همایش نگاه قدسی به آب، دانشگاه علم و صنعت، تهران، اسفند ۱۳۸۷.
۷۴. فیروزی، مهدی، مبانی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در قرآن، مجله رواق اندیشه، شماره ۴۲، قم، خرداد ۱۳۸۴.
۷۵. _____، _____، حق بر محیط زیست، سازمان جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۷۶. قارداشی، علی اصغر، اهمیت آب و سیر تحول آن در اساطیر و تاریخ ایران، مجموعه مقالات همایش نگاه قدسی به آب، دانشگاه علم و صنعت، تهران، اسفند ۱۳۸۷.

۷۷. کاسسه، آنتونیو، نقش زور در روابط بین الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۵.

۷۸. کریمی، یوسف، نگرش و تغییر نگرش، مؤسسه نشر و ویرایش، تهران، ۱۳۷۹.

۷۹. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، ج ۵ و ۶ و ۷، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵.

۸۰. کمیسیون ملی یونسکو، آموزش بین المللی محیط زیست، فیروزه برومند، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰.

۸۱. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.

۸۲. کیس، الکساندر، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه: محمدحسین حبیبی، ج ۱، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۱.

۸۳. گرجی، ابوالقاسم، اسلام و محیط زیست، مجله نور علم، ش ۴، ۱۳۶۳.

۸۴. _____، _____، قاعده تسلیط، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

۸۵. لورنتس، کنراد، هشت گناه بزرگ انسان متمدن، ترجمه: محمود بهزاد، نشر زمان، تهران، ۱۳۸۵.

۸۶. لولان، ایو، جهان سوم و بحران محیط زیست، ترجمه منوچهر فیروز عسگری، تهران، نشر چاپخش، ۱۳۷۳.
۸۷. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱ و ۴، دارالاضواء، بیروت، بی تا.
۸۸. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان ومذاهب جهان، ج ۱، چاپ اول، انتشارات سینا، تهران، ۱۳۷۳.
۸۹. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
۹۰. مجلسی، محمدباقر، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، قم، نشر وقف، ۱۳۳۹.
۹۱. _____، _____، بحار الانوار، ج ۱۰ و ۱۴ و ۳۶ و ۴۳ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۶ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶، مکتبه الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۴.
۹۲. محرم نژاد، ناصر، تغییرات جهانی آب و هوا، فصلنامه محیط زیست، شماره ۱، ۱۳۷۴.
۹۳. _____، _____، تغییرات جهانی آب و هوا، فصلنامه محیط زیست، شماره ۷، ۱۳۷۴.
۹۴. محقق داماد، سید مصطفی، الهیات محیط زیست، نامه فرهنگستان علوم، ش ۱۷، بی تا.
۹۵. _____، _____، قواعد فقه، بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
۹۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲ و ۳، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴.

۹۷. محمدی ری شهری، محمد، کیمیای محبت، زندگی نامه شیخ رجبعلی خیاط، نشر دارالحدیث، تهران، ۱۳۷۸.
۹۸. محمدی، یوسف، محیط زیست، و چالش‌های آن از منظر قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف قرآن، دانشگاه مفید، قم، شهریور ۱۳۸۷.
۹۹. مدرسی، سید محمدرضا، فلسفه اخلاق (پژوهشی در بنیان‌های زبانی، فطری، تجربی، نظری و دینی اخلاق)، سروش، تهران، ۱۳۷۱.
۱۰۰. مدنی، سید عبدالله، شهر سالم و محیط نمونه از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰۱. مصباح، مجتبی، بنیاد اخلاق، چاپ اول، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۲.
۱۰۲. _____، _____، فلسفه اخلاق، چاپ اول، انتشارات مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۰.
۱۰۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰۴. _____، _____، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۲، صدرا، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰۵. مظفری، محمدحسن، مسئولیت بین‌المللی آلوده کنندگان آب‌ها، پایان نامه دانشگاه مفید، قم، ۱۳۷۸.
۱۰۶. معاونت پژوهش ریاست جمهوری، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ شش، تهران ۱۳۸۶.
۱۰۷. معرفت، محمد هادی، عدالت مهدوی در قرآن، مجله انتظار، شماره ۱۳.
۱۰۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۰۹. مفید، محمد، الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد، ج ۱، چاپ اول، المؤتمر العالمی لالقیه الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳.
۱۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۹ و ۱۰، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، تهران، ۱۳۶۷.
۱۱۱. ملکی، میرزا جواد آقا، اسرار الصلوئه، ترجمه رضا رجب زاده، نشر آزادی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۶.
۱۱۲. ملکیان، مصطفی، تاریخ فلسفه غرب، ج ۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.
۱۱۳. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، ج ۳، نشر تفکر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۱۴. موسوی بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۵.
۱۱۵. مولوی، جلال الدین، مثنوی، دفتر اول و سوم و چهارم و ششم، نشر محمد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱۶. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۱۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق محمود قوچانی، ج ۳۱.
۱۱۸. نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، ج ۱، نشر حسینی، تهران، ۱۳۶۱.
۱۱۹. نصر، سید حسین، دین و نظم طبیعت، انشاءالله رحمتی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۱۲۰. نوری، جعفر، فرهنگ جامع محیط زیست، ناشر مؤلف، بی جا، ۱۳۷۲.
۱۲۱. نوری، جعفر، و سیاوش شایان، فرهنگ اصطلاحات جغرافیای طبیعی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۳.
۱۲۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳ و ۸ و ۱۳، مؤسسه آل بیت، بیروت، ۱۴۰۹.
۱۲۳. ورنیه، ژاک، محیط زیست، ترجمه پریسا صمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۲۴. هلپاپ وهویسمان، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

منابع لاتین:

125. Environmental Ethics ,Rouledge Encyclopedia Of Philosophy, Version 1, Oxfard University press 1995.
126. M.Midgly, Duties Concerning Islad in R.M. Elliot, (Environemntal Ethics).
127. Barbara Ward and Rene DuBoS,OnLy One Earth ,England, penguin books, 1974.
128. Aristotle. Poltics trans.E.Barker, Oxford university,press 1948.
129. Environmental Ethics , Routledge Eneyclopedia of philosophy, version1, London and new york 1998.
130. Environmental Ethics ,standford Encyclopedia of philosophy, London 2002

نمایه‌ها

آیات قرآن

- أَنْ لَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (الرحمن/۸)
- إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ (قلم/۴)
- قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ (مؤمنون/۸۸)
- أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَوَجْهَ اللَّهِ (بقره/۱۱۵)
- وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (ص/۱۷)
- اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (لقمان/۲۶)
- وَأَلْقَدْنَا كَرَّمَنَا بَنِي آدَمَ (اسراء/۷۰)
- إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ * وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (جاثیه/۳-۴)
- وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا... (انعام/۵۹)
- وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بَعَثَ مَوْتَهَا... (نحل/۶۵)
- وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (دخان/۳۹)
- إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَ إِذَا الْجِبَالُ سِيرَتْ (تکویر/۱-۳)
- وَ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ إِذَا الْكُوكَبَاتُ انْتَشَرَتْ وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (انفطار/۱-۳)
- هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (بقره/۲۹)
- وَأَلْقَدْنَا مَكَّانَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ (اعراف/۱۰)
- وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (الرحمن/۱۰)
- وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (نحل/۵)
- هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... (نحل/۱۰)
- مَنَّبِتُ لَكُمْ بِرِ الرُّوْعِ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ (نحل/۱۱)
- وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَبَائِثَ ذَاتٍ بَهْجَةٍ (نمل/۶۰)

- وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ... (ابراهیم/۳۳)
- وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ... (نحل/۱۲)
- أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... (لقمان/۲۰)
- أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ... (حج/۶۵)
- وَأَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود/۶۱)
- وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا... (اعراف/۵۶)
- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره/۲۰۵)
- فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْيَوْمِ (زخرف/۴۳/۶۵)
- وَمَنْ يَظْلِمْ مِّنْكُمْ نُدْفَعُهُ عَذَابًا كَبِيرًا (فرقان/۱۹)
- لَا تَضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ (بقره/۲۳۳)
- فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ (بقره/۱۹۰)
- وَلَا تُبَدِّرُوْا تَبَدُّرًا (اسراء/۱۷/۲۶)
- إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ (اسراء/۱۷/۲۷)
- كُلُّوْا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف/۳۱/۷)
- وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام/۱۴۱/۶)
- وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (غافر/۴۰/۴۳)
- الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُوْرٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِبًا وَهُوَ حَسِيرٌ (ملك/۳ و ۴)
- إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُوْرًا (انسان/۳)
- اغْدُلُوْا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده/۸)
- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶)

- وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف/۵۶)
- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره/۲۰۵)
- ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم/۴۱)
- وَتَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۰۴)
- الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ... (توبه/۷۱)
- فتبارك الله أحسن الخالقين (مومنون/۱۴)
- مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (اسراء/۷۹)
- وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَتَيْمَامًا وَاسِيرًا (انسان/۸)
- فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ (نحل/۷۹)
- كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (الرحمن/۲۹)
- وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (مدثر/۴)
- وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (حج/۲۶)
- فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (نحل/۳۶)
- وَانزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنَحْيِي بِهِ (فرقان/۴)
- وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيَطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رَجَزَ الشَّيْطَانِ ...
- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا (انبيا/۳۰)
- وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَانزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (فرقان/۴۸)
- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (انبيا/۳۰)

- وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ (نور/۴۵)
- وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْنَفِيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (مرسلات/۲۷)
- مُدَّهَا مَتَانًا (الرحمن/۶۴)

احادیث

- انک رجل مضار ولا ضرر ولا ضرار علی مؤمن
- حرمة مال المسلم كحرمة دمه
- مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى الْمُنْكَرَ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ وَخَلِيفَةُ
- لَا تَطِيبُ السَّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ، الْهَوَاءُ الطَّيِّبُ وَ الْمَاءُ الْعَذْبُ وَ الْأَرْضُ الْخَوَارِهُ
- لَا يَسْتَعْنَى أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثِهِ: فَقِيهِ وَ عَالِمٍ وَرِعٍ وَ أَمِيرٍ خَيْرٍ قُطَاعٍ وَ طَبِيبٍ بَصِيرٍ ثِقَةٍ
- أَنَّمَا هِيَ نَفْسٌ أَرَوْضُهَا بِالتَّقْوَى
- النَّفْسُ إِنْ لَمْ تَشْغَلْهُ شَغَلْكَ
- مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلِمَةً عَلَى النَّاسِ
- بَيْتُ الشَّيْطَانِ فِي بُيُوتِكُمْ بَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ
- لَا تَبْتِئُوا الْقِمَامَةَ فِي بُيُوتِكُمْ وَأَخْرِجُوهَا مِنْهَا فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ
- لَا تَنْكَبُوا الْعُبَارَ فَإِنَّهُ مِنْهُ تَكُونُ النَّسْمَةُ
- أَيَاكُمْ وَ الْجُلُوسَ فِي الطَّرِيقَاتِ
- اتَّقُوا الْمَلْعُونِينَ: قَالُوا وَ مَا اللَّعَانَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَى مَنْ عَاتَى الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظَلَمِهِمْ
- ثَلَاثٌ مَلْعُونُونَ مِنْ فَعَلِهِمْ، الْمَتَعَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ، وَ الْمَانِعُ الْمَاءَ الْمَتَّابَ وَ سَادَ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ
- وَ أَقَاتُكَ الْحَجَرِ وَ الشُّوكَةِ وَ الْعَظْمِ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ

- سافروا تصحّوا
- تقدّم الى الماء تقدّمك الى رحمة
- الماء يطهر ولا يطهر
- خلّق الله الماء طهوراً
- طعم الماء طعم الحيات
- سبعٌ يجرى للعبد أجرٌ وَ هو فى قبره بعد موته من علم أو كرى نهراً أو حفر بئراً أو غرس شجراً أو بنى مسجداً أو ورث مصحفاً أو ترك ولداً يستغفر له بعد موته
- فَمَنْ زاد على هذا فقد آساء و تعدّى و ظلّم
- الماء المغلى ينفع من كلّ شيءٍ و لا يضرّ من شيء
- حَمْرُ الانية و أوكو الاسيقة
- اذا شرب احدكم فلا يتنفس فى الاناء
- لا يبلوكن احدكم فى الماء الراكد الذى لا يجرى ثم يغتسل فيه
- الماء له سكّاث فلا تؤذوهم ببولٍ و غائط
- لا تكثر من شرب الماء فانه مادة لكلّ داء
- لا ينبغى الشرب فى انية الذهب و الفضة
- ما من مسلم يغرس غرساً او يزرع زرعاً فيأكل منه انسان أو طير أو بهيمة الا كانت له به صدقه
- مَنْ أراد أن يشم رائحتى فليشم الورد الأحمر
- اذا قامت الساعة و بيد احدكم فسيله فان استطاع الا تقوم حتى يغرسها فليغرسها
- كان امير المؤمنين يضرب بالمرّ و يستخرج الارضين
- لا تحرقوا النخل و لا تعزقوه بالماء و لا تقطعوا شجراً مثمرةً و لا تحرقوا زرعاً
- لا تقطعوا الثمار فيصّب الله عليكم العذاب صباً

- للثَّابَةِ عَلَىٰ صَاحِبِهَا سِتٌّ خِصَالٌ: يَعْلَفُهَا إِذَا نَزَلَ، وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ، وَلَا يَضْرِبُهَا إِلَّا عَلَىٰ حَقٍّ، وَلَا يَحْمِلُهَا مَا لَا تَطِيقُ، وَلَا يَكْفُفُهَا مِنَ السَّيْرِ إِلَّا طَاقَتَهَا وَلَا يَقِفُ عَلَيْهَا فَوْقًا
- نَظَّفُوا مَرَابِضَهَا وَامْسَحُوا رِغَامَهَا
- لكل شيء حرمة و حرمة البهائم في وجوهها
- لا یرتدف ثلاثة على دابة فان احدهم ملعون
- لا یحملها فوق طاقتها
- لا تتخذ ظهرها مجالس يتحدث عليها
- من سافر منكم بدابة فليبدء حين ينزل بعلفها و سقيها
- لا تأتوا الفراخ في أعشاشها و لا الطير في منامه
- كعن الله من مثل بالحيوان
- لو عَفَرْتُمْ مَا تَأْتُونَ إِلَى الْبَهَائِمِ لَعَفَرْتُمْ كَثِيرًا
- لا تذبح الشاة عند الشاة و لا الجزور عند الجزور و هو ينظر اليه
- يطهر الله به الارض من كل جور و يقدسها من كل ظلم...
- يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً يرضى في خلافته أهل الأرض و أهل السماء و الطير في الجور
- اسمه اسم النبي يأمر بالعدل و يفعله و ينهى عن المنكر و يجتنبى الله به الظلم و يجلو به الشك و الغمى يرضى الذئب في ايامه مع الغنم و يرضى عنه ساكن السماء و الطير في الجو و الحيتان في البحار...
- يخرج رجلٌ من أهل بيتي و يعمل بسنتي و نزل الله له البركة من السماء و تخرج الارض بركتها... يتنعم أمتي في زمانه نعيماً لم يتمتعوا مثله قط البر و الفاجر يرسل السماء عليهم مدراراً و لاتدخر الارض شيئاً من نباتها...
- لا تخرج المهدي حتى يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقى ثلث

اعلام

Fransis Bacon	فرانسیس بیکن
Lynn white	لین وایت
Arnould tuwin B	آرنولد توین بی
Rodulof Bahroo	رودلف باهرو
Alsander kiss	الکساندر کیس
Fishen	فیشین
Noss, John Boyer	جان ناس
Richard Niebuhr	ریچارد نیبور
Josef Sitler	جوزف سیتلر
Richar Bear	ریچارد بئر
Saint Fransis	قدیس فرانسیس
Santmeier	سانتمایر
John B. Cobb	جان بی کاب
Mc Fague	مک فاک
Hildegard	هیلدگار
Meister Eckhart	مایستر اکهارت
Fax	فاکس
Berd Kelikat	برد کلیکات
Nostra damus	نوسترا اداموس

اصطلاحات

Humanism	اومانیزم
Secularism	سکولاریزم
Positivism	پوزیتیویسم
Pragmatism	پراگماتیسم
Ethics	علم اخلاق
Custom	سجیه
Environment	محیط زیست
Ecology	اکولوژی
Ecosystem	اکوسیستم
Lithosphere	لیتوسفر
Pedosphere	پدوسفر
Hydrosphere	هیدروسفر
Umwelt	محیط زیست
Absolute Humanism	انسان‌گرایی مطلق انسان‌گرایی مطلق
Right to Environment	حق بر محیط زیست
Ecology Balance	تعامل اکولوژیک
Environmental Disaster	فاجعه زیست محیطی
Green Peace	صلح سبز
Asha	اشه
Pantheism	همه خدا باوری
eco - Feminism	فمینیسم بوم شناختی
	ماء آجن
	ماء آسین
welf are animal	رفاه حیوانات